



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

مجموعه سیاست های اقتصادی سال ۱۳۹۹ بار ویکرد جهش تولید



بسم الله الرحمن الرحيم



مجموعه سیاست های اقتصادی سال ۱۳۹۹
بارویکرد جهش تولید



(بهار ۱۳۹۹)

در ابتدای سال ۱۳۹۸، پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها، افق روشنی را از اقتصاد نشان نمی‌دادند؛ ولی با توکل به خدای متعال و همت و تلاش دستگاه‌های دولتی و پشتیبانی و همراهی همه مردم، قدم‌های خوبی برداشته شد. رشد اقتصادی در بخش غیرنفتی، از ارقام منفی به مثبت تغییر کرد؛ نرخ تورم روند نزولی یافت؛ اشتغال روند مثبتی را تجربه نمود و تجارت خارجی پایدار ماند. درواقع، علی‌رغم فشارهای خصمانه تحریم‌ها و تنگناهای اقتصادی ناشی از آن، سیاست‌های اقتصادی اتخاذشده بر اساس شعار رونق تولید در سال ۱۳۹۸ جهت تحقق رشد اقتصادی، تقویت سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، تسهیل تجارت خارجی و نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و مالیاتی، موفقیت‌های قابل‌قبولی را به دنبال داشته است.

روند حرکت شاخص‌های عمده اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۸، نویدبخش خروج از وضعیت بحرانی و حرکت به سمت رشد اقتصادی، همراه با کاهش نرخ تورم و نااطمینانی‌های اقتصادی بود. در پاییز سال ۱۳۹۸، رشد اقتصادی نسبت به فصل‌های گذشته، از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار شده بود و رشد اقتصادی بدون نفت، در نه‌ماه نخست سال ۱۳۹۸، روند مثبتی را تجربه نمود که این امر، نشان‌دهنده حرکت به سمت اقتصاد بدون اتکاء به بودجه نفتی و رونق تولید در بخش‌های غیرنفتی و دستیابی به اهداف ترسیم‌شده در سال رونق تولید بود. گزارش‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نشان می‌دهد در سه‌ماهه سوم سال ۱۳۹۸، رشد اقتصادی بدون نفت، مثبت بوده است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: ۳،۳ درصد و مرکز آمار ایران: ۰،۹ درصد). همچنین تمامی بخش‌های اقتصادی، رشد مثبت را در فصل پاییز تجربه نموده‌اند؛ به‌طوری‌که بخش کشاورزی با ۷،۸ درصد، صنعت و معدن با ۷ درصد و خدمات با ۱،۲ درصد توانسته‌اند رشد اقتصادی مناسبی را برای این فصل رقم بزنند.

نکته حائز اهمیت آن است که تشکیل سرمایه که نقش مهمی در پویایی اقتصاد ایفاء می‌کند، در پاییز ۱۳۹۸ بعد از ۶ فصل تجربه نرخ رشد منفی، از رشد مثبت برخوردار شده است. همچنین تولیدات صنعتی به‌عنوان اصلی‌ترین نماینده تولید در کشور، در دی‌ماه ۱۳۹۸ (بعد از ۱۸ ماه) از رشد مثبت ۲,۳ درصدی برخوردار گردید. بخش ساختمان از آن جهت که ارتباطات پسین و پیشین قوی با سایر بخش‌های اقتصادی دارد، حائز اهمیت می‌باشد. تشکیل سرمایه در این بخش، در نه‌ماه نخست سال ۱۳۹۸ دارای رشدی مثبت و روند آن طی فصول این سال مثبت و افزایشی بوده است.

علی‌هذا، کشور در تداوم تحریم‌های اقتصادی، شیوع ویروس کرونا و آثار اقتصادی آن، نیازمند اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی است. بر این اساس، وزارت امور اقتصادی و دارایی، با عنایت به نام‌گذاری سال ۱۳۹۹ به نام جهش تولید از سوی مقام معظم رهبری، با بررسی‌های همه‌جانبه اقدام به تدوین مجموعه سیاستی معطوف به شعار سال با نگاهی وسیع به آخرین وضعیت اقتصادی کشور و در نظر داشتن چالش‌های ساختاری و بنیادین اقتصاد کشور نموده است. در این مجموعه، ۵ محور اصلی، مورد توجه قرار گرفته که شامل موارد ذیل است:

- بهبود محیط کسب و کار و اقتصاد هوشمند؛
- سیاست‌های تأمین مالی و هدایت اعتبار به سمت واحدهای تولیدی؛
- تقویت سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری تولید؛
- سیاست‌های مالی و بودجه‌ای؛
- سیاست‌های ارزی و تجاری.

ویژگی بارز این مجموعه سیاستی، تلاش برای لحاظ کردن تمام ظرفیت‌های اقتصادی کشور است و از این‌رو، طیف گسترده و متنوعی از سیاست‌ها و اهداف را گرد هم آورده است. همچنین تلاش شده است، برای سهولت هماهنگی و امکان ارزیابی عملکرد، اهداف کمی و کیفی برای هر سیاست ارائه شود و دستگاه‌های مجری و همکار در هر سیاست نیز تعیین شوند. از الزامات اجرایی موفقیت

این مجموعه سیاستی، همراهی دستگاه‌های مجری و همکار در به نتیجه رساندن این اقدامات است و ضروری است تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور، همکاری و همراهی در این زمینه را مبذول نمایند.

در پایان، از مشارکت معاونان، مشاوران، رؤسای مراکز، مدیران کل دفاتر و ادارات کل و سایر صاحب نظران و کارشناسان وزارت امور اقتصادی و دارایی و پژوهشکده امور اقتصادی که در مراحل تهیه، تدوین و انتشار این مجلد همکاری داشته اند، صمیمانه قدردانی می نمایم.

فرهاد دژپسند

وزیر امور اقتصادی و دارایی

فروردین ۱۳۹۹

فهرست

موضوع	صفحه
۱- تحلیل وضع موجود اقتصاد ایران	۱
۱-۱. وضعیت رشد اقتصادی	۱
۱-۲. تولید ناخالص داخلی از سمت عرضه اقتصاد	۳
بخش کشاورزی	۳
بخش صنایع و معادن	۵
بخش خدمات	۸
۱-۳. تولید ناخالص داخلی از سمت تقاضای اقتصاد	۹
هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی	۹
هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی	۱۰
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۱۱
صادرات کالاها و خدمات	۱۴
واردات کالاها و خدمات	۱۶
۱-۴. نرخ تورم	۱۷
۱-۵. نیروی کار	۱۸
۱-۶. بخش پولی و بانکی	۲۰
۱-۷. بخش تجارت خارجی	۲۴
۱-۸. بخش مالی و بودجه	۲۹
چالش‌های اقتصادی	۳۴
۱-۹. چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران	۳۴
۱-۱۰. چالش‌های احتمالی در سال ۱۳۹۹	۳۶
۳- تبیین شرایط اقتصادی پیش رو و رویکرد سیاست‌گذاری اقتصادی سال ۱۳۹۹	۳۷

۴- محورهاى سياست‌هاى اقتصادى در سال ۱۳۹۹ در راستاى جهش توليد ۳۹

۴-۱. بهبود محيط كسب‌وکار و اقتصاد هوشمند ۳۹

۴-۲. سياست‌هاى تأمين‌مالى و هدايت اعتبار به‌سمت واحدهاى توليدى ۵۰

۴-۳. تقويت سرمايه‌گذارى و ارتقاى فناورى توليد ۶۶

- اثر تحريم‌ها بر سرمايه‌گذارى و منابع مالى خارجى ۶۷

- خروج سرمايه از کشور ۶۹

- عوامل نهادى و ساختارى ۷۲

۴-۴. سياست مالى و بودجه‌اى ۷۹

- ارتقاى درآمدهاى مالىاتى با تأكيد بر پايه‌هاى مالىاتى با ماهيت اخلاى‌زاى پايين و عدم تحميل

بار مالىاتى بر فعالان اقتصادى شفاف ۸۰

- تسويه و تهاىر مطالبات بخش خصوصى از طريق صدور اوراق تسويه خزانه (نوع اول و دوم) ۸۱

- تأمين منابع مالى طرح‌هاى تملك دارايى‌هاى سرمايه‌اى از طريق مولدسازى و يا فروش اموال

مازاد و ناکارآمد دولت ۸۳

- تأمين‌مالى دولت از طريق اجراى سياست‌هاى کلى اصل (۴۴) قانون اساسى ۸۴

- بازنگرى در الگوى تخصيص اعتبارات، با تأكيد بر تخصيص کامل اعتبارات طرح‌هاى تملك

دارايى‌هاى سرمايه‌اى و اعمال اصلاحات برائى کاهش اعتبارات هزينه‌اى ۸۶

- استقرار نظام بنگاه‌دارى نوين و تجديد ساختار شرکت‌هاى دولتى ۸۸

- استقرار سيستم يکپارچه مديريت مالى دولت و ارتقاى نظام نظارت مالى ۸۹

۴-۵. سياست‌هاى ارزى و تجارى ۹۲

- سياست هاى تجارى ۹۵

- تركيب کالاهائى تجارى ۱۰۱

- سياست‌هاى ارزى ۱۰۲

۱. برقرارى ثبات در بازار ارز با پذيرش سطحى از انعطاف پذيرى ۱۰۴

۲. حرکت در جهت کاهش نرخ‌هاى چندگانه ارز ۱۰۴

۳. تداوم مديريت بهينه منابع محدود ارزى با رويکرد اولويت‌بندى مصارف ۱۰۴

۴. افزایش سهم سامانه نیما از تخصیص منابع ارزی و تقویت مکانیزم‌های تشویقی بازگشت

ارز حاصل از صادرات ۱۰۴

۵. اتخاذ تمهیداتی برای کاهش وابستگی تجارت خارجی به ارزهای جهان‌روا ۱۰۵

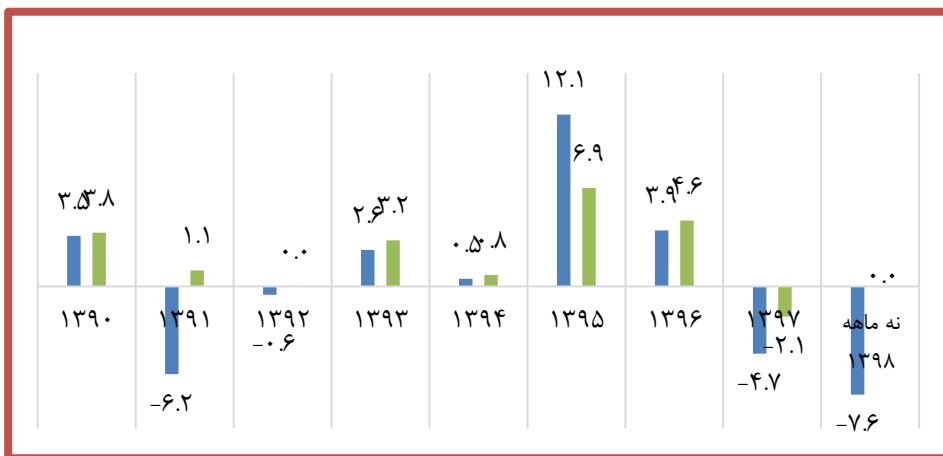
۵- جمع‌بندی ۱۰۸

۱- تحلیل وضع موجود اقتصاد ایران

۱-۱. وضعیت رشد اقتصادی

بنا بر اطلاعات مرکز آمار ایران، نرخ رشد اقتصادی (نرخ رشد تولید ناخالص داخلی) طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷، پایین و با نوسانات زیادی همراه بوده است. متوسط سالانه ۱,۴ درصدی طی دوره یادشده و انحراف معیاری معادل ۵,۷ مؤید این موضوع می‌باشد. همانطور که در نمودار ذیل مشاهده می‌شود نرخ رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷، منفی و در بقیه سال‌ها، مثبت بوده است.

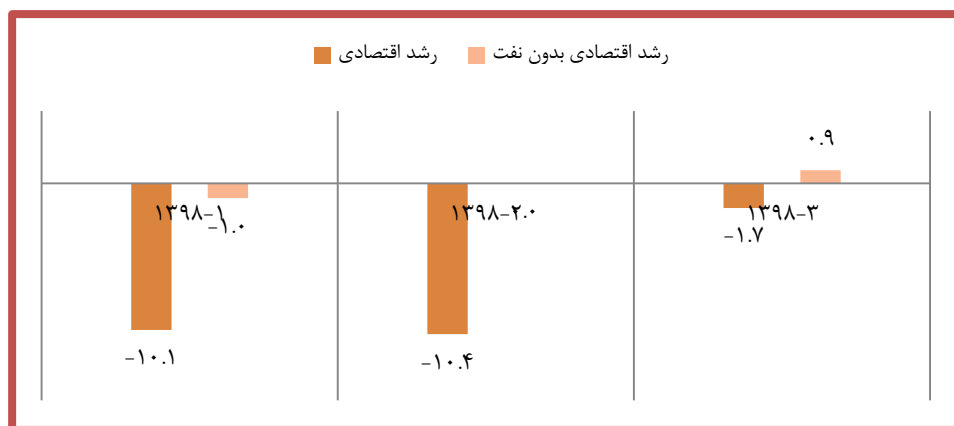
طی دوره مورد بررسی نرخ رشد اقتصادی بدون نفت نوسان کمتری داشته است به‌طوری‌که طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶، غیرمنفی بوده و در سال ۱۳۹۵، به بیش‌ترین میزان خود رسیده است؛ این در حالی است که در سال ۱۳۹۷، این شاخص منفی شد و به ۲,۱- درصد کاهش یافت.



مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۱. رشد اقتصادی و رشد اقتصادی بدون نفت، طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نه‌ماه سال ۱۳۹۸ (درصد)

براساس آمارهای منتشرشده در سال ۱۳۹۸ بررسی روند حرکتی شاخص‌های عمده اقتصادی ایران، نویدبخش خروج از وضعیت بحرانی و حرکت به سمت رونق تولید و ارتقای رشد اقتصادی همراه با کاهش نرخ تورم و کاهش نااطمینانی‌های موجود می‌باشد. شرایط اقتصادی ایران در نیمه دوم سال، بیانگر بهبود وضعیت برخی متغیرهای اقتصادی است و در فصل پاییز سال ۱۳۹۸ رشد اقتصادی نسبت به فصول گذشته این سال با آهنگ کمتری به سمت منفی شدن میل کرده است. هرچند رشد اقتصادی در نه‌ماه سال ۱۳۹۸، به دلیل کاهش صادرات نفتی و در نتیجه کاهش رشد ارزش‌افزوده گروه استخراج نفت و گاز طبیعی (۳۷- درصد)، با کاهش روبرو شد.



مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۲. رشد اقتصادی و رشد اقتصادی بدون نفت طی فصل‌های بهار الی پاییز سال ۱۳۹۸ (درصد)

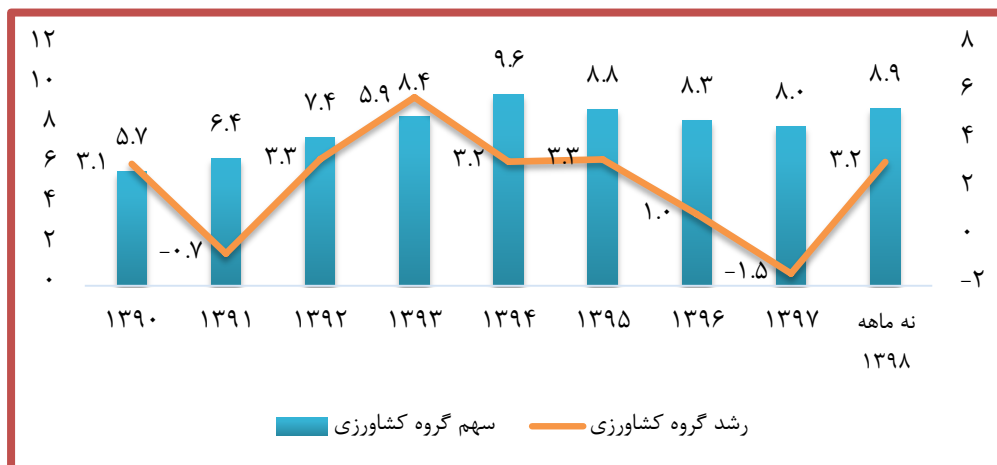


۲-۱. تولید ناخالص داخلی از سمت عرضه اقتصاد

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی از آنجا که نقشی حیاتی در تولید مواد غذایی مورد نیاز کشور، تحقق امنیت غذایی، اشتغال و توسعه پایدار دارد، یکی از بخش‌های مهم اقتصادی محسوب می‌شود. رشد این بخش، علاوه بر عوامل اقتصادی، متأثر از عواملی هم‌چون میزان بارندگی، خشک‌سالی، منابع زیرزمینی آب و سطح زیر کشت است.

بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، متوسط رشد سالانه بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ معادل ۲,۲ درصد بوده است. رشد این بخش در تمام سال‌های دوره مورد بررسی به‌جز سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، مثبت بوده است. همچنین سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های مذکور، به‌طور متوسط برابر با ۷,۸ درصد بوده و از سال ۱۳۹۳ به بعد، این شاخص بیش از متوسط سالانه آن طی دوره مورد بررسی بوده است.

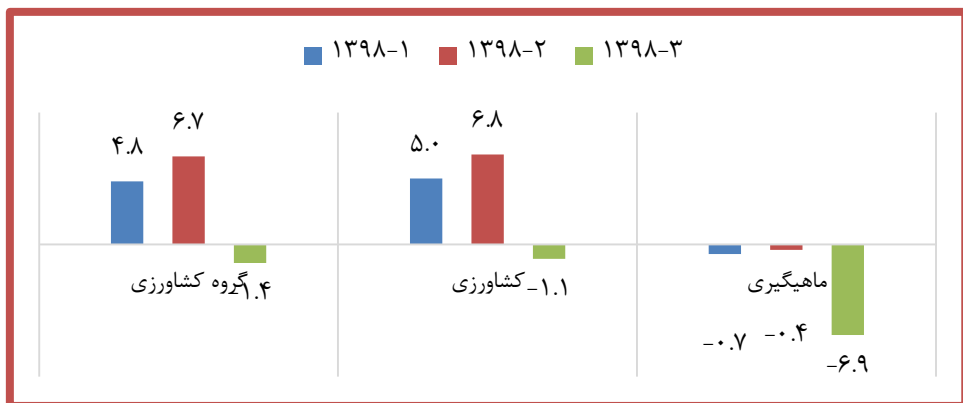


مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۳. نرخ رشد بخش کشاورزی و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نهم‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ (درصد)

همانطور که مشاهده می‌شود نرخ رشد بخش کشاورزی در نهم‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ مثبت بوده و به ۳,۲ درصد افزایش یافته و سهم آن نیز از تولید ناخالص داخلی معادل ۸,۹ درصد بوده است. اما آمارهای فصلی سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که بخش کشاورزی علی‌رغم تجربه رشدی مثبت و افزایش در دو فصل اول سال، در فصل پاییز با رشد منفی مواجه شده است.

بررسی زیربخش‌های کشاورزی طی فصول سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد؛ اگر چه نرخ رشد زیربخش کشاورزی در فصول بهار و تابستان، مثبت بوده و فقط در فصل پاییز منفی شده است؛ اما زیر بخش ماهیگیری در تمام فصول سال با رشد منفی فزاینده مواجه بوده است.



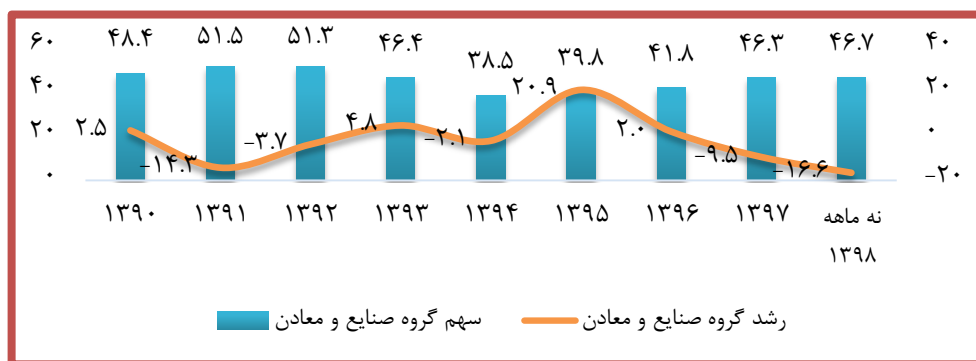
مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۴. نرخ رشد بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن طی فصل‌های بهار الی پاییز سال ۱۳۹۸ (درصد)

بخش صنایع و معادن

بخش صنعت، محرک رشد اقتصادی، مولد و اشتغال‌زا می‌باشد. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، متوسط رشد بخش صنایع و معادن طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ برابر با ۰.۱ درصد بوده که بیش‌ترین نرخ رشد در سال ۱۳۹۵ (۲۰.۹ درصد) و کم‌ترین مقدار آن در سال ۱۳۹۱ (۱۴.۳- درصد) بوده است. علی‌رغم اینکه نرخ رشد صنایع و معادن در سال ۱۳۹۶ مثبت و معادل ۲ درصد بوده است؛ اما در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال قبل، با کاهش چشم‌گیری مواجه‌شده و به ۹.۵- درصد کاهش یافته است. این روند کاهشی در نه ماهه نخست سال ۱۳۹۸ نیز ادامه یافت و به ۱۶/۶- درصد رسید. رشد منفی این دوره، تا حد زیادی به کاهش رشد زیر بخش معدن (معادل ۳۴.۹- درصد) برمی‌گردد.

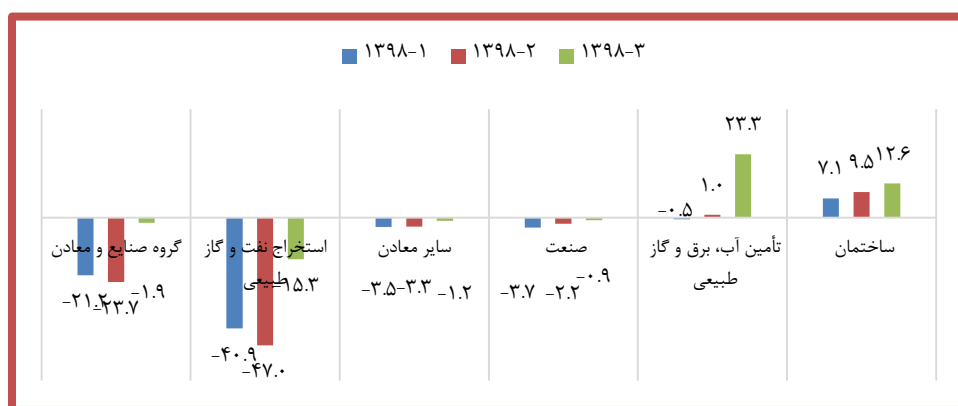
بررسی رشد بخش صنایع و معادن و زیربخش‌های آن طی سه فصل اول سال ۱۳۹۸، بیانگر آن است که رشد بخش مذکور و تمامی زیربخش‌های آن به‌غیر از ساختمان در فصل بهار منفی بوده است. زیربخش استخراج نفت و گاز طبیعی در فصل تابستان با بیش‌ترین نرخ رشد منفی (۴۷- درصد) نسبت به سایر زیربخش‌ها مواجه شد که دلیل اصلی آن، کاهش شدید صادرات نفت و به‌تبع آن کاهش تولید در این زیربخش بوده است. در فصل پاییز، آهنگ رشد منفی زیرگروه‌های استخراج نفت و گاز طبیعی، سایر معادن و همین‌طور صنعت، کاهش یافته، بخش‌های تأمین آب، برق و گاز طبیعی نرخ رشد قابل‌توجه‌ای (۲۳،۳ درصد) را به خود اختصاص داده و روند افزایش رشد زیربخش ساختمان نیز تداوم یافته است؛ بنابراین، با توجه به برآیند عملکرد این زیربخش‌ها، نرخ رشد بخش صنایع و معادن در فصل پاییز نسبت به دو فصل قبل، با رشد منفی کم‌تری مواجه شد که نویدبخش چشم انداز مثبتی برای این بخش، می‌باشد.



مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۵. نرخ رشد بخش صنایع و معادن و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نیمه‌ماه نخست سال ۱۳۹۸ (درصد)

بررسی رشد بخش صنایع و معادن و زیربخش‌های آن طی سه فصل اول سال ۱۳۹۸، بیانگر آن است که رشد بخش مذکور و تمامی زیربخش‌های آن به‌غیر از ساختمان در فصل بهار منفی بوده است. زیربخش استخراج نفت و گاز طبیعی در فصل تابستان با بیش‌ترین نرخ رشد منفی (۴۷- درصد) نسبت به سایر زیربخش‌ها مواجه شد که دلیل اصلی آن، کاهش شدید صادرات نفت و به‌تبع آن کاهش تولید در این زیربخش بوده است. در فصل پاییز، آهنگ رشد منفی زیرگروه‌های استخراج نفت و گاز طبیعی، سایر معادن و همین‌طور صنعت، کاهش یافته، بخش‌های تأمین آب، برق و گاز طبیعی نرخ رشد قابل‌توجهی (۲۳٫۳ درصد) را به خود اختصاص داده و روند افزایش رشد زیربخش ساختمان نیز تداوم یافته است؛ بنابراین، با توجه به برآیند عملکرد این زیربخش‌ها، نرخ رشد بخش صنایع و معادن در فصل پاییز نسبت به دو فصل قبل، با رشد منفی کم‌تری مواجه شد که نویدبخش چشم‌انداز مثبتی برای این بخش، می‌باشد.

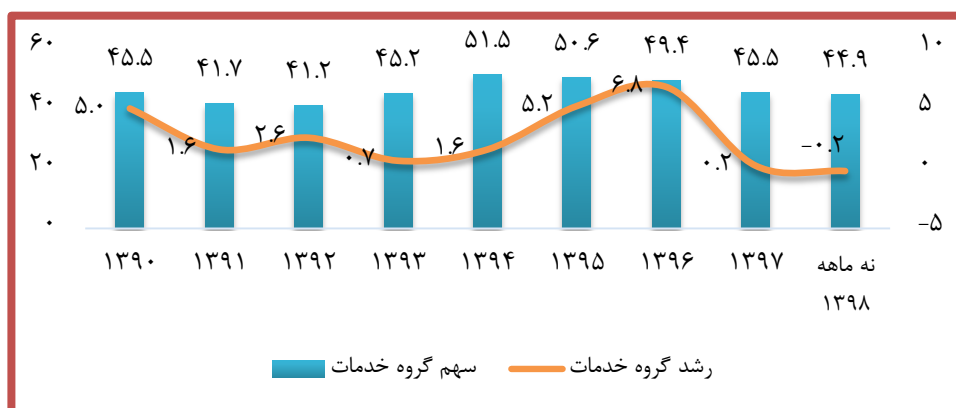


مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۶. نرخ رشد بخش صنایع و معادن و زیربخش‌های آن طی فصل‌های بهار الی پاییز سال ۱۳۹۸ (درصد)

بخش خدمات، یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار بر تولید است که تقریباً نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهد. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، متوسط رشد سالانه بخش خدمات طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷، برابر با ۲٫۹ درصد و در تمام سال‌های مورد بررسی، دارای رشدی مثبت بوده است. بیش‌ترین رشد (۶٫۸ درصد) این بخش در سال ۱۳۹۶ به‌عنوان سال اول برنامه ششم توسعه و کم‌ترین رشد (۰٫۲ درصد) در سال ۱۳۹۷ اتفاق افتاده است؛ این در حالی است که نرخ رشد نه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ منفی شده و به ۰٫۲- درصد کاهش یافته است.

سهم بخش مذکور از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ به‌طور متوسط معادل ۴۶٫۳ درصد است و در سال ۱۳۹۶، نسبت به سایر بخش‌ها با سهمی معادل ۴۹٫۴ درصد بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است. این شاخص در نه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸ معادل ۴۴٫۹ درصد بوده است.



مأخذ: مرکز آمار ایران

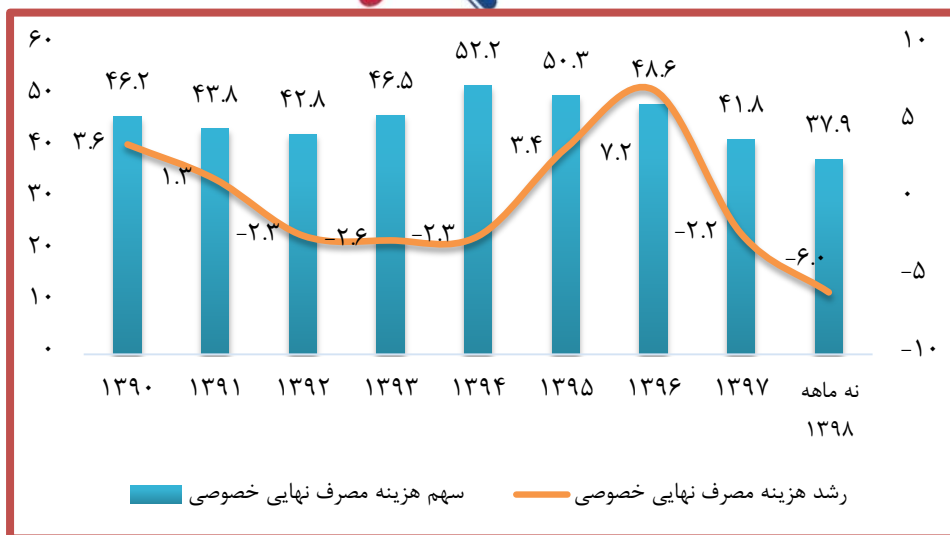
نمودار ۷. نرخ رشد بخش خدمات و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نه‌ماهه سال ۱۳۹۸ (درصد)

۳-۱. تولید ناخالص داخلی از سمت تقاضای اقتصاد

هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی

در نظام حساب‌های ملی مبتنی بر روش هزینه‌ها، مصرف بخش خصوصی یکی از اجزای اصلی، محسوب می‌شود. متوسط رشد سالانه این متغیر طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ برابر با ۰,۸ درصد بوده است. بررسی روند رشد مصرف بخش خصوصی طی سال‌های مذکور، بیانگر آن است که روند آن از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ به طور یکنواخت نزولی بوده و از سال ۱۳۹۴ روند آن افزایشی شده و تا سال ۱۳۹۶ تداوم یافت و به اوج خود معادل ۷,۲ درصد رسید؛ اما از این سال به بعد، مجدداً روند کاهشی اتفاق افتاد و در نه‌ماهه سال ۱۳۹۸، به ۶- رسید.

همچنین این متغیر در میان سایر اقلام هزینه نهایی، بیش‌ترین سهم از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. بیش‌ترین سهم از تولید ناخالص داخلی در طی دوره مورد بررسی، در سال ۱۳۹۴ (۵۲,۲ درصد) تجربه شد و بعد از این سال، روندی کاهشی پیدا کرده و به ۴۱,۸ درصد در سال ۱۳۹۷ رسید. نکته حائز اهمیت آن است که این سهم، در نه‌ماهه سال ۱۳۹۸ نیز به روند نزولی خود ادامه داده و به ۳۷,۹ درصد کاهش یافته است.



مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۸. رشد هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نهم‌ماهه سال ۱۳۹۸ (درصد)

هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی

رشد هزینه مصرف نهایی بخش دولتی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ دارای روندی نوسانی بوده و متوسط سالانه رشد هزینه مصرف نهایی بخش دولتی در این دوره معادل ۱- درصد است. نرخ رشد این متغیر در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۷ مقداری مثبت را تجربه نموده است؛ اما در نهم‌ماهه ۱۳۹۸ این رشد منفی شده و به ۲.۴- درصد رسیده است. همچنین سهم هزینه مصرف نهایی بخش دولتی طی سال‌های مورد بررسی، به‌طور متوسط برابر با ۱۶.۴ درصد بوده که در سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ کمتر از مقدار متوسط بوده است. همچنین روند کاهشی سهم متغیر مذکور در نهم‌ماهه ۱۳۹۸ نیز تداوم یافته و به ۱۳ درصد کاهش یافته است.



مأخذ: مرکز آمار ایران

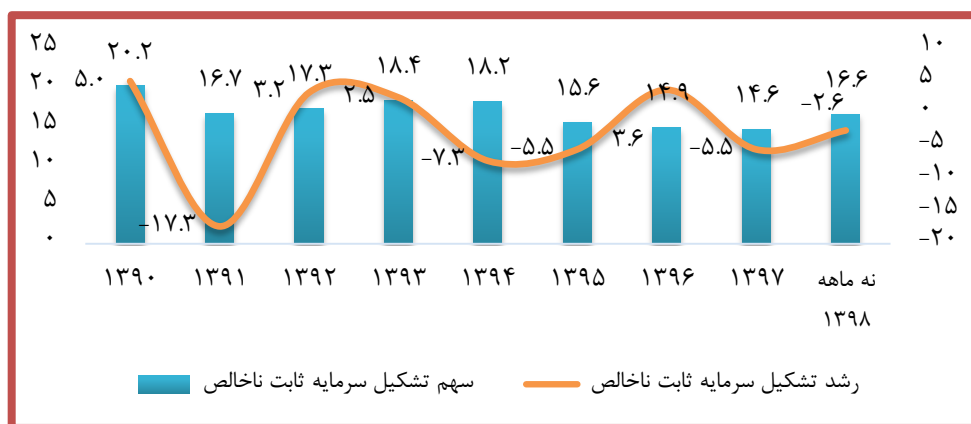
نمودار ۹. نرخ رشد هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نه‌ماهه سال ۱۳۹۸ (درصد)

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

نقش و اهمیت سرمایه‌گذاری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی جوامع در اکثر تئوری‌های رشد و توسعه اقتصادی مورد تأکید است. با توجه به اطلاعات مرکز آمار ایران، رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ دارای روندی نوسانی بوده است، به‌طوری‌که از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۳ مثبت و در دو سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ رشدی منفی را تجربه کرده است. اگرچه رشد این متغیر در سال ۱۳۹۶ مجدداً مثبت شد؛ اما در سال ۱۳۹۷ به بازه منفی و برابر با -۵,۶ درصد بازگشت. از جمله مهم‌ترین دلایل رشد منفی در سال ۱۳۹۷ می‌توان به افزایش نرخ ارز و در نتیجه افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای وارداتی، بی‌ثباتی‌های فضای

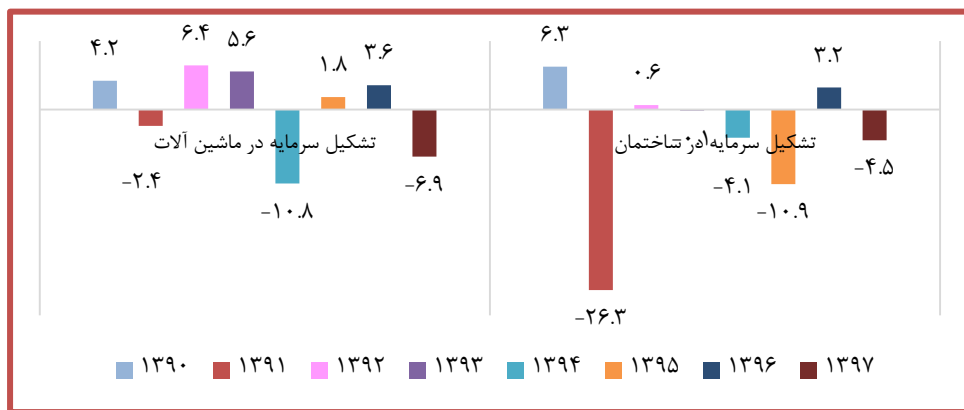
کلان اقتصادی، وضعیت بازارهای مالی، رابطه سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی و... اشاره کرد.

شایان ذکر است، از آنجا که میانگین رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ منفی بوده و سهم متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ روندی کاهشی داشته است، این امر منجر به کاهش نرخ انباشت سرمایه فیزیکی و کاهش رشد ظرفیت تولیدی کشور در سال‌های آتی خواهد شد.



مأخذ: مرکز آمار ایران
نمودار ۱۰. نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و سهم آن از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی نه‌ماه سال ۱۳۹۸ (درصد)

بررسی رشد اجزای تشکیل‌دهنده سرمایه ثابت ناخالص، نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان برابر با ۴.۵- درصد و در ماشین‌آلات برابر با ۰.۲ درصد بوده است.

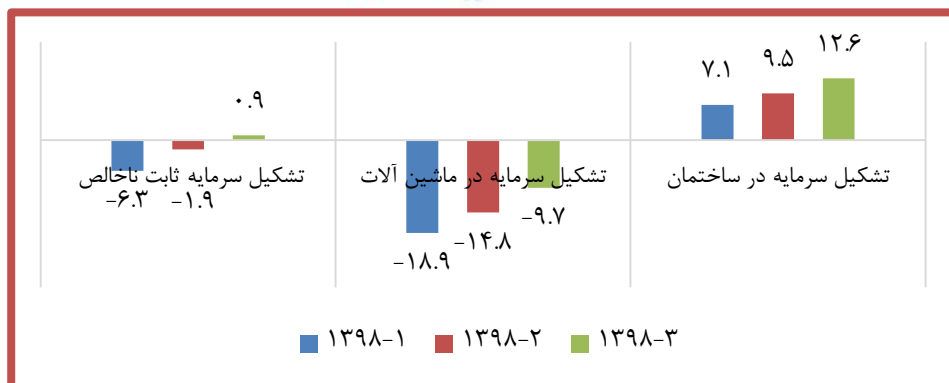


مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۱۱. نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ساختمان و ماشین آلات طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ (درصد)

همچنین بررسی آمارها نشان می‌دهد که رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در نه‌ماهه سال ۱۳۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲,۶- درصد کاهش یافته است. این واقعیت می‌تواند گویای کاهش تقاضای تولیدکنندگان برای توسعه ظرفیت‌های تولیدی باشد که در کنار کاهش مصرف نهایی بخش خصوصی در نه‌ماهه سال جاری (۶- درصد)، پیش‌بینی تداوم کاهش رشد اقتصادی دور از انتظار نخواهد بود.

علی‌رغم نرخ رشد منفی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، زیرگروه تشکیل سرمایه در ساختمان در نه‌ماهه ۱۳۹۸ دارای رشدی مثبت بوده و طی فصول این سال از رشد مثبت فزاینده برخوردار شده است؛ این در حالی است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین آلات در این دوره منفی بوده و دلیل کاهش رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص را می‌توان به آن نسبت داد.



نمودار ۱۲. نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی فصل‌های بهار الی پاییز سال ۱۳۹۸ (درصد)

با توجه به عملکرد بخش‌ها و متغیرهای اقتصادی، مشخص است که «رشد اندک و عمدتاً منفی سرمایه‌گذاری (ماشین‌آلات و ساختمان) و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی سال‌های اخیر»، «تداوم و تشدید روند استهلاک سرمایه‌های ثابت»، «رشد اندک و یا منفی بخش خدمات در اقتصاد ایران طی دو سال اخیر»، «رشد اقتصادی منفی کل اقتصاد به واسطه اعمال تحریم‌های نفتی و بانکی و رشد منفی بخش نفت، صنعت و معدن و خدمات» تبیین‌کننده وضعیت فعلی بخش واقعی اقتصاد کشور هستند.

صادرات کالاها و خدمات

سرمایه و نیروی کار، به‌تنهایی قادر به پیش‌برد رشد اقتصادی یک کشور نیستند؛ بلکه توسعه صادرات، یکی از عوامل اصلی در این ارتباط به شمار می‌آید؛ با این وجود، صادرات کالاها و خدمات در سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ با نوسانات زیادی مواجه بود که این امر، از انحراف معیار آن (۲۳,۲) مشهود می‌باشد. نرخ رشد صادرات کشور از سال ۱۳۹۱ روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ به اوج خود

رسید؛ اما بعد از این سال، طی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ با کاهش روبه‌رو شد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۶ رشد آن برابر با ۳- درصد بوده و در سال ۱۳۹۷ به میزان ۱۰,۶ واحد درصد کاهش داشته و معادل ۱۳,۶- درصد شده است. این روند کاهشی در نهم‌ماه ۱۳۹۸ نیز تداوم یافت و با کاهشی قابل توجه به ۳۲,۶- درصد رسید.

همچنین سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های مورد بررسی به‌طور متوسط برابر با ۲۰,۷ درصد بوده که این سهم در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۷ مقادیری بیش‌تر از متوسط سالانه را تجربه کرده است. سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی در نهم‌ماه ۱۳۹۸ معادل ۱۹,۹ درصد بوده است.

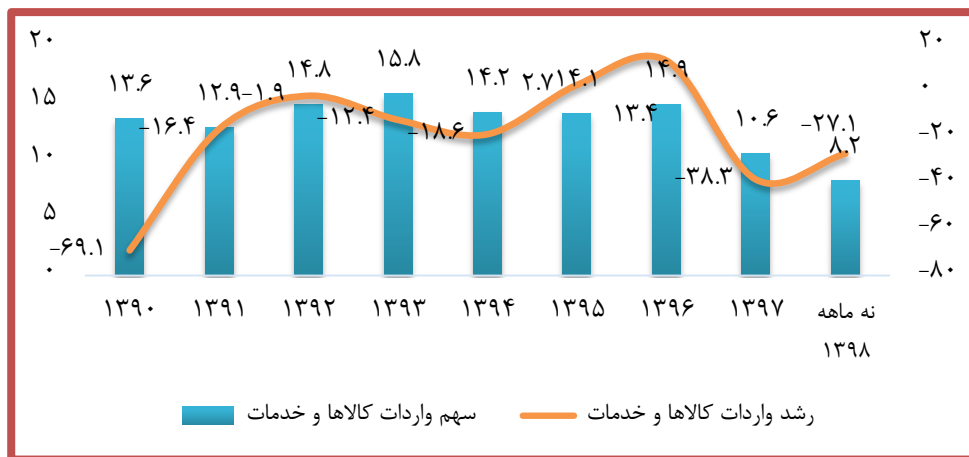


مأخذ: مرکز آمار ایران
نمودار ۱۳. نرخ رشد صادرات کالاها و خدمات و سهم آن از تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۰ الی نهم‌ماه سال ۱۳۹۸ (درصد)

واردات کالاها و خدمات

رشد واردات کالاها و خدمات طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ تقریباً در تمامی سال‌ها به‌جز دو سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ منفی بوده که بر این اساس، متوسط رشد سالانه نیز طی این دوره منفی و معادل ۱۷,۶- درصد است. کم‌ترین نرخ رشد، مربوط به سال ۱۳۹۷ بوده که با کاهش قابل توجه به میزان ۵۱,۷ واحد درصد به ۳۸,۳- درصد رسید؛ اما آهنگ رشد منفی در نه ماهه سال ۱۳۹۸ کاسته شد و این رقم به ۲۷,۱- درصد رسید.

سهم واردات کالاها و خدمات از تولید ناخالص داخلی در سال‌های مورد بررسی به‌طور متوسط برابر با ۱۳,۹ درصد بوده که در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ مقادیری کم‌تر از میزان متوسط، تجربه شده است. روند سهم واردات کالاها و خدمات نیز از سال ۱۳۹۶ به بعد نزولی بوده که این روند نزولی در نه‌ماهه ۱۳۹۸ تداوم یافت و به رقمی معادل ۸,۲ درصد رسید.

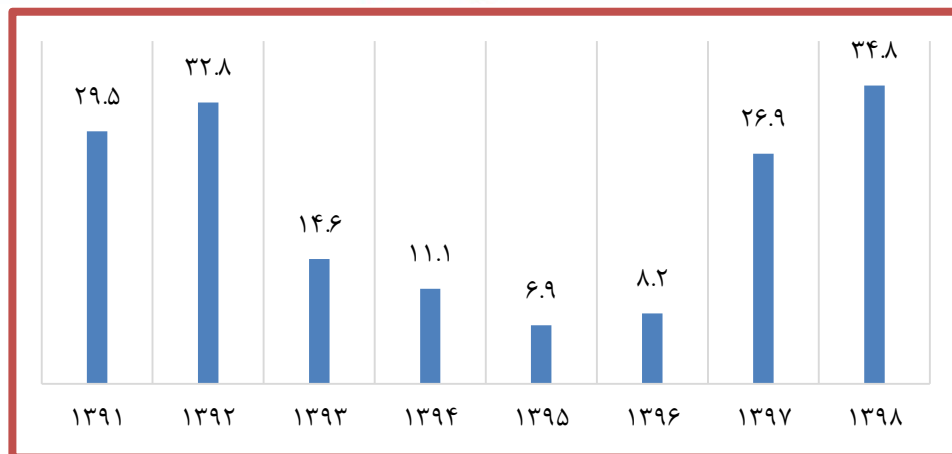


مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۱۴. نرخ رشد واردات کالاها و خدمات و سهم آن از تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۰ الی نه‌ماهه سال ۱۳۹۸ (درصد)

بررسی اطلاعات مرکز آمار ایران، حاکی از آن است که نرخ تورم در سال ۱۳۹۱ برابر با ۲۹,۵ درصد بوده و در سال ۱۳۹۲ با روندی افزایشی به ۳۲,۸ درصد رسید؛ اما روند آن در سال ۱۳۹۳ نزولی شد و به عدد ۱۴,۶ درصد کاهش یافت. ازجمله عوامل مؤثر بر کاهش تورم در این سال، می‌توان به رشد اقتصادی مثبت پس از دو سال تجربه رشد اقتصادی منفی، سالم‌سازی ترکیب نقدینگی و ثبات بازار ارز و مسکن اشاره نمود. روند کاهشی نرخ تورم در ماه‌های سال ۱۳۹۴ نیز ادامه یافت و متوسط نرخ تورم در این سال به ۱۱,۱ درصد کاهش یافت. ازجمله عوامل مؤثر بر کاهش تورم در این سال، کنترل انتظارات تورمی و انضباط درسیاست‌های پولی و مالی بوده است.

روند کاهشی نرخ تورم در سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶ نه‌تنها ادامه یافت؛ بلکه منتج به تحقق نرخ تورم تک رقمی در کشور شد. در این ارتباط، اگر چه نوساناتی در بازار ارز و برخی کالاهای با دوام در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۶ اتفاق افتاد؛ اما با اجرای سیاست‌های پولی و مالی مناسب، از دستاورد تورم تک‌رقمی تا حدود زیادی محافظت شد؛ این در حالی است که در سال ۱۳۹۷ مجدداً نرخ تورم دو رقمی معادل ۲۶,۹ درصد تجربه شد که دلیل اصلی افزایش نرخ تورم را می‌توان به افزایش نرخ ارز و برخی بی‌ثباتی‌ها در بازار ارز و مسکن نسبت داد. اگرچه روند افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ ادامه یافت؛ با این وجود، بررسی روند نرخ تورم ماهانه در این سال نشان می‌دهد که از مهرماه روند کاهشی داشته؛ به‌طوری‌که از ۴۲,۷ درصد در شهریور ۱۳۹۸ به ۳۴,۸ درصد در اسفند ماه کاهش یافته است و این امر نشان‌دهنده موفقیت دولت در ثبات بخشی به اقتصاد است.

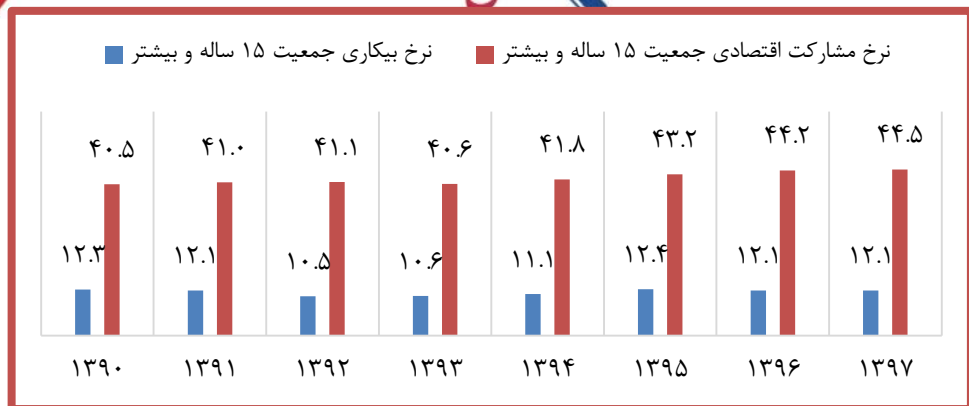


مأخذ: مرکز آمار ایران

نمودار ۱۵. نرخ تورم در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ (درصد)

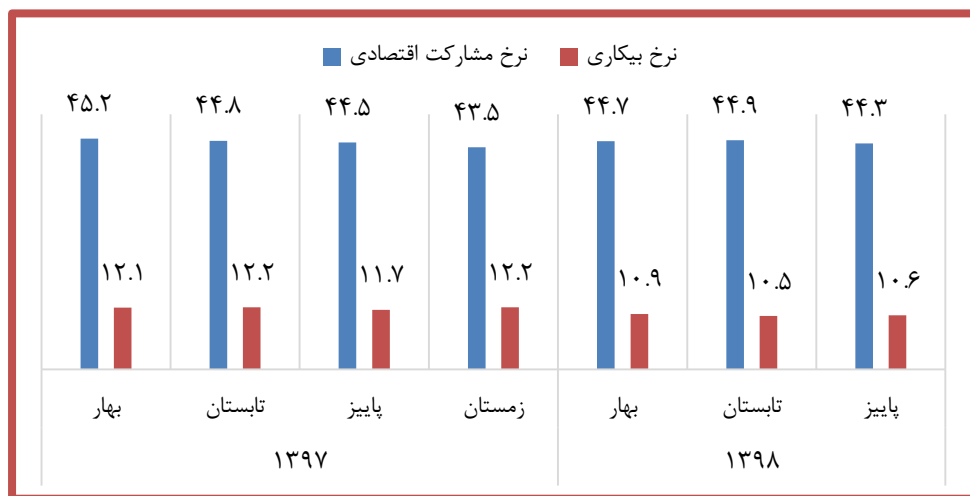
۱-۵. نیروی کار

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۲٫۳ درصد بوده که با روندی کاهشی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، به ۱۰٫۵ درصد در سال ۱۳۹۲ رسید؛ اما از این سال به بعد، نرخ بیکاری افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۱۲٫۴ درصد بالغ شد. سپس در سال ۱۳۹۶ با اندکی کاهش، برابر با ۱۲٫۱ درصد شد و در سال ۱۳۹۷ ثابت باقی ماند. نرخ مشارکت اقتصادی افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۰٫۵ درصد بوده که با روندی تقریباً فزاینده ملایم به ۴۴٫۵ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است.



مأخذ: مرکز آمار ایران
نمودار ۱۶. نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ (درصد)

نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیش‌تر نشان می‌دهد که در پاییز ۱۳۹۸ حدود ۱۰,۶ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند که نه تنها نسبت به فصل مشابه سال قبل کاهش داشته؛ بلکه کم‌ترین نرخ بیکاری بازار کار بعد از پاییز ۱۳۹۳ بوده است.

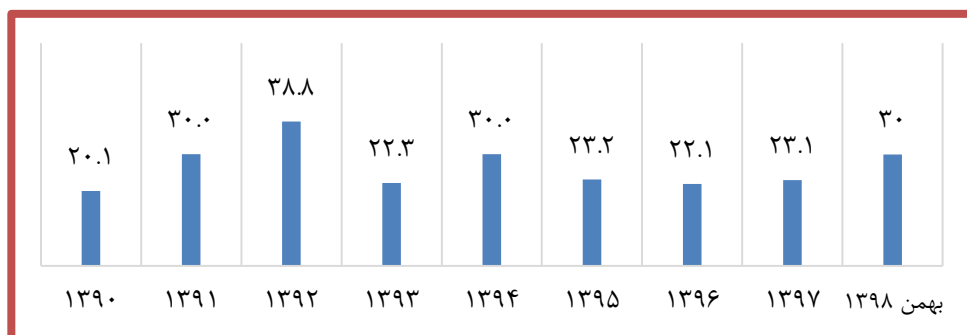


مأخذ: مرکز آمار ایران
نمودار ۱۷. نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک فصول بهار الی پاییز سال ۱۳۹۸ (درصد)

۶-۱. بخش پولی و بانکی

مدیریت صحیح نقدینگی به دلیل وجود شرایط اقتصادی خاص حاکم بر کشور و کاهش درآمدهای نفتی از جمله موضوعات حائز اهمیت در سال‌های اخیر بوده است. با توجه به تأثیر نرخ رشد بالا و بی‌ثبات حجم پول و نقدینگی بر متغیرهای اسمی مانند سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم و اثرات کوتاه‌مدت آن بر متغیرهای حقیقی مانند تولید و اشتغال، مدیریت حجم پول و نقدینگی از اهمیت بالایی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به خصوص اعمال سیاست‌های تثبیت اقتصادی در شرایط فعلی برخوردار است؛ بنابراین بررسی عملکرد متغیرهای با توجه به ساختار تشکیل‌دهنده آن‌ها و نیز تأثیرگذاری آن‌ها بر ثبات اقتصاد کلان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

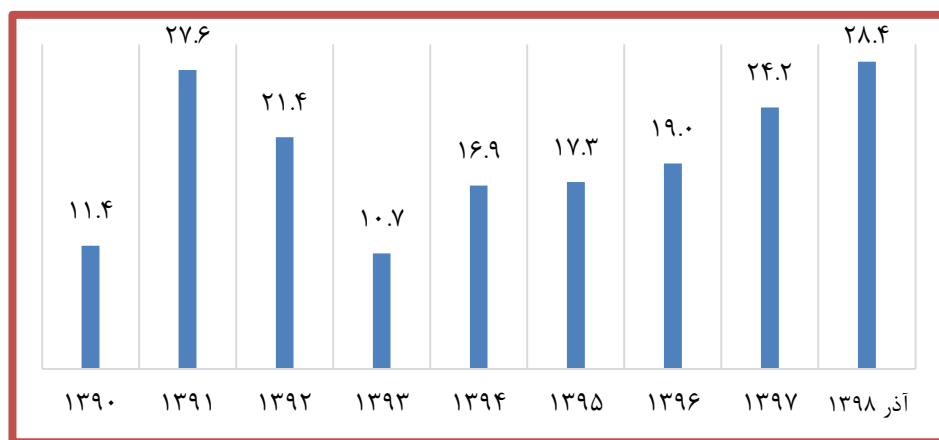
طبق آمار بانک مرکزی، بیش‌ترین میزان نرخ رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ در سال ۱۳۹۲ و کم‌ترین میزان آن نیز در سال ۱۳۹۰ رخ داده است. بنا بر آخرین اطلاعات منتشرشده، میزان نقدینگی کشور در پایان بهمن‌ماه سال ۱۳۹۸ نسبت به بهمن و اسفند سال ۱۳۹۷ به ترتیب حدود ۳۰ و ۲۶,۴ درصد رشد داشته است.



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۱۸. رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ و بهمن ۱۳۹۸ (درصد)

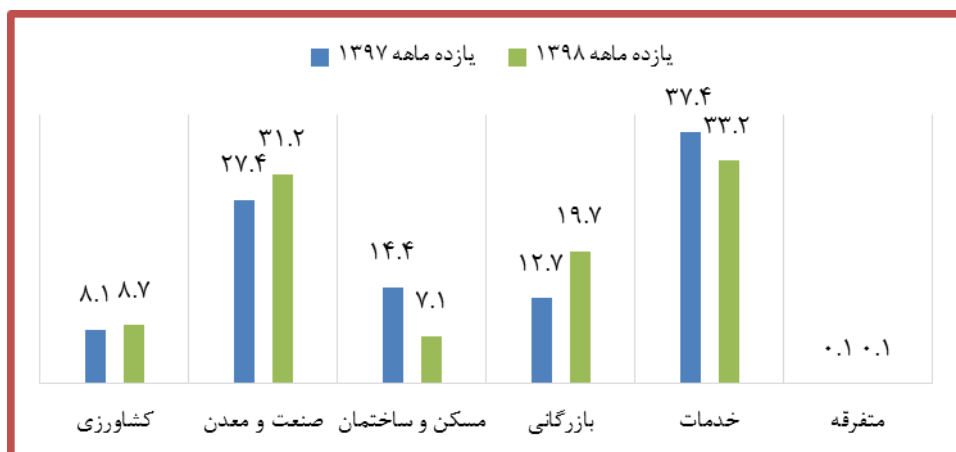
طبق آمار بانک مرکزی، رشد پایه پولی در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۱,۴ درصد بوده و در سال ۱۳۹۱ با افزایش ۱۶,۲ واحد درصدی به ۲۷,۶ درصد رسیده است. نرخ رشد این متغیر در سال ۱۳۹۲ برابر با ۲۱,۴ درصد بوده و در سال ۱۳۹۳ به ۱۰,۷ درصد کاهش یافته است. این نرخ رشد از سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ روندی صعودی به خود گرفته و در سال ۱۳۹۷ به ۲۴,۲ درصد بالغ شده است. آخرین آمار بانک مرکزی در آذر ماه سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که میزان پایه پولی در نه‌ماهه سال جاری به ۳۱۴۲,۶ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به آذر و اسفند سال ۱۳۹۷ به ترتیب حدود ۲۸,۴ و ۱۸,۳ درصد رشد داشته است.



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۱۹. روند رشد پایه پولی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ و آذرماه ۱۳۹۸ (درصد)

با توجه به آمار بانک مرکزی، کل تسهیلات پرداختی طی یازده ماهه سال ۱۳۹۸ مبلغ ۸۱۸,۶ هزار میلیارد تومان می باشد که نسبت به تسهیلات پرداختی در مدت مشابه سال گذشته به میزان ۲۶,۱ درصد رشد داشته است. در یازده ماهه سال ۱۳۹۸ تنها سهم بخش های مسکن و ساختمان و خدمات از تسهیلات پرداختی نسبت به مدت مشابه سال گذشته با کاهش روبه رو شده و سهم سایر بخش ها افزایش یافته است.



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۲۰. سهم بخش های مختلف اقتصادی از تسهیلات پرداختی بانک ها در یازده ماهه سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ (درصد)

نسبت نقدینگی (M2) به تولید ناخالص داخلی اسمی (GDP)، به عنوان فاکتور پیرامونی، نقش مؤثری در شکل دهی سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم دارد؛ از این منظر، روند تغییرات آن از درجه اهمیت به سزایی برخوردار است. این نسبت در پایان اسفند ۱۳۹۷ رقمی معادل ۷۷,۵ درصد بوده است. همچنین در آذرماه سال جاری رشد

پول معادل ۴۸,۶ درصد بوده؛ در حالی که رشد شبه پول تقریباً نصف رشد حجم پول (۲۴,۹ درصد) بوده است (نسبت پول به شبه پول از ۱۳,۶ درصد در آذر ۱۳۹۶ به ۱۹,۱ درصد در آذر ۱۳۹۸ رسیده است)، که این خود عاملی مخاطره آمیز برای تشدید پویایی های تورم و در نتیجه فشار تورمی حاصل از آن است که می تواند به تشدید بی ثباتی هایی در بازارهای مختلف اقتصاد منجر شود.

جدول ۱. نقدینگی و اجزای آن، منابع پایه پولی، سپرده بانکی، مانده تسهیلات

(ارقام به هزار میلیارد ریال - درصد)

عنوان	آذر ۱۳۹۷	اسفند ۱۳۹۷	آذر ۱۳۹۸	درصد تغییر نسبت به اسفند ۱۳۹۷	درصد تغییر نسبت به آذر ۱۳۹۷
نقدینگی	۱۷۶۴۵,۸	۱۸۸۲۸,۹	۲۲۶۲۳,۱	۲۸,۲	۲۰,۲
پایه پولی	۲۴۴۸,۳	۲۶۵۶,۹	۳۱۴۲,۶	۲۸,۴	۱۸,۳
ضریب فزاینده	۷,۲۱	۷,۰۹	۷,۲	-۰,۱	۱,۶
پول	۲۴۴۶,۲	۲۸۵۲,۳	۳۶۳۴,۸	۴۸,۶	۲۷,۴
شبه پول	۱۵۱۹۹,۶	۱۵۹۷۶,۶	۱۸۹۸۸,۳	۲۴,۹	۱۸,۹
سپرده های دیداری	۱۹۹۱,۲	۲۳۰۴,۸	۳۱۰۶,۹	۵۶	۳۴,۸
سپرده های مدت دار	۱۴۰۴۲,۵	۱۴۶۴۶	۱۷۴۴۲,۳	۲۴,۲	۱۹,۱
ترکیب سپرده های مدت دار	سپرده های کوتاه مدت	۵۳۵۱,۴	۵۸۴۸,۹	۱۹,۸	۹,۶
	سپرده های بلند مدت	۸۶۹۱,۱	۸۷۹۷,۱	۲۷	۲۵,۴
مانده تسهیلات اعطایی					
ترکیب منابع پایه پولی	خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی	۲۳۸۴,۱	۲۴۱۶,۵	۲۸,۹	۲۷,۱
	خالص بدهی های	۱۳۲,۷	۲۹۲	۸۶	-۱۵,۵

عنوان	آذر ۱۳۹۷	اسفند ۱۳۹۷	آذر ۱۳۹۸	درصد تغییر نسبت به آذر ۱۳۹۷	درصد تغییر نسبت به اسفند ۱۳۹۷
بخش دولتی به بانک مرکزی					
بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی	۱۴۹۷,۹	۱۳۸۱,۷	۱۱۱۳,۹	-۲۵,۶	-۱۹,۴

مأخذ: گزیده آمارهای اقتصادی - بانک مرکزی ج.ا.ا - آذر و اسفند سال ۱۳۹۷ و آذر سال ۱۳۹۸

در مجموع، «زیان‌دهی بانک‌ها و انباشت دارایی‌های غیرجاری آن‌ها»، «کاهش شدید قدرت دلاری نقدینگی طی دو سال اخیر و متعاقب آن کاهش سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی»، «افزایش قابل‌ملاحظه بدهی دولت به بانک مرکزی»، «تمرکز و رویکرد سیاست‌گذار پولی بر مدیریت سخت‌گیرانه ریال»، «کاهش شدید سرعت گردش پول ناشی از کاهش سطح تقاضای کل اقتصاد»، «رشد ۲۸ درصدی نقدینگی در سال ۹۸ و تغییر جهت اجزای نقدینگی و افزایش قابل‌ملاحظه رشد پول طی دو سال اخیر»، وضعیت فعلی بخش پولی و بانکی کشور را انعکاس می‌دهد.

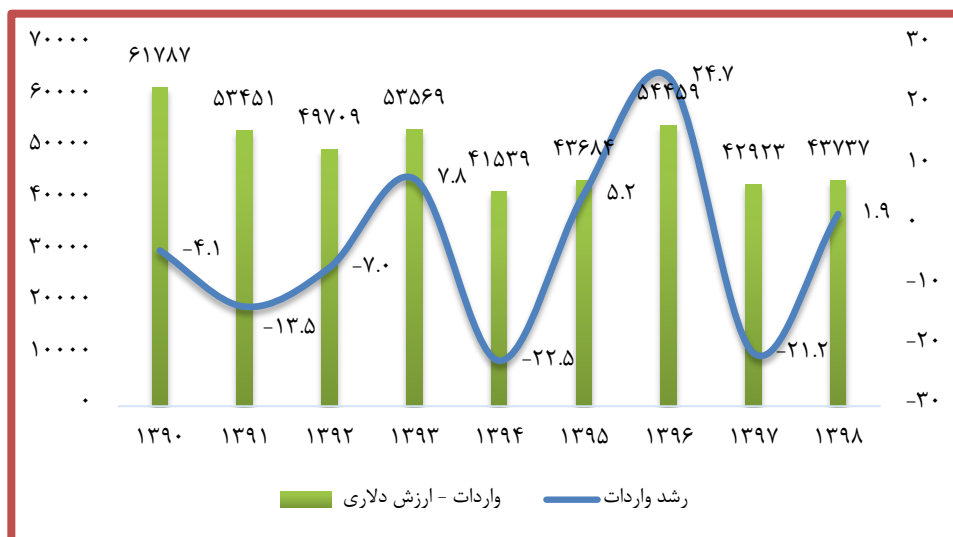
۷-۱. بخش تجارت خارجی

بخش تجارت خارجی را می‌توان بر اساس عملکرد واردات و صادرات غیرنفتی کشور مورد ارزیابی قرار داد. نرخ رشد واردات، طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ دارای روندی نوسانی بوده است؛ به‌طوری‌که بیش‌ترین نرخ رشد این متغیر در سال ۱۳۹۶ با ۲۴,۷ درصد و کمترین آن در سال ۱۳۹۴ با ۲۲,۵- درصد رخ داده است. این در حالی است که علی‌رغم

نرخ منفی رشد واردات در سال ۱۳۹۷ (معادل ۲۲,۲-)، در سال ۱۳۹۸ روند رشد به صورت صعودی تغییر جهت داده و به ۹,۱ درصد رسیده است.

بنا بر آخرین آمار منتشره توسط گمرک ج.ا.ا، واردات کالا در سال ۱۳۹۸ معادل ۳۵۳۶۴ هزار تن و به ارزش ۴۳۷۳۷ میلیون دلار بوده که در مقایسه با سال قبل، از نظر وزنی ۹,۳ درصد و به لحاظ ارزشی ۱,۹ درصد افزایش داشته است. بررسی سهم شرکای تجاری نیز نشان می دهد که بیش ترین میزان واردات به ترتیب از کشور چین (۲۵,۶ درصد)، امارات متحده عربی (۲۰,۴ درصد) و ترکیه (۱۱,۴ درصد) انجام شده است.

بنا بر آخرین آمار منتشره توسط گمرک ج.ا.ا، واردات کالا در سال ۱۳۹۸ معادل ۳۵۳۶۴ هزار تن و به ارزش ۴۳۷۳۷ میلیون دلار بوده که در مقایسه با سال قبل، از نظر وزنی ۹,۳ درصد و به لحاظ ارزشی ۱,۹ درصد افزایش داشته است. بررسی سهم شرکای تجاری نیز نشان می دهد که بیش ترین میزان واردات به ترتیب از کشور چین (۲۵,۶ درصد)، امارات متحده عربی (۲۰,۴ درصد) و ترکیه (۱۱,۴ درصد) انجام شده است.

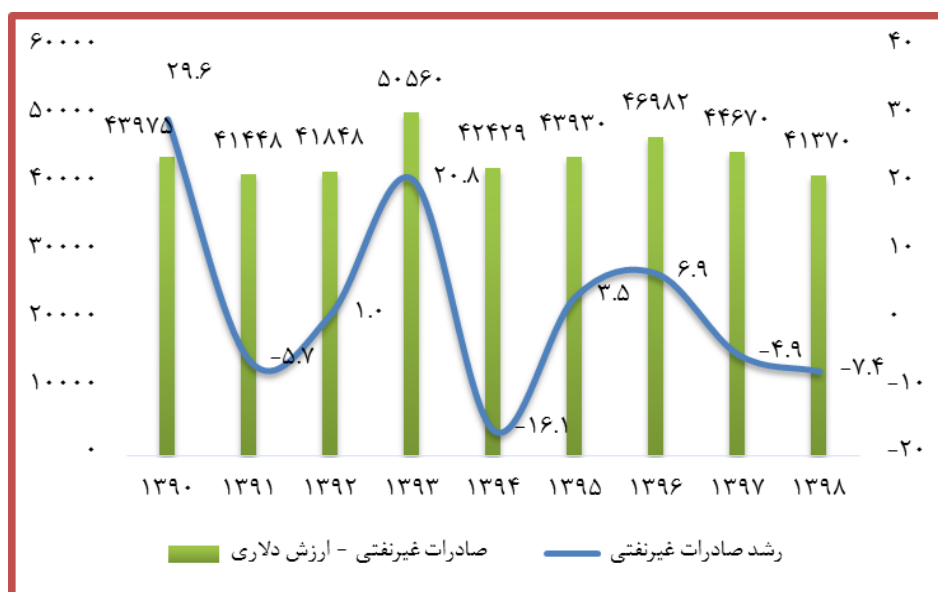


مأخذ: گمرک ج.ا.

نمودار ۲۱. ارزش دلاری واردات و نرخ رشد آن طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ (میلیون دلار-درصد)

بررسی نرخ رشد صادرات غیرنفتی طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ بیانگر آن است که بیش‌ترین نرخ رشد در سال ۱۳۹۰ و کم‌ترین میزان آن نیز در سال ۱۳۹۴ رخ داده است. در سال‌های ۹۸-۱۳۹۷ نیز نرخ رشد صادرات غیر نفتی مقدار منفی را تجربه نموده است. همچنین، ارزش صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی (بدون احتساب نفت و تجارت چمدانی) در سال ۱۳۹۸ همانند سال ۱۳۹۷ تقریباً نزولی بوده و در مقایسه با سال قبل، از نظر ارزشی ۷,۴ درصد کاهش داشته است؛ البته میزان صادرات بر حسب وزن در سال ۱۳۹۸ (معادل ۱۳۳۹۳۸ هزار تن) نسبت به سال ۱۳۹۷ از رشد ۱۳,۵ درصد

برخوردار شده است. بررسی بررسی سهم شرکای تجاری حاکی از آنست که بیشترین میزان صادرات به کشورهای چین (۲۳ درصد)، عراق (۲۲ درصد) و ترکیه (۱۲٫۲ درصد) بوده است.



مأخذ: گمرک ج.ا.
نمودار ۲۲. ارزش دلاری صادرات غیرنفتی و نرخ رشد آن طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸
(میلیون دلار-درصد)

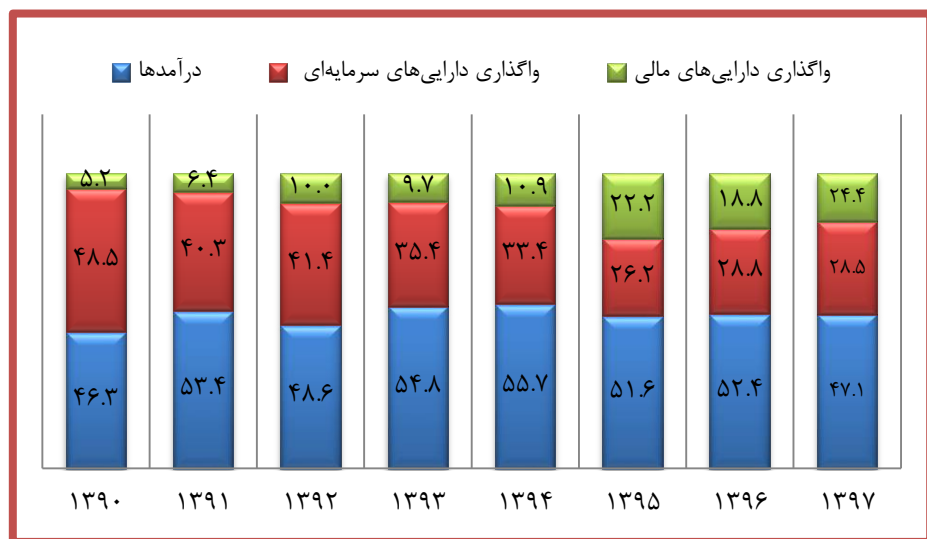
تحولات اقتصادی و سیاسی سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ که عمده‌ترین آن‌ها بازگشت تحریم‌های یک جانبه آمریکا و تبعات آن بر اقتصاد کشور به خصوص بازار ارز و کالا می‌باشد، صادرات غیرنفتی و واردات کشور را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم متأثر نموده است؛ به‌طوری‌که، برخی از کالاها نظیر میعانات گازی، اقلام پتروشیمی و برخی فلزات

در سمت صادرات و گرافیت و قطعات خودرو در سمت واردات، تحت تحریم قرار گرفتند. علاوه بر این، افزایش نرخ ارز، گرایش به صادرات کالاهای اساسی را در کشور افزایش داد و دولت در راستای تنظیم بازار داخلی، محدودیت‌هایی را برای جلوگیری از صادرات این اقلام اعمال کرد؛ البته بخشی از کاهش ارزش صادرات در سال ۱۳۹۸ در مقایسه با سال قبل، ناشی از بازنگری و کاهش قیمت برخی اقلام صادراتی بوده است.

در مجموع، وضعیت تجارت خارجی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷، اندکی بهبود یافته است؛ هرچند کماکان نسبت به سال‌های قبل، در سطح پایینی قرار دارد. در این ارتباط، «کاهش حجم واردات کالاهای سال‌های اخیر»، «تشدید مشکلات فراروی صادرات غیرنفتی با اعمال تحریم‌ها، تلاش آمریکا بر ممانعت از اجزای صادرات غیرنفتی به ویژه صادرات پتروشیمی و مشتقات نفتی»، «مسدود شدن مرزها به واسطه شیوع ویروس کرونا طی هفته‌های پایانی سال ۱۳۹۸»، «کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی ناشی از تحریم‌ها و تداوم آن به دلیل کاهش قابل توجه قیمت جهانی نفت به خاطر ترس از تعمیق رکود اقتصاد جهانی» و «تداوم کسری خالص حساب سرمایه طی سال‌های اخیر»، تبیین کننده وضعیت فعلی بخش تجارت خارجی کشور است.

۸-۱. بخش مالی و بودجه

ترکیب منابع دولت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ بیانگر آن است که درآمدهای عمومی دولت به‌طور متوسط سهمی معادل ۵۱,۲ درصد از کل منابع دولت را تشکیل داده و با توجه به نوسان پایین سهم آن نسبت به سایر منابع در دوره مورد بررسی، جزء پایدارترین منبع درآمدی دولت به شمار می‌آید. متوسط سهم واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی از کل منابع دولت طی سال‌های مذکور نیز به ترتیب ۳۵,۳ درصد و ۱۳,۴ درصد بوده و از این حیث، در جایگاه‌های بعد از درآمدهای عمومی قرار دارند. سهم واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای از سال ۱۳۹۳ به بعد، همه‌ساله کم‌تر از میزان متوسط و کاهشی بوده است در حالی که سهم واگذاری دارایی‌های مالی افزایش یافته و از ۵,۲ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۴,۴ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است.



مأخذ: معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور
نمودار ۲۳. ترکیب منابع دولت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷

عملکرد منابع دولت در سال ۱۳۹۸ معادل ۴۳۳۳ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به عملکرد سال قبل حدود ۱۱ درصد رشد داشته و نسبت به مصوب قانون بودجه و مصوب سران قوا از تحقیقی به ترتیب ۹۷ و ۱۱۲ درصدی برخوردار شده است. عمده‌ترین دلیل تحقق مطلوب منابع عمومی دولت در سال ۱۳۹۸ برداشت بالغ بر ۶۵۳ هزار میلیارد ریال از منابع صندوق توسعه ملی و همچنین انتشار انواع اوراق مالی معادل ۹۶۲ هزار میلیارد ریال بوده است.

همچنین در سال ۱۳۹۸ با توجه به شرایط ویژه آن سال (کاهش شدید صادرات نفتی، وقوع حوادث غیرمترقبه و ...) هر ماه بودجه عمومی دولت با کسری مواجه شده که از محل تنخواه‌گردان بانک مرکزی و برداشت از حساب شرکت‌ها جبران گردیده است؛ البته در نهایت تنخواه مذکور نیز در پایان سال به میزان بالغ بر ۲۸۲ هزار میلیارد ریال از محل برداشت از صندوق توسعه ملی تسویه شده است.

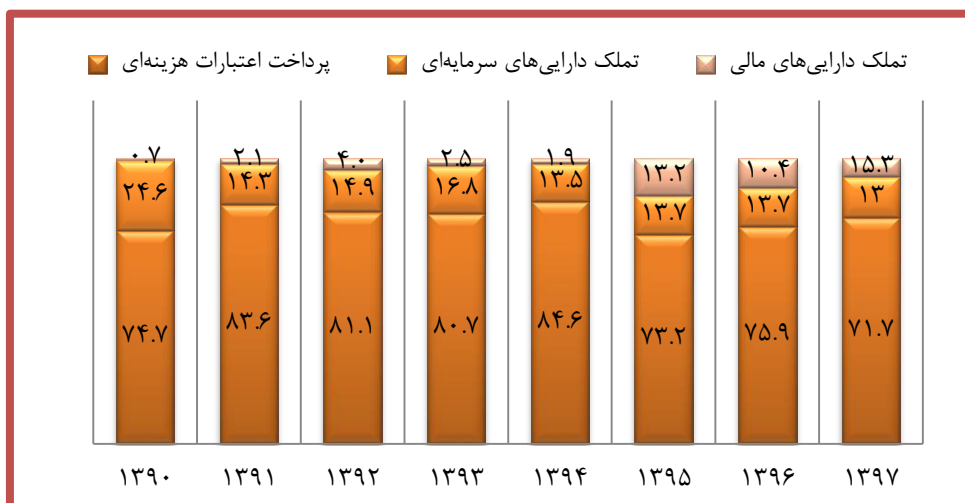
جدول ۲. عملکرد منابع (دریافت‌ها) در سال ۱۳۹۸

سال ۱۳۹۸			منابع (دریافت‌ها) (هزار میلیارد ریال)
رشد	درصد تحقق مصوب	عملکرد	
۱۱	۹۷	۴۳۳۳	جمع منابع (دریافت‌ها)
۱۸	۹۱	۲۱۷۸	درآمدهای عمومی
-۵۸	۳۰	۴۷۰	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۷۷	۳۳۰	۱۶۸۵	واگذاری دارایی‌های مالی

مأخذ: معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور - گزارش مقدماتی منابع و مصارف سال ۱۳۹۸ - فروردین ۱۳۹۹

ترکیب مصارف دولت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ بیانگر آن است که سهم اعتبارات هزینه‌ای از کل مصارف دولت به طور متوسط برابر با ۷۸,۲ درصد بوده که بیش‌ترین سهم در سال ۱۳۹۴ و کم‌ترین آن در سال ۱۳۹۷ رخ داده است. متوسط سهم تملک

دارایی‌های سرمایه‌ای و تملک دارایی‌های مالی نیز طی دوره مذکور به ترتیب ۱۵,۶ و ۶,۲ درصد بوده که از این حیث در جایگاه‌های بعد از اعتبارات هزینه‌ای قرار دارند. همچنین در این سال‌ها اگرچه سهم سرمایه‌ای تقریباً کاهش یافته است؛ اما سهم تملک دارایی‌های مالی در حال افزایش است. عمده دلیل افزایش سهم تملک دارایی‌های مالی طی سال‌های اخیر بازپرداخت تعهدات سررسید شده دولت ناشی از انتشار انواع اوراق مالی دولت بوده که منجر به کاهش سهم اعتبارات هزینه‌ای و سرمایه‌ای نیز شده است.



مأخذ: معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور

نمودار ۲۴. ترکیب مصارف دولت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷

عملکرد مصارف دولت در سال ۱۳۹۸ معادل ۴۳۳۳ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به عملکرد سال قبل از رشد ۱۱ درصدی برخوردار شده و تحقق آن نسبت به مصوب قانون بودجه و مصوب سران قوا به ترتیب ۹۷ و ۱۱۲ درصد بوده است. بررسی رشد

اجزای مصارف دولت در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که اعتبارات هزینه‌ای دولت از رشد ۲۲ درصدی برخوردار شده که با توجه به نرخ تورم حدود ۳۵ درصدی سال گذشته حاکی از تلاش دولت جهت مدیریت هزینه‌های عمومی است. تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از ۷۸ درصد تحقق برخوردار گردیده است و نسبت به رقم مصوب سران، تحقق آن به بیش از ۱۰۷ درصد بالغ می‌گردد که عمده دلیل آن استفاده از ظرفیت انتشار اوراق مالی دولت بوده است. بازپرداخت تعهدات مالی دولت نیز در قالب تملک دارایی‌های مالی به بیش از ۴۰۷ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به رقم مصوب ۱۳۹ درصد محقق شده است.

جدول ۳. ترکیب مصارف دولت در سال ۱۳۹۸

سال ۱۳۹۸			(هزار میلیارد ریال)
رشد	درصد تحقق مصوب	عملکرد	
۱۱	۹۷	۴۳۳۳	جمع مصارف (پرداخت‌ها)
۲۲	۹۷	۳۴۰۲	اعتبارات هزینه‌ای
۳	۷۸	۵۲۴	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
-۳۲	۱۳۹	۴۰۷	اعتبارات تملک دارایی‌های مالی

مأخذ: معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور - گزارش مقدماتی منابع و مصارف سال ۱۳۹۸ - فروردین ۱۳۹۹

مطابق گزارش عملکرد معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور بدهی دولت در سال ۱۳۹۷ به میزان ۴۴۲۱,۸ هزار میلیارد ریال و بدهی شرکت‌های دولتی به میزان ۲۹۳۷,۴ هزار میلیارد ریال بوده است که در نهایت جمع کل بدهی‌های دولت در سال ۱۳۹۷ به رقم

۷۳۵۹,۲ هزار میلیارد ریال رسیده است. نسبت کل بدهی‌های دولت (دولت به علاوه شرکت‌های دولتی) به تولید ناخالص داخلی^۱ یکی از شاخص‌های مناسب برای انتشار اوراق است که با توجه به عملکرد بدهی دولت و تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۳۰,۳ درصد بوده است.

با توجه به عملکرد دولت در سال ۱۳۹۸ گزارش‌ها حاکی از آن است که بدهی دولت تا شهریور ماه به میزان ۵۰۵۳,۵ هزار میلیارد ریال و بدهی شرکت‌های دولتی به میزان ۵۲۶۰,۲ هزار میلیارد ریال بوده که رقم کل بدهی دولت تا انتهای شهریورماه سال ۱۳۹۸ به ۱۰۳۱۳,۷ هزار میلیارد ریال رسیده است. براساس این عملکرد و تولید ناخالص داخلی معادل ۱۶۲۴۵,۱ هزار میلیارد ریال در انتهای فصل تابستان ۱۳۹۸، نسبت کل بدهی‌های دولت به تولید ناخالص داخلی در شهریور ماه سال ۱۳۹۸ برابر با ۶۳,۵ درصد می‌باشد.

مقایسه عملکرد تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نشان می‌دهد که میزان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تا قبل از تحریم‌های اقتصادی (سال ۱۳۹۰) حدود ۳۰۰ هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ بوده؛ اما بعد از تحریم‌های اقتصادی که باعث به وجود آمدن فشارهای تورمی و محدودیت منابع مالی برای دولت شد، این رقم به ۱۷۰ هزار میلیارد

^۱ نسبت بدهی انباشت شده به تولید ناخالص داخلی برای دولت‌ها نشان‌دهنده توان آن‌ها برای بازپرداخت وام‌های موجودشان و بازپرداخت وام‌هایی است که دریافت خواهند کرد؛ لذا محاسبه این شاخص می‌تواند دید مناسبی به سیاست‌گذار در خصوص انتشار و مدیریت بدهی‌های دولت ارائه نماید.

ریال در سال ۱۳۹۷ به قیمت ثابت رسیده است که حاکی از کاهش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به قیمت‌های ثابت، علی‌رغم افزایش اسمی آن است.

۲. چالش‌های اقتصادی

۲-۱. چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران

بخشی از دشواری‌های شرایط کنونی اقتصاد ایران، ناشی از انباشت مشکلات ساختاری است که از سال‌های قبل وجود داشته است و اگرچه موفقیت‌هایی در مهار و غلبه بر بخشی از آن‌ها حاصل شده است؛ لیکن بخشی از جنبه‌های این مشکلات، کماکان لاینحل مانده است. سیاست‌گذاری برای شرایط اقتصادی پیش رو، بدون در نظر گرفتن این مشکلات و چالش‌ها، موفقیت‌آمیز نخواهد بود. بدیهی است که حل تمامی این مشکلات فرایندی زمان‌بر است و در طول یک سال، میسر نخواهد بود. درواقع، باید در رابطه با بخشی از این مشکلات، راهکارهای بلندمدت را جستجو کرد و در عین حال، تلاش نمود که در سیاست‌های سال ۱۳۹۹، اگر امکان حل بخشی از آن‌ها وجود ندارد، لااقل از وخیم‌تر شدن آن‌ها جلوگیری شود.

مهم‌ترین چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران به شرح ذیل است:

۱. رشد بی‌رویه نقدینگی و آثار تورمی ناشی از آن؛
۲. عدم هدایت کارآمد منابع مالی به سمت تولید و سرمایه‌گذاری؛
۳. عدم تأمین و کمبود سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی؛
۴. زیان‌دهی بانک‌ها، وضعیت نامطلوب ترازنامه‌ای و انجماد منابع بانکی؛

۵. عدم ترویج و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های بازار سرمایه برای تأمین مالی

بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌های بزرگ مقیاس؛

۶. عدم تعادل صندوق‌های بازنشستگی و تشدید مشکل در روند پیش‌رو؛

۷. انباشت بدهی‌های دولت و عدم وجود منابع مکفی بودجه‌ای برای جبران آن؛

۸. وجود موانع پیرامونی و نهادی در واگذاری دارایی‌های دولتی؛

۹. محدودیت‌ها و زیان‌های وسیع ناشی از تحریم‌های اقتصادی؛

۱۰. محدودماندن حجم و تنوع تجارت خارجی کشور نسبت به تولید ناخالص

داخلی؛

۱۱. وجود برخی ساختارهای انحصاری و فسادآمیز در اقتصاد کشور؛

۱۲. فضای نامناسب کسب‌وکار و فضای غیررقابتی و انحصاری در بخش‌هایی از

تولید؛

۱۳. تلاطم‌های ارزی و آسیب‌های اقتصادی و تجاری ناشی از این نوسانات؛

۱۴. وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی؛

۱۵. اتلاف و هدررفت منابع؛ به‌خصوص منابع انرژی یارانه‌ای؛

۱۶. سهم اندک مالیات از تولید ناخالص داخلی؛

۱۷. بحران‌های زیست‌محیطی نظیر کاهش ذخایر آب زیرزمینی، آلودگی هوا و

ریزگردها، به‌ویژه در کلان‌شهرها.

۲-۲. چالش‌های احتمالی در سال ۱۳۹۹

علاوه بر چالش‌های منبعث از مشکلات ساختاری در کشور، چالش‌های جدیدی نیز قابل‌برشمردن است که احتمال وقوع آن‌ها در سال پیش رو وجود دارد؛ البته، احصای این چالش‌ها، لزوماً به معنی وقوع قطعی آن‌ها نیست؛ بلکه سیاست‌گذار باید در یک افق زمانی، احتمال‌های غیرقطعی و سناریوهای بدبینانه را نیز لحاظ کند؛ بنابراین وجه دیگری از ملاحظات سیاست‌گذاری باید معطوف به این چالش‌های احتمالی و پیش‌بینی شرایط مقابله با آن‌ها در صورت وقوع باشد. مهم‌ترین چالش‌های احتمالی پیش رو را می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

۱. امکان تشدید فشار تحریم‌های خصمانه آمریکا و تحدید منابع ارزی کشور؛
۲. احتمال وقوع رکود اقتصادی و بروز مشکلات اقتصادی گسترده ناشی از شیوع ویروس کرونا؛
۳. تداوم کاهش قیمت نفت، مشتقات نفتی و محصولات پتروشیمی به دلیل رکود جهانی؛
۴. کاهش تقاضای جهانی محصولات معدنی و افت بهای فلزات جهانی؛
۵. کاهش درآمدهای مالیاتی به واسطه زیان‌های اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا؛
۶. کاهش سطح تقاضای مصرفی اقتصاد داخلی کشور؛
۷. افزایش هزینه‌های دولت ناشی از ارائه بسته‌های حمایتی مقابله با شیوع ویروس کرونا؛

۸. امکان عدم تحقق کامل منابع درآمدی پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۹۹.

۳- تبیین شرایط اقتصادی پیش رو و رویکرد سیاست‌گذاری اقتصادی سال ۱۳۹۹

همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، از یک‌سو با تداوم تحریم‌های سال ۱۳۹۷ و کاهش ارزش افزوده بخش نفت، انقباض شدیدی در بخش عرضه اقتصاد رخ داد و از سوی دیگر، به سبب تنگنای ارزی، افزایش قیمت ارز و همچنین کاهش دسترسی به نهاده‌های وارداتی، افت شدید تولید در بخش صنعت (۹,۶- درصد) اتفاق افتاد. همچنین تقاضای کل اقتصاد، به دلیل کاهش سه بخش مصرف نهایی بخش خصوصی (۲,۲- درصد)، مخارج سرمایه‌گذاری (به دلیل نااطمینانی) (۵,۵- درصد) و خالص صادرات (۴,۲- درصد)، به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافت. در این میان، افزایش نرخ ارز، کاهش واردات نهاده‌های تولید و کاهش سرمایه‌گذاری، از مهم‌ترین عواملی بودند که بیش‌ترین اثرگذاری را در افزایش تورم و کاهش تولید داشتند. در سال ۱۳۹۸، با توجه به نام‌گذاری سال، به نام رونق تولید و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت بر اساس گزارشات نه‌ماهه منتشر شده توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، رشد اقتصادی بدون نفت، همان‌طور که در بخش قبلی توضیح داده شد، توانسته وضعیت مناسبی را داشته باشد و روند مثبتی را تجربه نماید. برای تقویت این روند مثبت اقتصادی، مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۹ را به‌عنوان سال جهش تولید نام‌گذاری نموده‌اند و قاعداً برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نیز باید در همین راستا، تدوین و به اجرا گذاشته شوند. قطعاً موفقیت در رونق و جهش تولید، پاسخ

مناسبی به بسیاری از مشکلات و چالش‌هایی است که در بخش‌های قبلی این گزارش تبیین شد.

لیکن باید توجه داشت که جهش تولید، در بستر محیط باثبات اقتصادی، فضای کسب و کار مناسب، نظام تأمین مالی کارآمد و چارچوب سیاست‌گذاری هوشمند، محقق خواهد شد. برای دستیابی به آن، باید بخش‌های پیش‌ران اقتصادی و زنجیره‌های تولید تقویت، سرمایه‌گذاری تشویق، نوآوری حمایت و موانع تولید، رفع گردند. دارایی‌ها و منابع دولت، به کاراترین شکل، استفاده و اعتبارات بانکی در مسیر تولید هدایت شوند. نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و گمرکی در جهت خدمت تولید و تجارت، مورد استفاده قرار گیرند و نظام مالیاتی نیز با این هدف، مورد بازآرایی قرار گیرد.

رویکرد اصلی در جهش تولید، بر اساس تجربیات سایر کشورهای موفق در این زمینه، انتخاب و به‌کارگیری سیاست مناسب پولی و مالی است که برای مقابله توأمان با رکود و تورم، کارساز باشد. افزایش هزینه‌های عمرانی دولت، یکی از مهم‌ترین سیاست‌های ضدچرخه‌ای است که به عنوان موتور محرکه، جهت خروج اقتصاد از شرایط رشد اقتصادی منفی عمل می‌نماید؛ از این‌رو در شرایط حاضر، به‌دلیل نبود شرایط مطلوب سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، اتخاذ سیاست‌های ضدچرخه‌ای و رونق‌زا به‌عنوان موتور محرک جهت خروج اقتصاد از شرایط رکودی ضروری بوده و لذا، کاهش هزینه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با هدف تعادل‌بخشی بودجه دولت، به‌هیچ‌عنوان پیشنهاد نمی‌گردد؛ چرا که می‌تواند کاهش بیش‌ازپیش رشد اقتصادی و اشتغال در سطح جامعه

را به همراه داشته و کشور را به پرتگاه «تله فقر» بکشاند. در کنار این سیاست، به کارگیری سایر ابزارهای سیاستی و حمایتی در راستای ایجاد رونق در تولید بخش خصوصی نیز باید در سرلوحه کارها قرار گیرد که در ادامه بدان پرداخته می شود.

۴- محورهای سیاستهای اقتصادی در سال ۱۳۹۹ در راستای جهش تولید

۴-۱. بهبود محیط کسب و کار و اقتصاد هوشمند

بهبود محیط کسب و کار، یکی از کم هزینه ترین و مؤثرترین سیاستهای حمایت از تولید است. درواقع، با صرف هزینه های ناچیز، می توان محیط فعالیت کسب و کارها را به نحوی سامان داد که نه تنها آثار مثبتی برای تولید داشته باشد؛ بلکه برای دولت نیز صرفه جویی در برداشته باشد. بهبود محیط کسب و کار از طریق رفع موانع زائد، تسهیل در فرایندهای سرمایه گذاری های جدید و توسعه سرمایه گذاری های موجود، اصلاح و حذف مقررات مختل کننده تولید و بهبود و الکترونیکی شدن فرایندهای صدور مجوزها، قابل انجام است. اهمیت این موضوع، از این حیث است که در سال پیش رو، از منظر تأمین منابع و اعتبارات، فشار مضاعفی بر بودجه دولت وجود دارد و لذا برنامه ها و سیاست هایی که نیاز کمتری به منابع بودجه ای داشته باشند، از اهمیت بالاتری برخوردارند. درواقع، هیچ برنامه ای با چنین سطحی از اثرگذاری وجود ندارد که نیاز مالی قابل توجهی نداشته باشد.

می‌توان محیط مساعد کسب‌وکار را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و تولید کالا و خدمات از طریق سیاست‌گذاری و اقداماتی نظیر مقررات‌زدایی، افزایش رقابت‌پذیری، تضمین حقوق مالکیت، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، پیاده‌سازی و توسعه دولت الکترونیکی و بهبود امتیاز در شاخص‌های بین‌المللی محیط کسب‌وکار، به‌منصه ظهور رساند.

یکی از معضلاتی که فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران با آن مواجه هستند، وجود قوانین و مقررات بی‌شمار و بعضاً تفسیرپذیر است که بالقوه می‌تواند با سلاقی مختلفی اجرا شود. این مشکل، از آنجا نشأت می‌گیرد که مراجع متعددی بر اساس صلاحیت‌های قانونی خود، به‌طور بلاوقفه و با سرعت بالا به وضع قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف، اقدام می‌کنند؛ لیکن در این فرایند، اثرات آشکار و نهفته تصمیمات بر محیط کسب‌وکار و گروه‌های تحت تأثیر، بعضاً مورد تحلیل کافی و شایسته قرار نمی‌گیرد که نهایتاً به تولید مقررات زائد و بی‌کیفیت، منجر می‌شود. ایجاد پیچیدگی‌های غیرضروری در چرخه بوروکراسی، افزایش سطح دیوان‌سالاری حاکمیت و سردرگمی متقاضیان راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارها به‌دلیل وجود قوانین و مقررات مزاحم، متداخل و متضاد، احتمال کاهش سلامت اداری و بروز فساد در چرخه‌های قانونی ایجاد کسب‌وکار، ازجمله هزینه‌هایی هستند که ایجاد قوانین و مقررات بخشی‌نگر و بی‌کیفیت، می‌توانند به جامعه تحمیل کنند. بر این اساس، حذف و اصلاح مقررات مخل و بهینه‌سازی فرایند مقررات‌زدایی، ازجمله عوامل مهم و تأثیرگذار در بهبود محیط کسب‌وکار است.

بر اساس همین قوانین و مقرراتی که موجود هستند یا مصوب می‌شوند، آغاز و توسعه کسب‌وکارها نیازمند اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح است. سهولت و سرعت دریافت این مجوزها، برای فعالیت‌های اقتصادی نیز یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های تحلیل کیفی محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود. توفیق یا عدم توفیق در تسهیل صدور مجوزها، متأثر از مؤلفه‌هایی همچون زمان، هزینه، مدارک موردنیاز، شرایط و مراحل صدور آن است که چنانچه جزء اولویت‌های واقعی دستگاه‌های اجرایی و مراجع صدور آنها محسوب نگردد، محیط کسب‌وکار کشور را دست‌خوش چالش‌های جدی خواهد کرد.

در همین راستا، برای رفع معضل مذکور، در بسیاری از کشورها، علاوه بر ایجاد کمیته‌ای دارای اختیار و متشکل از همه بخش‌های تأثیرگذار حاکمیت، موسوم به هیئت مقررات‌زدایی به منظور شناسایی قوانین و مقررات مغل و مزاحم فعالیت‌های اقتصادی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای سامان‌دهی به نظام مجوزدهی خود استفاده می‌کنند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۹۴، هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، به استناد قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، متشکل از دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نماینده رئیس دیوان محاسبات کشور، نماینده دادستان کل کشور، نماینده رئیس سازمان بازرسی کل کشور، رؤسای اتاق‌های بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی ایران،

اصناف ایران و تعاون ایران و به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی ایجاد شده است. این هیئت، تاکنون در جهت شناسایی، لغو و حذف مقررات مغل و مزاحم، گام‌هایی را برداشته و مصوباتی را در راستای تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار صادر نموده است که می‌تواند به‌عنوان برنامه عملیاتی دولت، در حوزه اقتصاد باشد.

از سوی دیگر، نظام حاکمیتی تنها در شرایطی می‌تواند مدعی فرماندهی این محیط موج، متغیر و پرتلاطم باشد که قادر باشد در نظامی ساختاریافته و یکپارچه با شناخت دقیق بازیگران و نقش‌های آن‌ها، از آخرین اتفاقات محسوس و نامحسوس این محیط، به‌صورت برخط آگاهی داشته باشد. فرماندهی و کنترل این نظام در عرصه تصمیم‌گیری و اتخاذ خط‌مشی، هنگامی کارشناسی و دقیق محسوب می‌گردد که عوامل مغل و تسهیل‌کننده در محیط واقعی و غیرآزمایشگاهی، دقیق، دائم و هوشمندانه دیده‌بانی شود. وفق تجربه موفق کشورهای پیشرو در این زمینه، انتخاب و به‌کارگیری درست و دقیق ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات، تنها نسخه مؤثر و آزموده برای دستیابی به این فرماندهی واحد می‌باشد. با بهره‌گیری از ابزار پایه فناوری دیجیتال و زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، نیل به اهداف پارادایم اقتصاد هوشمند، با تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه و افزایش نوآوری، به‌درستی محقق خواهد شد.

بهره‌گیری از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضمن فراهم‌نمودن پیش‌نیازهای لازم برای انجام کار از راه دور توسط سرمایه انسانی بخش دولتی و خصوصی (باهدف افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی)، اجبار به مراجعه حضوری برای خرید

محصول و یا دریافت خدمت را بسیار کاهش می‌دهد. فراهم‌نمودن زیرساخت و تجهیزات امن و اثبات لازم، به‌همراه امکان تبادل سرویس‌های برخط به‌عنوان نیازمندی مشترک در فرایند خدمات دولت‌به‌دولت (G2b)، دولت به مردم (G2c) و دولت به کسب‌وکارها (G2b)، یکی از عمده وظایف حاکمیت در حکمرانی‌های خوب است که در سنوات گذشته نیز به‌عنوان اولویت، توسط نظام مدیریتی کشور در قوای سه‌گانه و بخش خصوصی، برنامه‌ریزی و اجرا شده است.

در همین راستا از سال ۱۳۹۶، درگاه ملی مجوزهای کشور (G4B.ir) با هدف ایجاد یک نظام سیستماتیک هوشمند، با قابلیت شناسایی گلوگاه‌های مغل، پایش میدانی محیط کسب‌وکار و یکپارچه‌سازی نظام صدور مجوزهای کشور، طراحی و پیاده‌سازی شد که شامل ۴ سامانه "صدور مجوزهای کسب‌وکار کشور (سام)"، "سامانه دریافت، انعکاس، پیگیری و رسیدگی به شکایات متقاضیان صدور مجوزهای کسب‌وکار (دادور)"، "میز مشاوره کسب‌وکار (یاور)" و "پایگاه اطلاعات و استعلامات مجوزها (نما)" به‌صورت درهم‌تنیده و هوشمند، برپایه فناوری اطلاعات و ارتباطات است و پس از پیاده‌سازی و به‌کارگیری کامل، قادر است نظام مجوزدهی کشور را یکپارچه، قابل کنترل، پایش و به‌شکل فزاینده‌ای در جهت کاهش فساد، شفاف نماید.

در این بین، علاوه بر بهینه‌سازی روابط و تعاملات بین‌دستگاهی برای تسهیل صدور مجوزها، باید به بهینه‌سازی رویه‌ها و آسان‌سازی ارائه خدمات آن‌دسته از دستگاه‌های اجرایی که بیش‌ترین ارتباط را با ارباب رجوع دارند، مانند رویه‌های مالیات‌ستانی

سازمان امور مالیاتی کشور، دریافت حقوق بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی و ... با کمک مفاهیم دولت الکترونیکی و مبتنی بر ادبیات اقتصاد هوشمند، توجه ویژه داشت.

با تکمیل این درگاه و حضور و فعالیت همه مراجع صدور مجوز در تمام بخش‌های این درگاه ملی، قواعد تجربه‌شده جهانی برای تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، نظیر قاعده دریافت فقط یک‌بار مدارک و استعلامات درطول راه‌اندازی یک کسب‌وکار و قاعده نظارت‌های بی‌هزینه و پنهان حاکمیت در نظام مجوزدهی کشور، به کار گرفته‌شده و منجر به کاهش هزینه‌ها، افزایش شفافیت، جلوگیری از مجوزهای خلق‌الساعه، ایجاد وحدت رویه در صدور مجوزها و ایجاد کسب‌وکارها و کاهش زمان صدور مجوزها می‌شود. همچنین باید توجه داشت که تغییر پارادایم نظام مجوزدهی از نظارت پیشینی به نظارت پسینی در کشورهای موفق در کسب‌وکار، از مواردی است که باعث جهش تولید در آنها شده است.

یکی دیگر از موارد مهم در بهبود محیط کسب‌وکار، ارتقای امتیاز و رتبه کشور در شاخص جهانی سهولت انجام کسب‌وکار است. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، به‌ازای هر یک درصد بهبود در این شاخص، می‌توان ۰٫۰۶ درصد رشد اقتصادی را تجربه نمود. همین موضوع، نشان‌دهنده اهمیت توجه به افزایش امتیاز در این شاخص است؛ البته، ضمن در نظر گرفتن اهمیت توجه به شاخص جهانی سهولت انجام کسب‌وکار، به این نکته نیز باید توجه داشت که این شاخص و بهبود آن، به تنهایی بهبوددهنده همه محیط

کسب و کار کشور نیست و صرفاً باید به عنوان جزئی از یک بسته بزرگ‌تر، به آن نگرینست.

آخرین گزارش سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی (DB2020) که در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۳۹۸/۰۸/۰۲) منتشر شده است، به ارزیابی محیط قانون‌گذاری و تنظیم مقررات کسب و کار ۱۹۰ کشور جهان در ۱۰ نماگر «شروع کسب و کار، اخذ مجوزهای ساخت و ساز، دسترسی به برق، ثبت مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سهامداران خرد، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، الزام آور بودن اجرای قراردادهای و ورشکستگی و پرداخت دیون» طی بازه زمانی اردیبهشت ۱۳۹۶ تا اردیبهشت ۱۳۹۷ می‌پردازد.

در این گزارش، امتیاز ایران در شاخص کل سهولت انجام کسب و کار، با افزایشی به میزان ۱،۵۲ واحد نسبت به سال قبل، از ۵۶،۹۸ به ۵۸،۵ بهبود یافته است. این افزایش در امتیاز، رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار را با ۱ پله ارتقا روبه‌رو نموده؛ به طوری که از رتبه ۱۲۸ در گزارش ۲۰۱۹ میلادی، به رتبه ۱۲۷ در گزارش ۲۰۲۰ میلادی رسیده است. هرچند این ارتقا، چندان چشم‌گیر نیست؛ اما اهمیت آن، از آن جهت است که این بهبود، پس از ۳ سال پیاپی تنزل و در شرایط تشدید تحریم‌های ظالمانه آمریکا، رخ داده است.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، در راستای اجرای تکالیف قانونی محوله به آن وزارت مبتنی بر تبصره ماده ۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و بند الف ماده ۲۲ قانون برنامه ششم توسعه، از سال ۱۳۹۸، هرساله برنامه عملیاتی- اجرایی ارتقای جایگاه

ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی را منطبق بر روش شناسی بانک و بررسی پرسش نامه های هریک از نماگرهای ۱۰ گانه، با انتشار آخرین گزارش بانک جهانی تهیه نموده؛ به گونه ای که اقدام هریک از دستگاه های اجرایی و میزان اثربخشی آن بر نماگر مرتبط و شاخص کل، به طور شفاف بیان شده است. در برنامه ارائه شده اخیر وزارت امور اقتصادی و دارایی که مبتنی بر گزارش ۲۰۲۰ بانک جهانی است، ۶۴ پیشنهاد مشخص با قابلیت اجرایی، به منظور ارتقای حدود ۱۰۰ پله ای رتبه ایران (با فرض ثابت ماندن شرایط سایر کشورها و همچنین عدم تغییر روش شناسی شاخص) در ۳ سطح، ارائه شده است که قطعاً اهتمام دستگاه های اجرایی در اجرای این پیشنهادات، بخشی از برنامه جهش تولید در سال جاری خواهد بود.

همچنین، طیف وسیعی از اقدامات اصلاحی در هر یک از دستگاه های اجرایی در رابطه با فرایندهای ارائه خدمات آنها به مردم وجود دارد که انجام هریک می تواند تسهیل قابل توجه در ارتباط بین مردم و حاکمیت ایجاد کند. در این مسیر، استفاده از ابزارهای هوشمند و به طور کلی حرکت به سمت اقتصاد هوشمند، به عنوان یک فرصت در پیش روی ماست. درواقع برای به جهش درآوردن تولید، باید هوشمندانه عمل کرد. مفهوم اقتصاد هوشمند را امروز باید در همین ارتباط تعریف و اجرا کنیم. اقتصاد هوشمند، ابزاری برای برداشتن گام های بزرگ با استفاده از منابع تجدید شده و عبور از تنگناهای اقتصادی است.

اقتصاد هوشمند، یک پارادایم جدید در برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی است که می‌تواند برای غلبه بر بخش قابل‌توجهی از محدودیت‌ها و کمبودها، به کار گرفته شود. همچنین نقش بسیار مؤثری در ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها خواهد داشت. تولیدکنندگان و صاحبان کسب‌وکار به‌طور روزمره نیازمند دریافت خدمات دولتی، عمومی و خصوصی از قبیل مالیات، تأمین اجتماعی، بانک، بیمه، بازار سرمایه، شهرداری و نظایر آن هستند. چنانچه اقتصاد هوشمند، در هریک از این سازمان‌ها به کار گرفته شود، نه تنها خدمات به شکل مطلوب‌تری ارائه می‌شود؛ بلکه امکان برنامه‌ریزی بهتر، شفافیت بالاتر، کارایی بالاتر در تخصیص منابع و صرفه‌جویی بیشتر در هزینه‌ها نیز، فراهم می‌شود.

همچنین هوشمند کردن عوامل تولید، به‌مدد فناوری‌های نوین و هوشمندساز (اینترنت اشیا، بلاک‌چین و ...) و ایجاد اکوسیستم‌های تولیدی غیرمتمرکز جهت به اشتراک‌گذاری ظرفیت تولیدی و بسترسازی مؤثر برای تولید و عرضه محصولات و خدمات هوشمند در سطح ملی و بین‌المللی، ازجمله راهکارهایی است که به کمک اقتصاد هوشمند، می‌توان در مسیر جهش تولید، به کار گرفت.

ایجاد نظام مالی، مالیاتی، بانکی، گمرکی، بورس، تجاری و حمل‌ونقل هوشمند در کشور و استفاده از ظرفیت فناوری‌های هوشمندساز ازجمله بلاک‌چین، در کاهش هزینه‌های عملیات این دستگاه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک برنامه اساسی در هریک از این بخش‌ها، مورد توجه قرار گرفته و در سال ۱۳۹۹، به اجرا گذاشته شود. قاعدتاً تدوین بسته‌های

حمایتی و تشویقی برای بومی سازی فناوری های نوظهور و راه اندازی کسب و کارهای نوپا در این حوزه، بخشی از این راهکارها خواهد بود.

به طور کلی سیاست های پیشنهادی حوزه بهبود محیط کسب و کار و اقتصاد هوشمند،

به شرح زیر است:

جدول ۴. بهبود محیط کسب و کار و اقتصاد هوشمند

ردیف	سیاست ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۱	ساماندهی نظام مجوزهای کشور و توسعه و تکمیل درگاه ملی مجوزهای کشور	* بهبود محیط کسب و کار؛ * تسهیل صدور مجوزها.	بارگذاری کامل شناسنامه مجوزهای کشور تا پایان سال	وزارت امور اقتصادی و دارایی	کلیه مراجع صدور مجوز
۲	تسریع در پیاده سازی الکترونیکی فرایند درخواست و صدور مجوزهای مهم و پرتقاضا، از طریق درگاه ملی مجوزها (g4b.ir)	کاهش زمان و هزینه صدور	الکترونیکی شدن حداقل ۲۰ درصد از مجوزهای غیرصنعتی کشور تا پایان سال	کلیه مراجع صدور مجوز	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۳	حمایت از توسعه کسب و کارهای هوشمند و حرکت به سمت اقتصاد هوشمند با به کارگیری ابزارها و روش های هوشمند	* کمک به جهش تولید * ارتقای بهره وری تولید	تدوین دستورالعمل حمایت از کسب و کارهای هوشمند و جدید	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات * معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری * وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	همه دستگاه های اجرایی
۴	شفاف سازی و تسهیل فرایندهای تجارت خارجی اعم از واردات و صادرات، با استفاده از سامانه ها و ابزارهای اقتصاد	کاهش زمان واردات و صادرات	یکپارچه سازی سامانه های مدیریت و نظارت تجارت خارجی	گمرک ج.ا.ا	* وزارت صنعت، معدن و تجارت * وزارت راه و شهرسازی * سازمان ملی استاندارد ایران * سازمان دامپزشکی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	هوشمند				
۵	طراحی و راه‌اندازی پنجره واحد فیزیکی و الکترونیکی شروع کسب‌وکار	* کاهش زمان شروع کسب‌وکار * ارتقای جایگاه ایران در شاخص بین‌المللی فضای کسب‌وکار	استقرار پنجره فیزیکی تا پایان خرداد	وزارت امور اقتصادی و دارایی	* سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، * اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران * سازمان امور مالیاتی کشور * روزنامه رسمی کشور * سازمان تأمین اجتماعی * شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران * وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶	شناسایی انحصارها و موانع مقرراتی در مسیر جهش تولید و اقدام برای رفع آن‌ها	* کاهش موانع و بهبود محیط کسب‌وکار * ارتقای نظام رقابتی بازارها و تولید کالا و خدمات.	استمرار و افزایش مصوبات هیئت مقررات‌زدایی	هیئت مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار	* شورای رقابت * مراجع صدور مجوز * دیوان عدالت اداری
۷	استانداردسازی فرایند خدمات قابل ارائه و تعیین بازه زمانی مشخص برای آن	استانداردسازی رویه‌های عمومی مرتبط با فضای کسب‌وکار کشور	حداکثر در ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۹	* گمرک ج.ا.ا. * سازمان امور مالیاتی کشور * سازمان بورس و اوراق بهادار * بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران * سازمان سرمایه‌گذاری‌های خارجی * سیستم بانکی	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۸	اصلاح فرایندهای مالیات‌ستانی و نظام ارتباطی با مؤدیان از طریق ابزارهای	* تسهیل فرایند مالیات‌ستانی * افزایش رضایت مؤدیان	* تکمیل سامانه جامع مالیاتی * مهندسی مجدد فرایند مالیات	سازمان امور مالیاتی کشور	وزارت امور اقتصادی و دارایی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	اقتصاد هوشمند	*افزایش دقت تشخیص و جلوگیری از فرار مالیاتی	ستانی		
۹	*اصلاح فرایندهای تأمین اجتماعی * اعطای تسهیلات بانک‌ها، خدمات بیمه‌ها و سایر سازمان‌های خدماتی در رابطه با مردم از طریق ابزارهای اقتصاد هوشمند	*افزایش رضایت مراجعه‌کنندگان *هوشمندسازی فرایندها و کاهش هزینه‌های جاری	*حذف حداقل ۵۰ درصد از مراجعات حضوری *کاهش ۲۰ درصدی زمان ارائه خدمات	سازمان‌های ذی‌ربط	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *سازمان امور اداری و استخدامی کشور
۱۰	توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط	*تقویت بنگاه‌های موجود *جلوگیری از هدررفت منابع	راه‌اندازی کلاس‌های آموزشی و مراکز مشاوره در مراکز خدمات سرمایه‌گذاری ۳۱ استان	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	*وزارت صمت *اتاق‌های بازرگانی استان‌ها *دستگاه‌های ذی‌ربط

۴-۲. سیاست‌های تأمین مالی و هدایت اعتبار به سمت واحدهای تولیدی

یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه، رسیدن به رشد اقتصادی بالا و دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار است. در این راستا، نقش پول در فرایند رشد و توسعه، همواره یکی از موضوعات مورد بحث و مناقشه‌برانگیز در ادبیات اقتصادی بوده است. برخی از مکاتب، پول را خنثی دانسته و معتقدند که پول، هیچ تأثیری بر بخش حقیقی اقتصاد ندارد؛ در مقابل، برخی بر این باورند که پول، نه تنها خنثی نیست؛ بلکه کاملاً می‌تواند بر متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد، اثر بگذارد.

از این رو، به اعتقاد برخی از اقتصاددانان نیز پول زمانی سبب رشد اقتصادی می‌شود که به سمت بخش‌های مولد اقتصاد هدایت شود؛ زیرا از آنجایی که بانک‌ها دارای قدرت یا حق ویژه خلق اعتبار هستند و خلق اعتبار خصوصی آن‌ها همانند پول عمومی (حکومتی یا دولتی) مورد پذیرش مردم است؛ این امکان وجود دارد که خلق اعتبارات بانکی در تضاد با منافع عمومی مردم جامعه باشد و یا حداقل این‌که به لحاظ اجتماعی مفید نباشد؛ در نتیجه، برای حل مشکل مربوط به عدم تخصیص بهینه اعتبارات نظام بانکی، ایده اصلی سیاست اعتبار، یعنی ایجاد مکانیسم انگیزشی برای جهت‌دهی خلق اعتبارات بانکی به بخش‌های مولد و جلوگیری (و مجازات) از خلق اعتبار به بخش‌های نامولد (خرید دارایی‌ها، سفته‌بازی در بخش‌های مالی، مسکن، ارز و ...) در محافل اقتصادی مطرح گردید. کنترل مستقیم اعتبار یا هدایت اعتبار، روشی است که توسط بانک‌های مرکزی برای کنترل خلق اعتبارات جدید بانکی به منظور دستیابی به سیاست پولی مدنظر و اهداف سیاست صنعتی، استفاده می‌شود.

اقتصاد، به طور پیوسته شاهد افزایش در حجم نقدینگی از محل اعتبارات بانکی (به عنوان مهم ترین نیروی رشددهنده نقدینگی) است و سیستم بانکی، حتی بدون رهنمودها و سیاست‌های از بالا، خود مستقلاً به‌طور دائمی در حال تصمیم‌گیری صلاح‌دیدی در خصوص نحوه تخصیص اعتبارات است. منطق هدایت اعتبار، اثرگذاری بر موضوع تخصیص اعتبار است. تخصیص بهینه اعتبارات می‌تواند بر استفاده اصولی از منابع مالی اثرگذار باشد و در نهایت، به رشد اقتصادی بالاتر منجر گردد. این‌که

اعتبارات، به کدام بخش اقتصاد تخصیص داده می شود، شکل اقتصاد را می سازد. با این توضیحات، "هدایت پول خلق شده" و "هدایت اعتبار"، معنی یافته و اهمیت می یابد.

نظرات (شومی تر، کینز، مینسکی، استیگلیتز، وایس) شالوده نظری سیاست های هدایت اعتبار و مباحث اقتصاد کلان را تشکیل می دهد که دربرگیرنده هر نوع سیاستی است که از سوی بانک های مرکزی یا وزارتخانه های مالی به منظور اثرگذاری بر تخصیص اعتبار به بخش های مختلف اعمال می شود. همچنین، هدایت اعتبار را می توان به عنوان هر نوع ابزاری که توسط دولت یا بانک مرکزی برای اثرگذاری بر تخصیص اعتبار مورد استفاده قرار می گیرد، تعریف نمود.

بر اساس نظریه مینسکی،^۲ اگر سیستم مالی در اقتصادهای بازار به حال خود رها شود (بدون مقررات)، این امر به صورت درونزا منابع مالی را از محل سرمایه گذاری و نوآوری واقعی خارج می کند و به سمت بازار دارایی و سفته بازی سوق می دهد که در این صورت، سبب رشد درآمد ناعادلانه شده و به سمت سود سرمایه پیش می رود که باعث قطبی شدن ثروت و درآمد خواهد شد. با این توصیفات، ثبات مسیر رشد پایدار، مختل شده و اقتصاد، به سمت چرخه شکننده شکاف با بحران های مکرر خواهد رفت؛ از این رو، به دلیل وجود احتمال انحراف در یک سیستم بدون مقررات و کنترل نشده، باید مقررات و کنترل از طریق ابزارهایی مانند «هدایت اعتبار» اعمال شود تا مشکلات گفته شده رخ

^۲ Minsky's theory

ندهد. درواقع، این امر برای بسیاری از کشورهای توسعه یافته به عنوان رویه، پذیرفته شده است.

تجربه کشور در سال های گذشته نشان می دهد؛ علی رغم رشد نقدینگی، به دلیل نداشتن سیاست های درست هدایت اعتبار، بخش تولیدی از آن منتفع نشده و منابع بانکی در مقطعی، صرف فعالیت های غیرمولد (از قبیل سوداگری در بازار ارز، طلا، سکه، زمین و ساختمان) شده و نتیجه ای جز تورم را به همراه نداشته است. با این توضیحات، به نظر می رسد، در شرایط فعلی کشور، با توجه به نیاز بنگاه ها به نقدینگی بیش تر (جهت ادامه حیات) و رکود تورمی حاکم بر اقتصاد کشور، برای دستیابی به هدف جهش تولید در سال ۱۳۹۹، سیاست های مرتبط با تأمین مالی واحدهای تولیدی و هدایت اعتبار از طریق سازوکارهای «هدایت نقدینگی موجود» و «هدایت نقدینگی خلق شده»، از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند.

شایان ذکر است که هدایت نقدینگی موجود از طریق استفاده از ظرفیت بازار سرمایه، امکان پذیر است. بازار سرمایه یکی از ارکان بازارهای مالی فعال در کشور است و هم اکنون در وضعیت مطلوبی قرار دارد؛ بنابراین می تواند نقش بیشتری در کمک به بخش واقعی اقتصاد و به تبع آن رشد این بخش و جهش تولید ایفا کند. بازار سرمایه می تواند از طریق معرفی ابزارهای جدید مالی، به تأمین مالی بنگاه های اقتصادی فعال در بازار سرمایه کمک کند و با معرفی نهادهای نوین مالی، به جمع آوری سرمایه های خرد و بهره گیری از آن ها در جهت تأمین مالی پروژه های خاص منجر گردد و از طریق تسهیل

ورود بنگاه‌های اقتصادی به بازار سرمایه و افزایش سرمایه بنگاه‌های فعال در این بازار، افزایش در عمق بازار سرمایه را به همراه داشته باشد.

بازار سرمایه، به عنوان یکی از ارکان مهم بازارهای مالی، نقش بسیار حائز اهمیت و پیرنگی در رشد و توسعه اقتصادی، تقویت بنیان‌های اقتصاد مقاومتی و افزایش رفاه عمومی در کشور دارد. در این راستا، توسعه آموزش و فرهنگ سرمایه‌گذاری و بهبود نظام اطلاع‌رسانی و نیز ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های سازمانی (انسانی، دانشی، فناوری، فرایندی و اجتماعی) در بازار سرمایه، نقش به‌سزایی دارد.

با توجه به اینکه در بازار سرمایه، دارایی‌های مالی مورد مبادله قرار می‌گیرند و از آنجاکه ماهیت این نوع دارایی‌ها، مانند دارایی‌های فیزیکی مشهود نیست، خریدار در بازار غیرفیزیکی (مالی) نیاز به حمایت بیش‌تری نسبت به بازار فیزیکی یا کالا دارد. علاوه بر این، بازار مالی چه از جنبه صحت اطلاعات و چه از جنبه به‌موقع بودن اطلاعات، باید شرایط خاصی را داشته باشد؛ زیرا همه تصمیمات، مبتنی بر اطلاعات گرفته می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به ریسک‌های جدیدی که به‌طور مستمر برای بازار سرمایه پیش می‌آیند، سطح و کیفیت نظارت در این بازار، درمقایسه با سایر بازارها اهمیت بیش‌تری دارد و لازم است نهاد ناظر، بر تقویت و توسعه کیفی و کمی نظام نظارتی خود، کوشا باشد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای بازار اوراق بهادار، تأمین نقدشوندگی است. نقدشوندگی، به معنای توانایی بازار در جذب معاملات بزرگ، بدون ایجاد نوسان شدید

در قیمت است که از طریق فراوانی معاملات، حجم معاملات، ارزش سهام معامله‌شده و تفاوت قیمت پیشنهادی در عرضه و تقاضا سنجیده می‌شود. بازاری توسعه‌یافته تلقی می‌شود که نقدشونده بوده و قیمت‌های واقعی و منصفانه دارایی‌های مالی را منعکس کند؛ لذا نیاز است بهبود نقدشوندگی در بازار سرمایه، مدنظر قرار گیرد.

از دیگر برنامه‌های آتی برای بازار سرمایه، می‌توان به بازنگری مقررات و تهیه زیرساخت‌های لازم در راستای نظارت بر دارندگان اطلاعات نهانی حوزه ناشران و بازار، ایجاد سازوکار لازم جهت ارتقای مقررات انضباطی بازار سرمایه، عملیاتی‌کردن حاکمیت شرکتی، اصلاح دستورالعمل کفایت سرمایه در نهادهای مالی، تدوین و اجرای بسته حمایتی توسعه و رشد فناوری‌های مالی در بازار سرمایه، اشاره نمود.

درواقع، بازار سرمایه می‌تواند از طریق کاهش هزینه اطلاع‌رسانی، تسهیل مبادلات، بررسی دقیق‌تر هزینه‌ها، تأمین سرمایه برای فعالیت‌های نوآورانه، ایجاد بستر مناسب برای پس‌انداز و تمهید منبع مناسب برای تأمین وجوه سرمایه‌گذاری، به وظایف خود عمل کرده و به نوبه خود، منجر به تسهیل رشد اقتصادی شود.

با توجه به اینکه نظام مالی کشور در زمره نظام‌های مالی بانک محور طبقه‌بندی می‌شود؛ بانک‌ها مسئولیت زیادی در تأمین مالی واحدهای تولیدی دارند. از لحاظ عملکردی، اصلی‌ترین اثرگذاری نظام بانکی در نظام تأمین مالی از طریق اعطای تسهیلات صورت می‌گیرد؛ از این رو با توجه به برنامه جهش تولید، انتظار می‌رود بانک‌ها نقشی اساسی در این زمینه، ایفا کنند؛ البته لزوم توجه سیستم بانکی به بخش‌های

پیش ران اقتصادی و تأمین مالی این بخش‌ها، می‌تواند اثربخشی تسهیلات اعطایی را دوچندان نماید. لازم به ذکر است، در شرایطی که انتظارات تورمی در سطح بالایی قرار دارد، اتخاذ سیاست انبساط پولی را نمی‌توان بی محابا به کاربرد؛ اما تأمین منابع لازم برای حمایت از برنامه جهش تولید، سطحی از رشد نقدینگی با مدیریت مقدار و چگونگی انبساط، ناگزیر است. رشد نقدینگی تا حدی که نیاز نقدینگی تولید را، با توجه به کمبود نقدینگی ناشی از افزایش هزینه‌های مبادله برای بخش‌های تولیدی، کاهش درآمدهای ارزی و هزینه‌های ناشی از مجموع وقایع اخیر از جمله شیوع ویروس کرونا (با توجه به آثار آن که بر کاهش تولید و اشتغال بر جای می‌گذارد) تأمین نماید، قابل چشم‌پوشی است.

از آنجا که در شرایط حاکمیت رکود بر اقتصاد کشور و عدم اقبال کافی بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، اتخاذ سیاست‌های ضد چرخه‌ای و رونق‌زا از جانب دولت به عنوان موتور محرک جهت خروج اقتصاد از شرایط رکودی ضروری بوده؛ لذا کاهش هزینه‌های عمرانی دولت، جهت جبران کمبود منابع بودجه دولت به هیچ عنوان پیشنهاد نمی‌گردد؛ چراکه می‌تواند کاهش بیش از پیش رشد اقتصادی و اشتغال را به همراه داشته و کشور را به «تله فقر» بکشانند؛ مع‌هذا دولت با توجه به آثار منفی کاهش مصارف و هزینه‌ها بر اقتصاد کشور، بایستی به دنبال تأمین مالی کمبود منابع بودجه‌ای خود از روش‌های درست باشد. یک روش تجربه‌شده در دنیا، استقراض از بخش خصوصی از طریق انتشار اوراق بهادار است که با کاهش حجم پول در دست مردم و انتقال و هدایت این پول به بخش‌های تولیدی، می‌تواند سبب تحریک رشد اقتصادی شود. توسعه بازار

بدهی و استفاده بانک مرکزی از عملیات بازار باز، پیش شرط‌های اجرای موفق این سیاست می‌باشند.

در کشورهای توسعه یافته که غالباً بازار ثانویه ساختار یافته، به اندازه کافی بزرگ و شفاف برای معاملات اوراق بهادار دولتی وجود دارد، معمولاً بانک مرکزی با ورود به بازار ثانویه به عملیات بازار باز می‌پردازد. چراکه طیفی از اوراق دولتی با سررسیدهای متنوع ماهانه توسط دولت منتشر شده و همه روزه در بازار ثانویه معامله می‌شوند و بانک مرکزی می‌تواند عملیات بازار باز را از طریق اوراق دولتی اجرا نماید؛ زمانی که اقتصاد با نرخ سود بالا روبه رو است، بانک مرکزی اقدام به خرید اوراق بدهی دولتی از بازار می‌نماید که موجب افزایش حجم ذخایر می‌شود و به این وسیله، پایه پولی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، عرضه پول افزایش یافته، نرخ سود کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش حجم ذخایر، بانک‌ها از این ذخایر به عنوان اعتبار استفاده نموده و به متقاضیان اعتبار می‌دهند و اعتبار گیرندگان آن را به عنوان سپرده نزد بانک‌ها نگه می‌دارند که این امر سبب افزایش ثروت حقیقی شده و همانند یک اثر تقویتی (ازدحام درونی)^۳ عمل کرده و به افزایش تولید منجر می‌شود؛ در نهایت به کاهش حجم کسری بودجه دولت نیز کمک می‌کند. از مزیت های عملیات بازار باز در مقایسه با تغییرات پایه پولی که به صورت متداول انجام می‌شود، بازگشت پذیر بودن سیاست اجرا شده است.

^۳Crowding in

علاوه بر عملیات بازار باز به صورت سنتی، یکی از مباحث مطرح و قابل توجه در حوزه سیاست گذاری اقتصادی، توجه به اثر اطلاع رسانی^۴ در خصوص تصمیمات کمیته بازار باز است که طی آن بانک مرکزی و دولت اقدام به اطلاع رسانی عمومی در خصوص هدف خود و نرخ بازار بین بانکی می کنند که لازمه آن برخورداری از درجه اعتبار بالایی مقام پولی و مالی است. البته دولت از زمان انتشار اسناد خزانه اسلامی تاکنون نسبت به عدم نکول این اوراق تلاش بسیار نموده و در این راه موفق بوده و بانک مرکزی نیز در سال اخیر در کنترل نرخ ارز به عنوان متغیر هدف، در مدت مذکور موفق عمل کرده است؛ اگرچه در ابتدای انتشار اوراق بدهی، افزایش نرخ ها دور از انتظار نیست؛ ولی در صورتی که بانک مرکزی اعلام نماید که قصد خرید اوراق (بالا بردن قیمت اوراق و پایین آوردن نرخ سود) طی عملیات بازار باز را دارد، آنگاه مردم به خرید اوراق واکنش نشان می دهند. در این صورت، دولت می تواند در ابتدا (در نرخ های بالای سود) با انتشار اوراق بهادار ۳ ماهه به تأمین مالی پرداخته و در سررسید، به انتشار اوراق با سررسیدهای بالاتر ۶ ماهه، یک ساله و ... مبادرت نماید که از یک سو هزینه تأمین مالی بلندمدت دولت را کاهش داده و از سوی دیگر، نرخ های سود اوراق به تناسب انتظارات تورمی کاهش یافته و این خود، به کاهش نرخ های سود اوراق آتی کمک می نماید. بانک مرکزی نیز می تواند جهت کاهش نرخ سود اقدام به خرید اوراق در بازار بین بانکی نماید

^۴ Announcement effect

و با افزایش قیمت، نرخ بازده آن‌ها را کاهش داده و درنهایت، اگر افراد دارنده اوراق به این باور برسند که در صورت خرید اوراق، بانک مرکزی قیمت آن را بالابرده و نرخ سود در آینده کاهش می‌یابد، تقاضایشان برای اوراق در زمان حال افزایش خواهد یافت. دولت نیز می‌تواند هم‌زمان مبادرت به فروش اوراق با سررسید بالاتر و نرخ‌های پایین‌تر نماید. فرایند مذکور تا جایی ادامه می‌یابد که نرخ‌ها به نرخ هدف بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی نزدیک شده و با مدیریت بازار بین‌بانکی توسط بانک مرکزی در حول و حوش آن نوسان کند. مجدداً تأکید می‌گردد که لازمه موفقیت در کنترل نرخ‌های سود اوراق و به تبع آن نرخ بازار بین‌بانکی، هماهنگی بانک مرکزی و دولت است.

با توجه به مطالب گفته‌شده و شرایط فعلی اقتصاد کشور، تکیه کامل بر سیاست‌های پولی، به عنوان مثال افزایش نرخ سود یا کاهش نرخ سود، هر یک می‌توانند اثرات نامطلوبی بر اقتصاد از ناحیه ایجاد رکود یا افزایش تورم به همراه آورند؛ از این رو به نظر می‌رسد بهترین راه کار، اجرای تدریجی و هدفمند چارچوب جدید سیاست گذاری پولی (استفاده از عملیات بازار باز و برقراری کریدور نرخ سود، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های چارچوب جدید سیاست گذاری پولی) و همچنین رعایت الزامات آن متناسب با سیاست جهش تولید است؛ به طوری که با کنترل انتظارات تورمی و ثبات قیمت‌ها، زمینه کمک به ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشور ایجاد شود. مهم‌ترین سیاست‌های این حوزه به شرح جدول ذیل است:

جدول ۵. سیاست تأمین مالی و هدایت اعتبار

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۱	هدایت نقدینگی به سمت بسترهای جهش تولید؛	* حمایت از کارآفرینی * جهت‌دهی نقدینگی به سمت تولید	* تخصیص خط اعتباری ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برای بخش‌های پیش‌ران اقتصاد	بانک مرکزی ج.ا.ا.	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * وزارت صنعت، معادن و تجارت
۲	ایجاد ظرفیت در بازار بدهی از طریق عملیات بازار باز	* پشتیبانی از تأمین منابع بودجه‌ای	* تعیین دامنه مناسب نرخ سود هدف و حمایت از آن در بازار بدهی	بانک مرکزی ج.ا.ا.	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۳	اعطای خطوط اعتباری به بانک‌ها و تعمیق بازار بین‌بانکی	* تقویت توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها	* اعطای خط اعتباری به بانک‌ها تا معادل ۵۰ درصد سپرده قانونی آن‌ها	بانک مرکزی ج.ا.ا.	کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری کشور
۴	اولویت اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌های ارائه‌دهنده برنامه مشخص و عملیاتی جهش تولید با اولویت ویژه برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی	* مدیریت خلق نقدینگی و هدایت اعتبار به سمت جهش تولید	* رشد ۴۰ درصدی حجم تسهیلات سرمایه در گردش نسبت به ابتدای سال	بانک‌ها	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * بانک مرکزی ج.ا.ا.
۵	اولویت تأمین مالی تولید صادراتی از منابع صندوق توسعه ملی	* بهره‌گیری مناسب از منابع صندوق توسعه ملی * اعطای اعتبار به	* تجهیز چهار هزار میلیارد تومان منابع با نرخ ترجیحی برای اعطای	صندوق توسعه ملی	بانک‌های عامل

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
		طرف‌های تجاری ایران * مشارکت صندوق توسعه ملی در تسهیم ریسک صادرات	تسهیلات به صادرکنندگان * سپرده‌گذاری یک میلیارد یورو توسط صندوق توسعه ملی در بانک‌های عامل برای اعتبار خریدار، تجهیز کارگاه و سرمایه در گردش		
۶	تعریف طرح‌های ملی و مشارکت بانک‌های تخصصی و بازار سرمایه در تأمین مالی این طرح‌ها در بخش‌های مسکن، پتروشیمی، معدنی و...	تقویت عرضه و تقاضا در اقتصاد	* تعریف طرح ملی تولید در بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن، صادرات و تعاون * تأمین حداقل ۲۰ درصد از منابع طرح‌های ملی توسط بانک‌های تخصصی * تأمین ۶۰ درصد از منابع از بازار سرمایه و بدهی	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * سازمان بورس و اوراق بهادار	* وزارت صنعت، معدن و تجارت * وزارت جهاد کشاورزی * وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی * وزارت راه و شهرسازی، * بانک مرکزی ج.ا.ا.
۷	اجرای کامل تکالیف قانونی فروش دارایی‌های مازاد بانک‌ها و تسریع در واگذاری واحدهای	* انجماد زدایی از دارایی‌های راکد * بهبود وضعیت ترازنامه بانک‌ها * تأمین نقدینگی	اتمام تکالیف قانون رفع موانع تولید تا پایان سال ۱۳۹۹	کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری کشور	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * بانک مرکزی ج.ا.ا.

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	تملیکی بانک‌ها تا پایان سال	موردنیاز بانک‌ها * تقویت توان تسهیلات دهی بانک‌ها			
۸	استفاده از ظرفیت بازارهای بدهی و سرمایه برای تأمین مالی منابع موردنیاز تولید به‌خصوص از طریق طراحی ابزارهای مالی ترکیبی بدهی-سهم و صندوق پروژه‌ها	* توسعه نقش بازار سرمایه در بخش واقعی اقتصاد * ایجاد گزینه‌های جدید سرمایه‌گذاری برای مردم	* انتشار حداقل ۳۰۰ هزار میلیارد ریال اوراق بدهی و اوراق بدهی قابل تبدیل به سهم برای بخش خصوصی * راه‌اندازی صندوق پروژه به ارزش ۲۰۰ هزار میلیارد ریال	سازمان بورس و اوراق بهادار	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * سازمان برنامه و بودجه بانک مرکزی * بانک‌ها
۹	افزایش ظرفیت و سهم ابزارهای اعتباری بانکی برای تولیدکنندگان در قالب‌هایی نظیر اعتبار اسنادی داخلی، طرح گام و فکتورینگ	* تأمین مالی غیرترمی سرمایه در گردش موردنیاز زنجیره ارزش	* راه‌اندازی و افزایش ظرفیت طرح گام تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان * راه‌اندازی طرح فکتورینگ تا ۵۰ هزار میلیارد تومان * راه‌اندازی طرح برات تضمینی تا ۵۰ هزار میلیارد تومان	* بانک مرکزی ج.ا. * سازمان برنامه و بودجه * وزارت امور اقتصادی و دارایی	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * وزارت صنعت، معدن و تجارت * سازمان بورس و اوراق بهادار
۱۰	بهره‌گیری از ابزارهای اعتباری بانکی برای مصرف‌کنندگان در	* ایجاد تقاضای مؤثر برای کالای ساخت داخل	* اعطای کارت اعتباری و تسهیلات خرید اعتباری به ۵ میلیون نفر	بانک مرکزی ج.ا.	کلیه بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری کشور

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	راستای تسهیل فروش اعتباری محصولات تولید داخل به‌ویژه کالای نیمه بادوام				
۱۱	تقویت و توسعه کانال افزایش سرمایه از محل آورده نقدی، صرف سهام یا سلب حق تقدم شرکت‌های بورسی و افزایش پذیرش شرکت‌های جدید در بورس؛	*افزایش ظرفیت تولید شرکت‌های بورسی *تأمین منابع برای طرح‌های سرمایه‌گذاری جدید سهامدار عمده	* ۴۰۰ هزار میلیارد ریال افزایش سرمایه نقدی شرکت‌های بورسی *پذیرش شرکت‌های جدید به ارزش ۵ میلیون میلیارد ریال	*سازمان بورس و اوراق بهادار	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *وزارت صنعت، معدن و تجارت *وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی *نهادهای بخش عمومی
۱۲	تسریع در فروش باقی‌مانده سهام دولت به صورت ETF	*تأمین مالی دولت	* واگذاری ۵۰۰ هزار میلیارد ریال از سهام دولت	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *سازمان خصوصی- سازی *سازمان بورس و	وزارت امور اقتصادی و دارایی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
				اوراق بهادار	
۱۳	ایجاد حساب سپرده بازار پول، ۵ گواهی سپرده بانکی و استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت	*تعمیق بازار بدهی *تأمین اوراق بهادار موردنیاز بانک‌ها در بازار بین‌بانکی	*ایجاد امکان جذب سپرده بازار پول به میزان ۶۰۰ هزار میلیارد ریال در شبکه بانکی *افزایش سهم اوراق دولتی و کاهش سهم سهام در پرتفوی صندوق‌های با درآمد ثابت	بانک مرکزی ج.ا. سیستم بانکی سازمان بورس و اوراق بهادار	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۴	ایجاد مؤسسات تضمینی بیمه‌ای جهت ارائه ضمانت‌نامه‌های مختلف شبیه ضمانت‌نامه‌های بانکی برای کارخانه‌ها و شرکت‌های تولیدی	*ایجاد تنوع و گسترش خدمات مالی	تأسیس و شروع به فعالیت حداقل یک مؤسسه تا پایان سال	بیمه مرکزی ج.ا. ج.ا.	*بانک مرکزی ج.ا. *وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۵	ارائه محصولات بیمه اعتباری به	*تقویت تقاضای تولید داخل	* اجرای محصول و ایجاد ظرفیت ۵۰	بیمه مرکزی ج.ا. ج.ا.	*بانک مرکزی ج.ا. ایران

5. Money Market Deposit Account (MMDA)

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	شرکت‌های تولیدی جهت فراهم‌نمودن امکان توسعه فروش اعتباری محصولات تولیدی	* گسترش اعتبار تجاری بین بنگاه‌ها	هزار میلیارد ریال تا پایان سال		* وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۶	ارائه و صدور بیمه‌نامه‌های تضمین کیفیت محصولات	* حمایت از تولیدکنندگان در مقابل کارگران و اشخاص حقیقی و حقوقی	* اجرای محصول و ایجاد ظرفیت ۱۰ هزار میلیارد ریال تا پایان سال	بیمه مرکزی ج.ا.ا.	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۱۷	شناسایی بخش‌های پیش‌ران و راهبردی در زمینه جهش تولید و اولویت‌دهی در زمینه حمایت اعتباری و بانکی	* حمایت از صنایع پیش‌ران و استراتژیک	* تدوین برنامه توسعه بخش‌های پیش‌ران اقتصاد	وزارت صنعت، معدن و تجارت	* بانک مرکزی ج.ا.ا. * وزارت امور اقتصادی و دارایی، * سازمان برنامه‌وبودجه
۱۸	ایجاد بستر قانونی و نظارتی ویژه برای بانک‌های تخصصی در جهت تقویت نقش آن‌ها در جهش تولید	* انجام وظایف بانک‌های توسعه‌ای توسط بانک‌های تخصصی	* تدوین و اجرای مقررات نظارتی ویژه بانک‌های تخصصی * تعیین تکلیف بدهی دولت به بانک‌های تخصصی و تسویه ۳۰ درصد از آن	بانک مرکزی ج.ا.ا. وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان برنامه‌وبودجه	کلیه بانک‌های تخصصی،
۱۹	تجهیز منابع بانک‌ها از طریق ایجاد صندوق پروژه و	* تجمیع منابع موردنیاز طرح‌ها و تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح‌های	* تشکیل صندوق پروژه‌های متناظر با طرح‌های ملی	بانک‌ها سازمان بورس اوراق	* وزارت امور اقتصادی و دارایی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	انتشار اوراق بهادار در بازار سرمایه	کلان *انتقال و هدایت پول به بخش‌های تولیدی	*تسهیل مقررات بهره‌برداری بانک‌ها از بازار سرمایه به‌ویژه در حوزه صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه	بهادار بانک مرکزی ج.ا.ا.	*سازمان برنامه‌وبودجه
۲۰	تسریع در تصویب قانون مشارکت عمومی - خصوصی و اجرای آن برای طرح‌های بالای ۵۰ درصد	* استفاده از ابزار مشارکت عمومی - خصوصی * جبران کمبود منابع عمومی	* تصویب قانون و آیین‌نامه‌ها تا نیمه سال * اجرای حداقل ۵ طرح بزرگ با مدل مذکور	سازمان برنامه‌وبودجه	* بانک مرکزی ج.ا.ا. * وزارت امور اقتصادی و دارایی، * وزارت صنعت و معادن و تجارت

۴-۳. تقویت سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری تولید

مقوله سرمایه و سرمایه‌گذاری در فرایند توسعه اقتصادی، از اهمیت ویژه و بنیادین برخوردار بوده است؛ بر این اساس، دولت‌ها با وضع و اعمال قوانین و مقررات خاص، ایجاد بسترها و بهبود زیرساخت‌های لازم، استفاده بهینه از منابع، امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و به‌کارگیری مدیریت منابع، توجه لازم را برای دستیابی به جهش تولید معطوف داشته تا از این طریق، زمینه‌های تحول و پیشرفت کشور و دستیابی به رشد اقتصادی را فراهم آورند.

بررسی روند تغییرات سرمایه‌گذاری، بیانگر وضعیت نامطلوب این متغیر به‌ویژه در سال‌های اخیر است. علی‌رغم تأکید بسیار بر ضرورت جذب هرچه بیش‌تر سرمایه‌گذاری در قوانین بالادستی، در عمل این مهم محقق نشده و حتی در مواقعی، کشور با فرار سرمایه بالا مواجه بوده است. با عنایت به نام‌گذاری سال ۱۳۹۹، توجه به مقوله سرمایه‌گذاری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و ضروری است در ابتدا علل و عوامل مختلف در به‌وجودآمدن این مسئله، مورد بررسی قرار گیرد. از جمله عوامل تأثیرگذار در این زمینه، می‌توان به تشدید خروج سرمایه از کشور، اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر جذب منابع خارجی و وجود مشکلات نهادی و ساختاری اشاره نمود که در ادامه به هریک از این موارد پرداخته می‌شود و سپس، سیاست‌های متناسب در این زمینه، در بسته سیاستی سال ۱۳۹۹ ارائه خواهد شد.

❖ اثر تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری و منابع مالی خارجی

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، به‌ویژه تحریم‌های مالی این کشور پس از خروج از برجام، آثار منفی مشهودی در روند انعقاد خطوط اعتباری، انعقاد موافقت‌نامه‌های وام بین دولتها و ورود سرمایه لازم برای اجرای پروژه‌ها داشته است.

جلوگیری از برقراری ارتباطات مالی با کشورهای دیگر و توقف در فرایند فاینانس، اقتصاد ایران را از مواهب این روش تأمین مالی محروم می‌دارد. در حال حاضر بیش از ۱۰۰ پروژه در کشور نیازمند تأمین مالی و متقاضی تأمین مالی خارجی می‌باشند. از این تعداد، ۷ پروژه احداث بیمارستان، ۸ پروژه مربوط به انتقال آب و احداث یا نوسازی

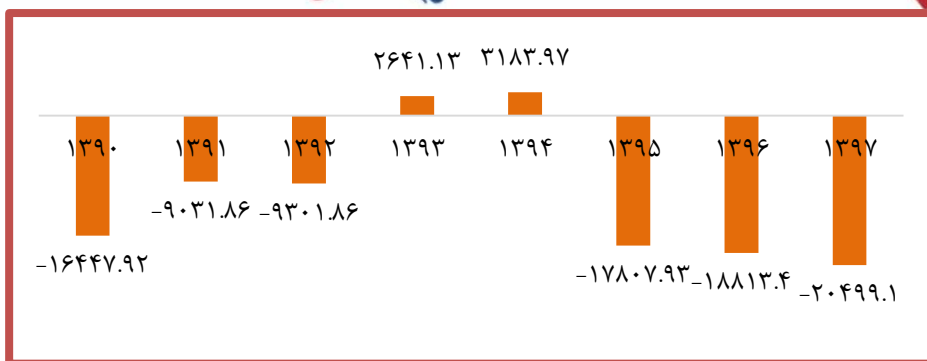
تصفیه‌خانه فاضلاب و ۷ پروژه قطار شهری بوده و سایر پروژه‌ها نیز در بخش ترانزیت جاده‌ای، ریلی و هوایی، صنعت و کشاورزی بوده‌اند. بدیهی است، توقف فرایند تأمین مالی این پروژه‌ها بر شاخص‌های توسعه اقتصادی کشور، تأثیر منفی و مستقیم داشته و مانع توسعه‌یافتگی بخش‌های زیرساختی کشور می‌شود.

خسارات ناشی از خروج آمریکا از برجام تنها محدود به موارد فوق‌الذکر نمی‌شود؛ بلکه منجر به اتلاف هزینه‌های بسیاری نیز شده است؛ به‌طوری‌که متقاضیان طرح‌ها برای تهیه گزارش‌های توجیهی، دریافت مجوزها، انعقاد قرارداد تجاری با فروشنده خارجی و ایجاد زیرساخت‌های عمرانی وقت و هزینه بسیار زیادی صرف کرده‌اند. لازم به ذکر است، این هزینه‌ها تنها محدود به مجریان طرح‌ها نبوده؛ بلکه سایر دستگاه‌ها و نهادهای دخیل از جمله بانک مرکزی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، بانک‌های تجاری ذی‌ربط و دستگاه اجرایی مربوطه هزینه‌های فراوانی را برای انجام مذاکرات و تجهیز بیش از ۳۰ میلیارد دلار خط اعتباری و وام بین‌دولتی متحمل شده‌اند. با توجه به آنکه تا پایان سال ۱۳۹۶ پروژه‌هایی در حوزه حمل‌ونقل ریلی، نیروگاه، بیمارستان، تولید کاغذ، فولاد و پالایشگاه به مبلغ حدود ۱۴ میلیارد دلار به طرف خارجی واگذار شده‌اند که هیچ‌کدام تأمین مالی نشدند، نمی‌توان از میزان ایجاد اشتغال برای عموم و افزایش میزان تولید، کاهش خسارات زیست‌محیطی، صرفه‌جویی در زمان و سلامت عمومی، برآورد اولیه‌ای داشت؛ بنابراین اجرای سیاست‌های متناسب با شرایط تحریم و جذب منابع مالی از کشورهای شریک تجاری ایران و انعقاد

همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند نقش مؤثری در رفع مشکلات یادشده، داشته باشد.

❖ خروج سرمایه از کشور

یکی از مشکلات اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر که باعث کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده است، خروج سرمایه از کشور توسط این بخش بوده است. شاخص مناسب جهت بررسی میزان خروج سرمایه از کشور خالص حساب سرمایه است. بررسی تراز حساب سرمایه (غیردولتی) در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که در تمامی سال‌ها به جز سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ این تراز منفی بوده است. عمده‌ترین دلیل مثبت‌شدن این تراز در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، شکل‌گیری فضای روانی مثبت، در نتیجه روی کار آمدن دولت یازدهم و همچنین تصویب برجام بوده است؛ اما این روند تداوم نیافته است و از سال ۱۳۹۵ مجدداً تراز حساب سرمایه منفی شد و در ادامه این کاهش در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تشدید شد. مواردی از قبیل نبود ثبات اقتصادی، نوسان و بالا رفتن نرخ ارز، تکنولوژی نامناسب تولید و بازگشت مجدد برخی تحریم‌ها و همچنین شکل‌گیری نااطمینانی در پی خروج ایالات متحده از برجام، از دلایل منفی‌شدن تراز حساب سرمایه بوده‌اند.



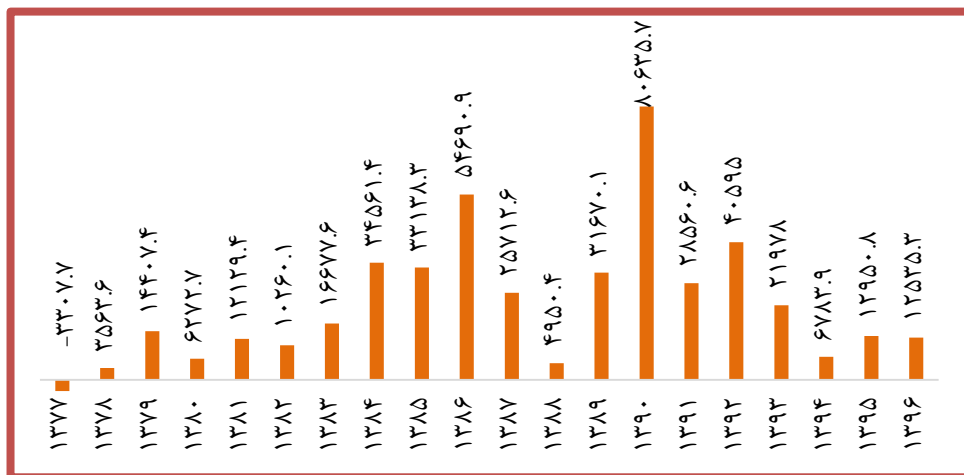
مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۲۵. تراز حساب سرمایه (غیردولتی) طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷

بانک جهانی برای محاسبه فرار سرمایه، فرمول زیر را پیشنهاد کرده است:

$$CF_w = H + B + A + F$$

که در آن، H تغییر در بدهی خارجی، B خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، A مازاد حساب جاری و F تغییر در ذخایر را نشان می‌دهند. محاسبه فرار سرمایه بر اساس این فرمول برای اقتصاد ایران حاکی از آن است که در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۶ بیش‌ترین فرار سرمایه از کشور در سال ۱۳۹۰ به وقوع پیوسته است. بر این اساس، اگرچه با آغاز به کار دولت یازدهم تا سال ۱۳۹۴ فرار سرمایه کاهش یافته است؛ اما از سال ۱۳۹۵ این روند معکوس شده و مجدداً روند صعودی پیدا کرده است.



مأخذ: بانک مرکزی ج.ا.

نمودار ۲۶. فرار سرمایه طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۶

در تحلیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توجه به رتبه ریسک اعتباری کشور نیز ضروری است. این رتبه توسط OECD اعلام و سالانه سه بار بازنگری می‌شود. این رتبه اعتباری در واقع ریسک سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. هر کشوری که ریسک سرمایه‌گذاری کمتری داشته باشد، رتبه اعتباری بهتری دارد. رتبه ۱ بهترین و رتبه ۷ بدترین جایگاه را نشان می‌دهد. برخی شاخصه‌ها در تعیین رتبه اعتباری کشورها تأثیر دارند که از جمله می‌توان به رشد تولید ناخالص ملی، رشد اقتصادی، نسبت بدهی‌های ملی، نسبت ذخایر ارزی یک کشور و سایر شاخصه‌ها اشاره کرد.

بهبود رتبه اعتباری تأثیرات مثبت زیادی در جذب منابع مالی خارجی دارد؛ به عنوان مثال، هنگامی که کشورهای عضو OECD بخواهند در قالب تأمین مالی به کشوری وام بدهند، این رتبه را مدنظر قرار می‌دهند. در واقع هنگامی که رتبه اعتباری یک کشور

بهبود پیدا کند، هزینه تأمین مالی کاهش پیدا می‌کند؛ چراکه ریسک کمتر می‌شود؛ اما نکته دیگر این است که همین رتبه اعتباری به‌صورت کلان تأثیر زیادی بر سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه خارجی دارد؛ چراکه یک شاخص اقتصادی مهم است و توسط سرمایه‌گذاران خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع رتبه اعتباری نشان می‌دهد که ریسک یک کشور برای انجام سرمایه‌گذاری چقدر است.

قبل از سال ۱۳۸۵ ریسک اعتباری کشور ایران ۴ بوده و بر این اساس ایران در بین کشورهای با ریسک متوسط بود. پس از آن به‌واسطه مسائل مختلفی از جمله بی‌ثباتی موجود در سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم و تشدید تحریم‌های اقتصادی ریسک اعتباری کشور به ۷ رسید. همین مسئله باعث افت شدید جذب سرمایه خارجی در اقتصاد ایران شد. در نهایت با روی کار آمدن دولت یازدهم و برقراری ثبات نسبی در برخی متغیرهای اقتصادی مثل تورم و نهایتاً تصویب برجام، ریسک اعتباری کشور در اکتبر ۲۰۱۷ به ۶ و سپس در ژانویه ۲۰۱۸ به ۵ کاهش یافت؛ اما پس از خروج ایالات متحده از برجام در می ۲۰۱۸ این رتبه مجدداً به ۶ تنزل یافت. ریسک انتقال ارز و تبدیل ذخایر ارزی از عمده‌ترین دلایل این تنزل رتبه بوده‌اند.

❖ عوامل نهادی و ساختاری

تحریک سرمایه‌گذاری بیش از هر چیز نیازمند وجود فضای رقابتی، محیط کسب‌وکار مناسب و قوانین و مقررات کارآمد در کنار مشوق‌های لازم است. بهترین معیارها برای سنجش وضعیت کشور شاخص‌های بهبود فضای کسب‌وکار و رقابت‌پذیری هستند.

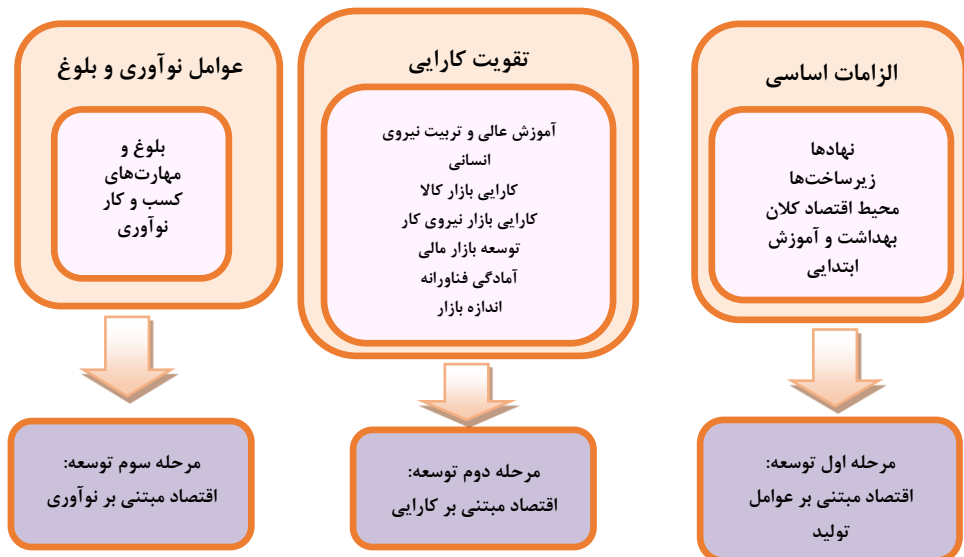
بر اساس تعریف مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری، مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که به تعیین سطح بهره‌وری یک کشور می‌پردازد. سطح بهره‌وری به عنوان نرخ بازگشت سرمایه‌گذاری در اقتصاد و نیز توانایی یک کشور در رسیدن به سطح بالایی از درآمد تعریف می‌شود؛ بنابراین مفهوم رقابت‌پذیری شامل اجزای ایستا و پویا است. در گزارش سالانه مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری کشورها از سه بُعد قرار گرفتن در مراحل توسعه، ارکان دوازده‌گانه شاخص رقابت‌پذیری و نظرسنجی از مدیران کسب‌وکار کشورها به منظور بررسی مهم‌ترین چالش‌های رقابت‌پذیری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی بر اساس ارکان دوازده‌گانه‌ای که در ۳ زیرشاخص اصلی الزامات اساسی، عوامل افزایش کارایی و عوامل نوآوری و بلوغ قرار دارند، محاسبه می‌شود. بر این اساس، ارکان الزامات اساسی، نهادها، زیرساخت‌ها، محیط اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی هستند. ارکان عوامل افزایش کارایی مشتمل بر مواردی چون آموزش عالی و حرفه‌ای، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناورانه و اندازه بازار؛ و ارکان عوامل نوآوری و بلوغ شامل بلوغ و مهارت کسب‌وکار و نوآوری است.

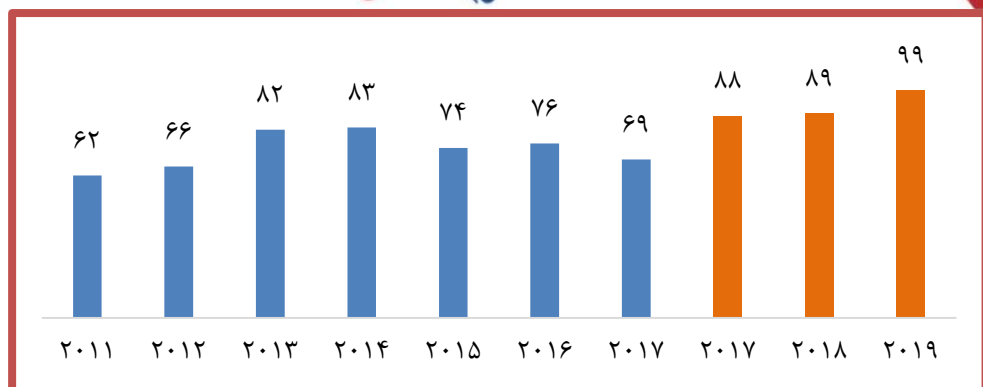
رتبه کشورها از طریق محاسبه میانگین وزنی آن‌ها مشخص می‌شود. این شاخص به طور کمی در محدوده ارقام ۱ تا ۷ قرار می‌گیرد؛ به طوری که هرچه شاخص به عدد ۷ نزدیک‌تر باشد، قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است.

رکن محیط اقتصاد کلان، با دارا بودن سهم ۲۵ درصدی در محاسبه شاخص، ازجمله ارکان مهم این شاخص محسوب می‌شود. زیرشاخص‌های این رکن توازن بودجه، نرخ پس‌انداز ملی، تورم، بدهی‌های عمومی دولت و رتبه اعتباری کشور هستند که همگی به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم ناظر بر عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری هستند. رکن کارایی بازار کالا نیز با سهم ۱۷ درصدی در محاسبه شاخص، شامل زیرشاخص‌هایی هم‌چون تأثیر مالیات بر انگیزه سرمایه‌گذاری، شدت رقابت داخلی، تعداد مراحل و روزهای شروع کسب‌وکار است که این عوامل نیز همگی ناظر بر سرمایه‌گذاری هستند. نهایتاً رکن سطح توسعه بازارهای مالی با سهم ۱۷ درصدی در محاسبه شاخص از طریق زیرشاخص‌هایی هم‌چون تأمین مالی از طریق بورس، سهولت دسترسی به وام و حمایت‌های قانونی از وام‌دهنده و وام‌گیرنده به پایش سرمایه‌گذاری می‌پردازد. بر اساس آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد در خصوص وضعیت رقابت‌پذیری کشور، از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ رتبه کشور در این شاخص افزایش یافته است. سپس با روی کار آمدن دولت یازدهم و دوازدهم با توجه به اقدامات صورت‌پذیرفته، در سال ۲۰۱۷ رتبه کشور در شاخص مذکور به ۶۹ تنزل یافت؛ لیکن پس از وقوع بحران‌های ارزی و افزایش نااطمینانی در اقتصاد در پی خروج ایالات متحده از برجام مجدداً رتبه کشور در این شاخص افزایش یافت و به ۹۹ در سال ۲۰۱۹ رسید. مهم‌ترین عامل اثرگذار در افزایش رتبه اخیر می‌تواند عدم ثبات اقتصاد کلان کشور باشد که یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در این شاخص است.

ارکان دوازده گانه



شکل ۱. رابطه ۱۲ رکن رقابت پذیری و سطوح توسعه



مأخذ: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد

نمودار ۲۷. شاخص رقابت‌پذیری طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۹

نکته: روش محاسبات از سال ۲۰۱۸ تغییر یافته و عدد سال ۲۰۱۷ بر اساس روش جدید بازبینی شده است.

در بررسی میزان حصول هدف حکم قانونی مصرح در برنامه ششم توسعه درخصوص رقابت‌پذیری، مشاهده می‌گردد که جایگاه ایران در شاخص رقابت‌پذیری از میان ۱۹ کشور سند چشم‌انداز، در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۸ دو پله تنزل یافته و از رتبه چهاردهم به شانزدهم رسیده است. تنها سه کشور تاجیکستان، پاکستان و یمن، به لحاظ شاخص رقابت‌پذیری جهانی، رتبه‌های پایین‌تر از ایران را کسب کرده‌اند. همچنین در میان کشورهای سند چشم‌انداز، کشورهای امارات، قطر و عربستان، بهترین عملکرد را در سال ۲۰۱۹ داشته‌اند.

دراختیارداشتن دانش و فناوری و توان به‌کارگیری آن، به‌عنوان یک عامل کلیدی در خلق ثروت و قدرت برای کشورها به‌شمار می‌رود و به همین دلیل، جایگاه خاصی را در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه به خود اختصاص داده است. در این راستا، در بندهای دوم و ششم «سند

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، به‌صورت صریح به موضوع علم و فناوری پرداخته شده است.

همچنین در بند دوم «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی»، پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری، به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و محصولات و خدمات دانش‌بنیان و نیز دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه، تصریح گردیده است. از سوی دیگر، ماده ۶۴ «قانون برنامه ششم توسعه» بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، افزایش بهره‌وری، گسترش تعاملات بین‌المللی و نقش آحاد جامعه در مدیریت علمی تأکید داشته و در ماده ۶۵ همان قانون، افزایش درون‌زایی اقتصاد با رعایت قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مورد تأکید قرار گرفته است. مضاف بر اینکه، «قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات» به مشارکت شرکت‌های خارجی برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری در حوزه انرژی توجه ویژه شده است. بر این اساس، در بسته سیاستی سال ۱۳۹۹، برای ارتقای سطح فناوری در تولیدات کشور، به حمایت از ارتقای فناوری و روزآمد کردن آن در واحدهای تولیدی، تقویت توان شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از آن‌ها در ارتقای فناوری واحدهای غیرفعال یا زیر ظرفیت تولیدی، پرداخته شده است تا از این منظر، بتوان به جهش تولید کمک کرد.

جدول ۶. تقویت سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری تولید

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۱	اعمال ابزارهای مدیریت و نظارت پروژه به‌منظور تکمیل به‌موقع طرح‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه طرح‌های از محل فاینانس‌های خارجی و تسهیلات سازمان‌های بین‌المللی	کاهش تأخیر زمان تکمیل و بهره‌برداری طرح‌های سرمایه‌گذاری	تدوین آیین‌نامه نظارت و مدیریت پروژه طرح‌های سرمایه‌گذاری	سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران	بانک مرکزی ج.ا.ا.
۲	پیگیری اجرای توافقات بین کشوری و منطقه‌ای به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی با چین و منطقه اوراسیا و اقدام برای ایجاد شهرک‌ها و مناطق ویژه اقتصادی مشترک با کشورهای همسایه	* توسعه روابط تجاری * ایجاد بستر جهش صادرات	* افزایش ۵ درصدی سهم تجارت با اوراسیا از کل تجارت خارجی * ایجاد حداقل دو شهرک یا منطقه مشترک اقتصادی	وزارت امور اقتصادی و دارایی	* گمرک ج.ا.ا. * سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران * سازمان توسعه تجارت * وزارت امور خارجه
۳	اولویت تخصیص اعتبار برای طرح‌های ناتمام سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با پیشرفت بالاتر از ۸۰ درصد	* تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام * ایجاد اشتغال و رشد تولید	* تخصیص ۷۰ درصد تسهیلات ایجاد بانک‌ها به طرح‌های مذکور	* بانک‌ها * بانک مرکزی ج.ا.ا.	* وزارت امور اقتصادی و دارایی، * وزارت صنعت و معدن و تجارت
۴	استفاده از روش‌های تسهیلات سندیکایی (داخلی یا با مشارکت نهادهای مالی خارجی) و تأمین مالی پروژه‌ای برای تأمین منابع طرح‌های بزرگ سرمایه‌گذاری	* توسعه و تنوع روش‌های تأمین مالی * افزایش قابلیت تأمین مالی طرح‌ها	* اجرای حداقل ۲ طرح بزرگ با مدل مذکور	* وزارت امور اقتصادی و دارایی * سازمان برنامه و بودجه * بانک مرکزی ج.ا.ا. * سیستم بانکی	* وزارت صنعت و معدن و تجارت * سایر وزارتخانه‌های تخصصی
۵	حمایت از ارتقای فناوری تولید و روزآمد کردن آن در واحدهای تولیدی و تکمیل زنجیره پیوند بنگاه‌های خرد و متوسط به بنگاه‌های بزرگ	* فعال نمودن واحدهای غیر مولد * بالا بردن ظرفیت تولید	* اعطای یارانه نرخ سود * استفاده از سرمایه‌گذاری خطرپذیر	* سازمان برنامه و بودجه کشور * معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	وزارتخانه‌های تخصصی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۶	اولویت‌دهی و پیش‌بینی تسهیلات و مشوق‌های ویژه به سرمایه‌گذاران خارجی با طرح‌های صادرات‌گرا و دارای فناوری بالا	توسعه صادرات ارتقای فناوری تولید	نرخ ترجیحی تسهیلات و مشوق‌های ویژه سرمایه‌گذاری	وزارت امور اقتصادی و دارایی	* سازمان توسعه تجارت * بانک‌ها
۷	تقویت توان شرکت‌های دانش‌بنیان و استفاده از آن‌ها در ارتقای فناوری تولید واحدهای غیرفعال یا زیر ظرفیت	*ارتقای ظرفیت تولید *افزایش نوآوری و بهره‌وری	سرمایه‌گذاری خطرپذیر در واحدهای غیرفناور به میزان ۵ هزار میلیارد تومان	معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	*وزارتخانه‌های تخصصی، * بانک مرکزی ج.ا.ا.
۸	حمایت از توسعه تولیدات صنایع تکمیلی و تبدیلی بخش کشاورزی با اتخاذ رویکرد صادرات محوری	*ارتقای تولید صادراتی *بهره‌برداری از مزیت‌های تولید	رشد ۲۰ درصدی تولید در صنایع تبدیلی	وزارت صنعت، معدن و تجارت	وزارت جهاد کشاورزی
۹	حمایت از ایجاد و آغاز فعالیت تعدادی بنگاه متوسط و بزرگ در حوزه صنایع نوین و پیشرفته	حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان	ایجاد ۱۰ بنگاه تولیدی در این حوزه	معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	وزارت صنعت، معدن و تجارت

۴-۴. سیاست مالی و بودجه‌ای

در سال ۱۳۹۹ با توجه به آثار و تبعات شیوع ویروس کرونا بر تشدید شرایط رکودی حاکم بر کشور از یک سو و همچنین پیامدهای ناشی از آن بر کاهش رشد اقتصاد جهانی و توأم با آن کاهش شدید قیمت نفت خام و به‌ویژه قیمت نفت خام صادراتی ایران به یک‌سوم قیمت پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال جاری از سوی دیگر، ایجاب می‌نماید سیاست‌های حوزه مالی و بودجه‌ای جهت مواجهه با شرایط انقباضی اقتصاد و تحقق جهش تولید در سال جاری، با محوریت ارتقای نظام تأمین مالی دولت و اجتناب

از تشدید کسری بودجه (ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و غیرنفتی و همچنین تحمیل هزینه‌های مربوط به جبران خسارات ناشی از ویروس کرونا بر کسب‌وکارها و ...) تنظیم گردد؛ البته بخش عمده‌ای از سیاست‌های مالی در قالب احکام قانون بودجه سال جاری مدنظر قرار گرفته است؛ لیکن با عنایت به تحولات ایجادشده در عرصه بین‌المللی و همچنین تبعات مالی شیوع ویروس کرونا در عرصه داخلی به شرح مذکور، ضروری است الزامات و رویکردهای مشخصی در حوزه سیاست‌های مالی مدنظر قرار گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

❖ ارتقای درآمدهای مالیاتی با تأکید بر پایه‌های مالیاتی با ماهیت اخلاقی پایین و عدم تحمیل بار مالیاتی بر فعالان اقتصادی شفاف

با توجه به شرایط فوق‌الذکر، عدم تحقق کامل منابع درآمدی پیش‌بینی‌شده در بودجه و کسری قابل توجه بودجه دولت از چالش‌های نظام اقتصادی در سال ۱۳۹۹ خواهد بود. در این ارتباط اگرچه بخشی از کسری مذکور می‌تواند از طریق انتشار اوراق مالی و یا برداشت از منابع صندوق توسعه ملی و ... تأمین مالی گردد؛ لیکن تأمین بخشی از این کسری - علی‌رغم توصیه سیاست مالی ضد چرخه‌ای کاهش نرخ مالیات در شرایط رکودی حاکم بر کشور به خصوص در سال جهش تولید - از طریق افزایش سایر درآمدهای دولت از جمله درآمدهای مالیاتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به عبارت دیگر در شرایط رکودی فعلی که دولت با کسری بودجه مواجه می‌باشد، برای رفع چالش‌های پیش رو چاره‌ای جز تأمین منابع از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی با به کارگیری روش‌های مبتنی بر عدم تحمیل بار مالیاتی بر فعالان اقتصادی شفاف و همچنین تأکید

بیشتر بر پایه‌های مالیاتی دارای اخلال زایی پایین و افزایش درآمدها از محل سایر درآمدها ندارد.

❖ تسویه و تهاتر مطالبات بخش خصوصی از طریق صدور اوراق تسویه خزانه (نوع اول و دوم)

در راستای تسریع امور فعالان اقتصادی و پرهیز از افزایش هزینه‌های مبادله، موضوع تهاتر مطالبات و بدهی‌های افراد و دولت در قالب اوراق (اسناد) تسویه خزانه (نوع اول) در بند (الف) ماده (۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، مورد تأکید قرار گرفت. در شرایط فعلی، تسریع در انتشار و تحویل این اوراق و همچنین روان‌سازی فرایند پذیرش آن در دستگاه‌های اجرایی کشور بسیار حائز اهمیت بوده و گامی در جهت رفع مشکلات و تسریع در اجرای فرآیندهای اداری فعالان اقتصادی محسوب می‌گردد.

لازم به ذکر است با انتشار اوراق مذکور زمینه برای تسویه بخشی از بدهی‌های دولت به پیمانکاران و در نتیجه ایجاد تحرک در بخش پیمانکاری و به تبع آن افزایش تقاضا در بازار محصولات مورد استفاده در بخش پیمانکاری فعال در صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم گردیده است که این موضوع موجبات رفع موانع تولید به‌ویژه در حوزه اخذ تسهیلات بانکی و اجتناب از افزایش هزینه‌های تولید بخش خصوصی را به دنبال داشته است. همچنین در قانون بودجه سال جاری این موضوع از طریق پیش‌بینی معادل ۵۰ هزار میلیارد ریال اوراق تسویه مورد تأکید قرار گرفته است که به نظر می‌رسد

با استمرار فرآیند مذکور، بخشی از مشکلات و نارسایی تولید در بخش خصوصی از این طریق مرتفع گردد.

علاوه بر موارد مذکور، انتشار اوراق تسویه چندوجهی از دیگر ابداعات مالی است که طی سال‌های گذشته و از جمله در قانون بودجه سال جاری در راستای رفع موانع بخش‌های تولید مطرح شده است، به نحوی که به موجب جزء (۲) بند (و) تبصره (۵) قانون بودجه سال جاری مقرر گردید مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی، خصوصی و تعاونی که در چارچوب قوانین و مقررات تا پایان سال ۱۳۹۸ ایجاد شده است و همچنین مطالبات نهادهای غیردولتی و صندوق‌های بازنشستگی و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و ... که تا پایان سال ۱۳۹۶ ایجاد شده است و ... با بدهی این اشخاص به بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات دولتی و در ادامه با تسویه بدهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به بانک مرکزی تا سقف ۳۰۰ هزار میلیارد ریال تسویه گردد. شایان ذکر است با اجرای این ابداع مالی، ضمن تسویه بخشی از مطالبات معوق و غیرجاری بخش غیردولتی به شبکه بانکی و اصلاح صورت‌های مالی بانک‌ها و پاک‌سازی آن‌ها از مطالبات غیرجاری و معوق و در نتیجه افزایش توان شبکه بانکی در ارائه انواع تسهیلات، از طریق تسویه بخشی از بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی ناشی از اضافه برداشت، موجبات کاهش بار مالی ناشی از پرداخت سود ۳۴ درصد را به دنبال خواهد داشت.

❖ تأمین منابع مالی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از طریق مولدسازی و یا فروش اموال مازاد و ناکارآمد دولت

حجم دارایی‌های دولت در ایران نسبت به ابعاد اقتصاد بسیار قابل توجه است. با این حال این دارایی‌ها لزوماً قادر به ثروت‌آفرینی و ایجاد درآمد برای دولت نیستند و به‌صورت ثروت غیرمولد انباشته شده‌اند. بنابراین نمی‌توان از آن‌ها برای تولید کالا و خدمات عمومی و یا بازپرداخت بدهی‌ها استفاده کرد. به‌رغم ابعاد بزرگ دارایی‌های دولت، استفاده بهینه از آن‌ها جهت درآمدزایی پایدار، به دلیل مشکلات شناسایی و ثبت املاک و مستغلات تحت مالکیت دولت و همچنین عدم هماهنگی و همراهی کامل دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قضایی تاکنون امکان‌پذیر نشده است. این در حالی است که برای مدیریت مناسب دارایی‌های دولتی بایستی تمام دارایی‌ها در اختیار دولت باشد و در مورد آن‌ها در یک نظام واحد تصمیم‌گیری شود. در این ارتباط باید اذعان نمود این موضوع تنها در ارتباط با بخشی از دارایی‌های دولت مدنظر قرار گرفته است، لیکن سایر دارایی‌های دولت یا در حال شناسایی‌اند یا فاقد سند، و یا سند برخی از آن‌ها به نام دستگاه‌های اجرایی است. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در ترتیبات فعلی قانونی کشور موضوع مولدسازی دارایی به جهت بروز تعارضات منافع دستگاه‌های اجرایی به طور جدی موردعنایت قرار نگرفته و این امر باعث گردیده است که دستگاه‌های اجرایی به‌شدت تمایل به تملک دارایی داشته باشند. زیرا در قبال استفاده از دارایی‌های مذکور، هزینه‌ای متوجه بودجه دستگاه نبوده، مضافاً آنکه منافع احتمالی از در اختیار داشتن دارایی نیز برای خود متصور می‌باشند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی طی سال‌های اخیر اقدامات متعددی را جهت بسترسازی مناسب استفاده از اموال و دارایی‌های دولت را به سرانجام رسانیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به راه‌اندازی سامانه سادا جهت ثبت دارایی‌های دستگاه‌های اجرایی و اختصاص رمز کاربری برای بیش از ۴۸۵۱ دستگاه اجرایی، تهیه پیش‌نویس لایحه جامع مدیریت اموال و دارایی‌های دولت، تحت پوشش قرار دادن بیش از ۹۰۰ دستگاه جهت برقراری نظام نوین اموال منقول غیرمصرفی و طراحی سامانه تحت وب نظام نوین اموال منقول غیرمصرفی و سامانه تحت وب خودروهای دولتی اشاره نمود. لیکن تحقق منابع پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال جاری مستلزم تکمیل سامانه سادا و لزوم بارگذاری اطلاعات اموال و دارایی‌های دستگاه‌های اجرایی در سامانه مذکور توسط دستگاه‌های اجرایی می‌باشد. مضافاً اینکه می‌بایست الگوی مناسبی جهت شناسایی دارایی‌های مازاد از طریق تدوین استاندارد سرانه مکانی متعلق به هر دستگاه توسط سازمان امور اداری و استخدامی ارائه گردد.

❖ تأمین مالی دولت از طریق اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

یکی از مهم‌ترین موارد تأمین مالی دولت اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی از طریق واگذاری سهام شرکت‌های دولتی است. این مهم از دو طریق یعنی تأمین مستقیم منابع بودجه (واریز نقدینگی حاصل از فروش سهام به خزانه دولت) و کاهش تصدی‌گری دولت و به تبع آن کاهش مخارج عمومی دولت، بودجه عمومی دولت را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این ارتباط لازم به ذکر است از زمان اجرای سیاست‌های

کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و قانون اجرای آن، یکی از روش‌های واگذاری شرکت‌های دولتی معطوف به اصلاح ساختار شرکت‌ها و به‌ویژه شرکت‌های زیان‌ده بوده است که باید اذعان نمود این رویکرد به جهت بار مالی مترتب بر اجرای آن از یک‌سو و رویکرد درآمدي صرف در امر واگذاری‌ها، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این امر باعث گردیده است در شرایط کنونی موضوع اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی با عنایت به ماهیت شرکت‌های باقیمانده در فهرست موارد مشمول واگذاری (که عمدتاً شرکت‌های دولتی زیان‌ده می‌باشد) و همچنین اجتناب از پیامدها و تبعات منفی مترتب بر واگذاری بنگاه‌های مذکور به بخش خصوصی (بدون انجام اصلاحات ساختاری در آن‌ها) در زمره اولویت‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد، به‌نحوی که مقرر گردیده است ۱۰ شرکت زیان‌ده تا پایان سال و پس از اصلاح ساختار آن‌ها به بخش خصوصی واگذار گردد.

بدیهی است در صورت تحقق رویکرد مذکور ضمن انجمادزدایی از دارایی‌های ناکارآمد و کم‌بازده و ارزش‌افزایی آن، انتظار بر آن است که زمینه برای کاهش هزینه‌های مربوط به استمرار بنگاهداری دولت در این شرکت‌ها از طریق اجتناب از تأمین ناترازی این بنگاه‌ها از محل منابع عمومی مهیا گردد. لازم به ذکر است در سال گذشته و از محل واگذاری شرکت‌های دولتی بالغ بر ۵۴ هزار میلیارد ریال به خزانه دولت واریز گردید و در سال ۱۳۹۹ نیز از این محل رقمی حدود ۱۲۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است (۱۲۱)

درصد رشد نسبت به سال قبل) که باید با سیاست‌گذاری مناسب و پس از اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی زیان‌ده امکان تحقق رقم مذکور فراهم شود.

❖ **بازنگری در الگوی تخصیص اعتبارات با تأکید بر تخصیص کامل اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعمال اصلاحات برای کاهش اعتبارات هزینه‌ای**

برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای در حوزه مالیه عمومی دولت، با توجه به گستره مالی دولت و اثرات ناشی از آن بر کارایی و اثربخشی تخصیص منابع و به تبع آن متأثر نمودن رشد اقتصادی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. اهمیت این موضوع در حال حاضر با توجه به محدودیت‌های بیشتر بر نظام مالیه عمومی از منظر اعمال تحریم‌ها و ایجاد تنگناهای بیشتر در حوزه جذب منابع خارجی، بیش‌ازپیش حائز اهمیت می‌باشد.

در ادوار گذشته کاهش هزینه‌های دولت عمدتاً از محل کاهش هزینه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت انجام شده است. اما تکرار این سیاست در سال ۱۳۹۹ با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، کاهش شدیدتر در سرمایه‌گذاری کل کشور را به همراه خواهد داشت که نتیجه آن کاهش موجودی سرمایه و نرخ بلندمدت رشد اقتصادی کشور و تبعات جبران‌ناپذیری آن در روند توسعه اقتصادی می‌باشد. ضمن اینکه اتخاذ سیاست مالی انقباضی با توجه به نقش آن به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، به افزایش نا اطمینانی در دیدگاه فعالان اقتصادی و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منجر خواهد شد. لذا یکی از مهم‌ترین توصیه‌های سیاستی در سال ۱۳۹۹

می‌بایست معطوف بر تخصیص کامل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اولویت‌بندی پروژه‌های نیمه‌تمام و درعین حال افزایش انضباط مالی در بودجه ۱۳۹۹ باشد. تخصیص کامل بودجه مصوب تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و علاوه بر آن تأمین منابع مالی مناسب از طریق سایر ابزارهای سیاستی در دسترس برای بخش خصوصی، مهم‌ترین عامل موفقیت این برنامه سیاستی خواهد بود. چرا که عمده مطالعات داخلی انجام گرفته مؤید اثر مثبت مخارج عمرانی بر ارتقای رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد و افزایش سهم مخارج عمرانی در بودجه‌های سنواتی تحرک رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

علاوه بر موارد مذکور، در کوتاه‌مدت و برای سال جاری می‌توان اصلاحاتی در حوزه اعتبارات هزینه‌ای دولت و صرفه‌جویی در اعتبارات مذکور را هدف‌گذاری و عملیاتی نمود. بخش مهمی از این هدف‌گذاری در ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ و در قالب احکام تبصره (۲۰) و (۲۱) آن مدنظر قرار گرفته است. مطابق مفاد تبصره‌های مذکور در راستای ارتقای انضباط مالی و بودجه‌ای دولت مقرر گردیده است تمامی دستگاه‌های اجرایی با شناسایی هزینه‌ها به تفکیک حقوق و دستمزد، غیر پرسنلی و سایر هزینه‌ها نسبت به تکمیل و استقرار کامل سامانه حسابداری قیمت تمام‌شده اقدام نمایند. همچنین بر اساس برنامه اصلاحات ساختاری بودجه که در ۱۰ محور (ازجمله محور هزینه کرد کارا) به تصویب شورای هماهنگی سران قوا رسیده است، پروژه‌هایی مشتمل بر بازتعریف نقش، ساختار و وظایف دولت، ایجاد کمیته بازبینی هزینه‌ها، حذف یا ادغام سازمان‌ها و تشکیلات غیرضروری و موازی، خرید خدمت و برون‌سپاری، خصوصی‌سازی

فعالیت‌های مشمول واگذاری در بخش عمومی و کاهش هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که به نظر می‌رسد با اجرای بسته مذکور و کاهش حداقل ۵ درصدی اعتبارات هزینه‌ای و تبیین گام‌های عملیاتی آن در سال جاری زمینه برای هدایت منابع آزادشده از این محل جهت تخصیص به حوزه‌های تولیدی و عمرانی و جهش تولید بیش از گذشته مهیا گردد.

❖ استقرار نظام بنگاهداری نوین و تجدید ساختار شرکت‌های دولتی

نظام حاکمیت و مدیریت و در نتیجه آن محتوای نظام بودجه‌ریزی شرکت‌های دولتی متفاوت از سایر دستگاه‌های اجرایی دولتی است. این در حالی است که در حال حاضر چارچوب حاکم بر تدوین، بررسی و تصویب بودجه شرکت‌های دولتی در قوانین بودجه سنواتی به‌رغم گستره و تأثیرگذاری عملکرد آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی، از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد و نحوه برخورد قانون‌گذار در تصویب بودجه شرکت‌های دولتی مشابه با بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است. این رویکرد نه تنها تضادها و اختلالاتی را در مراحل برآورد و اجرای بودجه فراهم می‌کند، بلکه با اصل استقلال مالی و عملیاتی شرکت‌ها نیز مغایر است. لذا در راستای رفع نارسایی مذکور و باهدف ایجاد و استقرار نظام بنگاهداری نوین دولتی در اجرای مفاد بند (ب) ماده (۴) قانون برنامه ششم توسعه وزارت امور اقتصادی و دارایی، لایحه نحوه اداره شرکت‌های بخش عمومی را تقدیم دولت نموده است که به نظر می‌رسد با تصویب و اجرای آن و همچنین پیاده‌سازی سامانه یکپارچه اطلاعات شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی توسط وزارت امور

اقتصادی و دارایی بنابر مفاد بند (ه) تبصره (۲) قانون بودجه سال جاری، ضمن ارتقای شفافیت و بهره‌وری شرکت‌های دولتی، انتظار می‌رود زمینه برای تجدید ساختار شرکت‌های دولتی و به‌ویژه شرکت‌های دولتی زیان ده و کاهش هزینه‌های بنگاه‌داری دولت از این محل بیش‌ازپیش فراهم گردد.

❖ استقرار سیستم یکپارچه مدیریت مالی دولت و ارتقای نظام نظارت مالی

در شرایط فعلی، تصویر جامعی از تعهدات مالی دولت در سمت مصارف عمومی که توسط دستگاه‌های مختلف و یا از طریق مکانیزم‌های فرا بودجه‌ای ایجاد شده، در اختیار نیست. در سمت منابع نیز فقدان پیش‌بینی دقیق در زمان تخصیص موجب شده که همواره حجم بالایی از تخصیص‌ها در خزانه‌داری در انتظار پرداخت باشند که این امر رایزنی و چانه‌زنی دستگاه‌های اجرایی برای افزایش اولویت تخصیص اعتبارات را به دنبال داشته است. در این ارتباط جهت کاهش عدم قطعیت در سمت مصارف، می‌بایست قواعد، فرایندها و سازوکارهای نظام تأمین، تخصیص، ایجاد و ایفای تعهدات در عملیات بودجه‌ای و فرا بودجه‌ای دولت مورد بازبینی قرار گیرد. وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز با هدف کاهش عدم قطعیت اجرای بودجه در مورد میزان منابع وصولی در زمان تخصیص جهت یکپارچه‌سازی سامانه درآمدهای ارزی و ریالی دولت، گام‌های اولیه را برداشته و جریان نقد را به‌صورت فعالانه مدیریت می‌کند. در حال حاضر سامانه مدیریت جریان نقدی نیز برای تسهیل این فرایند ایجاد شده است که در نهایت این سامانه باید امکان دسترسی و گزارش‌گیری برخط حساب‌های بانکی مرتبط با ردیف‌های

درآمدی بودجه عمومی، تخصیص‌های صادره و پرداختی برنامه‌های اجرایی هر یک از دستگاه‌های اجرایی را داشته باشد. پس از استقرار سامانه کنترل تعهدات و تکمیل طبقه‌بندی حساب‌های پرداختی، کلیه پرداخت‌های بودجه با درخواست دستگاه اجرایی مربوطه توسط خزانه‌داری به ذینفع نهایی انجام خواهد شد. این کار با ساماندهی سامانه پرداخت بودجه توسط سازمان برنامه و بودجه و خزانه‌داری کل کشور و با همکاری دستگاه‌های اجرایی انجام خواهد شد و موجبات کاهش هزینه‌های استقراض دولت و افزایش شفافیت و اثربخشی در نحوه هزینه کردن وجوه عمومی را فراهم می‌آورد. لذا به نظر می‌رسد در صورت عملیاتی شدن سیاست‌های مذکور که برخی گام‌های آن نیز توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (از طریق ایجاد سامانه‌های ساماندهی حساب‌های دولتی، راه‌اندازی سامانه مدیریت حساب‌های بانکی و ایجاد بسترهای نرم‌افزاری جهت کنترل تعهدات و پرداخت به ذی‌نفع نهایی) برداشته شده است، بتوان موجبات ارتقاء مدیریت نقدینگی خزانه و بالطبع مدیریت هزینه‌های عمومی دولت و همچنین ارتقاء نظام نظارت مالی را فراهم آورد.

در مجموع براساس مباحث مطروحه در حوزه سیاست‌های مالی و بودجه، مهم‌ترین سیاست‌های این حوزه در سال ۱۳۹۹ به شرح جدول (۷) می‌باشند.

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۱	ارتقای درآمدهای مالیاتی با تأکید بر پایه‌های مالیاتی با ماهیت اخلاقی پایین و عدم تحمیل بار مالیاتی بر فعالان اقتصادی شفاف	*ارتقای درآمدهای پایدار بودجه *اجتناب از تشدید کسری بودجه *ایجاد شرایط رقابتی در تولید *عدم اخلاقی در فعالیت‌های تولیدی *عدم تحمیل بار مالی اضافی بر بخش‌های مولد *ارتقای شفافیت اقتصادی	تحقق کامل درآمد های مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال جاری	*سازمان امور مالیاتی کشور *گمرک ج.ا.ا.	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *بانک مرکزی ج.ا.ا.
۲	هدفمند نمودن و تخصیص کامل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با رویکرد اولویت‌دهی به پروژه‌های ناتمام بالای ۸۰ درصد در راستای تحقق جهش تولید	*اولویت‌بندی تخصیص منابع به پروژه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با رعایت شاخص‌های منتخب، از جمله اثربخشی در تولید و پیشرفت فیزیکی *بازنگری در هزینه‌های جاری دستگاه‌ها	*تخصیص کامل بودجه تملک دارایی‌های سرمایه ای	سازمان برنامه‌بودج ه کشور	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۳	انضباط مالی و اعمال اصلاحات برای کاهش اعتبارات هزینه‌ای	صرفه‌جویی در بودجه جاری کشور	کاهش حداقل ۵ درصدی هزینه‌های جاری دستگاه‌های اجرایی	سازمان برنامه‌بودج ه کشور	*وزارت امور اقتصادی و دارایی *دستگاه‌ها ی اجرایی
۴	استقرار نظام‌نگاره‌داری نوین، تجدید ساختار شرکت‌های زیان‌ده ولتی، انضباط مالی و پایه‌سازی کامل سامانه یکپارچه اطلاعات در شرکت‌های دولتی	*هدف تقویت شفافیت و ارتقای بهره‌وری *اصلاحات ساختاری هزینه‌ای	*راه‌اندازی سامانه یکپارچه تا شهریور ۱۳۹۹	وزارت امور اقتصادی و دارایی	شرکت‌های دولتی
۵	استقرار سیستم یکپارچه مدیریت مالی دولت و ارتقای نظام نظارت مالی	*مدیریت نقدینگی خزانه *مدیریت هزینه‌های عمومی دولت	*راه‌اندازی سامانه تا شهریور ۱۳۹۹	وزارت امور اقتصادی و دارایی	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۶	اولویت‌گذاری در واگذاری‌ها بر اساس کمک به امر جهش تولید	*انجماد دایمی از دارایی‌های راکد و کم بازده و ارزش افزایی از آن *کاهش هزینه‌های نگهداری	*تجدید ساختار و واگذاری ۱۰ شرکت زیان‌ده	سازمان خصوصی‌سا زی	وزارت امور اقتصادی و دارایی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
		*تأمین مالی پایدار و بلندمدت برای دولت	تا پایان سال		
۷	تسویه و تهاتر مطالبات بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی از طریق صدور اوراق تسویه خزانه	ایجاد منابع برای تولید	*کاهش مطالبات بخش خصوصی نسبت به ابتدای سال	وزارت امور اقتصادی و دارایی	سازمان برنامه و بودجه کشور
۸	تسریع در شناسایی اموال مازاد و ناکارآمد دولت برای مولدسازی و یا فروش به منظور تأمین منابع مالی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	*مولدسازی و یا فروش به منظور تأمین منابع مالی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	*تکمیل سامانه اموال دولت تا پایان سال *فروش و مولدسازی ۴۸۰ هزار میلیارد ریال از دارایی‌های دولت	وزارت امور اقتصادی و دارایی	تمامی دستگاه‌های اجرایی

۴-۵. سیاست‌های ارزی و تجاری

سیاست تجاری یک کشور، بر این اساس شکل می‌گیرد که آن کشور در صادرات و واردات خود چه رویه‌ای را درپیش بگیرد و این سیاست به‌طور نظری دو حالت حدی خودکفایی و جهانی شدن را شامل می‌شود. اگرچه درعمل، سیاست تجاری کشورها بین این دو حالت قرار دارد و برای همه کالاها و خدمات نیز یکسان نیست. در حال حاضر، کشورها تلاش می‌کنند در حوزه‌های ضروری برای رشد اقتصادی از طریق حمایت تجاری موقت، یارانه صادرات، مزایای مالیاتی و سایر مشوق‌ها مزیت نسبی ایجاد کنند. اغلب این حمایت‌ها، ماهیت کوتاه‌مدت دارند و در بلندمدت باید صنعت موردنظر بتواند با کسب دانش فنی، صرفه به مقیاس و قدرت رقابت‌پذیری، جایگاه خود را در بازار داخلی و جهانی به‌دست آورد. بررسی تجربه کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته

نشان می‌دهد که در عمل بسیاری از کشورها، در دوره‌ای چنین سیاست‌هایی را اتخاذ کرده‌اند و برخی از آن‌ها نتایج قابل توجهی را نیز به دست آورده‌اند.

در بین کشورهای توسعه یافته که برای دوره‌ای موقت، سیاست‌های حمایتی را اعمال کردند، سیاست‌های حمایتی انگلستان در دوره‌ای برای پیشی گرفتن از هلند و حمایت‌گرایی آمریکا برای رسیدن به آلمان و انگلستان و همچنین سیاست‌های حمایتی ژاپن از آغاز قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰ میلادی را می‌توان نام برد. از ابتدای دهه ۱۹۵۰ میلادی، حمایت از تولیدات داخلی و جایگزینی کالاهای وارداتی با محصولات داخلی، به یک سیاست تجاری مشترک در اغلب کشورهای در حال توسعه تبدیل شد. اقتصادهای آسیای شرقی در بین کشورهای در حال توسعه، یک نمونه موفق هستند که از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی، هم در تولید و هم در سیاست‌های وارداتی خود اهداف صادراتی را مدنظر قرار دادند و توانستند با رشد مداوم چنددهه‌ای، جایگاه خود را در بین کشورهای جهان به میزان قابل توجهی ارتقا بخشند.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ و دوسویه بین سیاست‌های تجاری و سیاست‌های ارزی، لازم است که این دو سیاست، به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند و هر تحلیل و برنامه‌ای، بدون مدنظر قراردادن این ارتباط، منجر به اشتباه و خطا در سیاست‌گذاری خواهد شد. سیاست‌های ارزی، اساساً به مجموعه‌ای از اقدامات دولت جهت تعیین و تنظیم نرخ ارز از یک سو و وضع مقررات ارزی مرتبط (اعم از نحوه ورود و خروج ارز تجاری و یا مسافری، روش ارائه اطلاعات و اظهارنامه‌های ارزی توسط افراد حقیقی و

حقوقی، شیوه‌های مجاز استفاده ارز صادراتی، مراحل ثبت سفارش برای ورود کالاها و خدمات و ...)، از سوی دیگر اطلاق می‌شود. علاوه بر هدف تنظیم تراز پرداخت‌ها، رشد صادرات و افزایش توان رقابت تولید داخل در مقابل کالاها و خدمات وارداتی، ازجمله اهداف سیاست‌های ارزی است که تأثیر خود را به‌طور مستقیم متوجه رشد اقتصادی می‌کند.

از آنجا که نرخ ارز، باید به‌گونه‌ای تعیین شود که قیمت سبد کالاهای یکسان در دو کشور برابر شود؛ لذا در بلندمدت می‌بایست نرخ اسمی ارز، متناسب با تفاضل رشد قیمت‌های داخلی (تورم داخلی) و رشد قیمت‌های خارجی (تورم خارجی) تعدیل شود؛ این در حالی است که سیاست‌های پولی کشور طی چهاردهه گذشته، تحت سلطه سیاست مالی دولت قرار داشته و اجزای پایه پولی، به‌شدت تحت تأثیر عملکرد دولت قرار گرفته است؛ لذا بانک مرکزی به‌ناچار در کنار سرکوب ضریب تکاثری برای کنترل نقدینگی و تورم، از تثبیت نرخ ارز نیز به‌عنوان لنگر اسمی برای کنترل انتظارات تورمی استفاده کرده است. در عمل، تثبیت نرخ اسمی ارز به‌مدت طولانی در برخی ادوار، منجر به کاهش نرخ ارز حقیقی، کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی، کاهش صادرات، افزایش واردات، افزایش قاچاق و کاهش توان رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و تضعیف رشد اقتصادی شده است. به‌علاوه حسب قاعده آریترائز، به‌ناچار در فواصل زمانی مختلف جهش نرخ ارز اجتناب‌ناپذیر شده یا با حملات سفته‌بازانه عاملان اقتصادی، این ثبات به چالش کشیده شده است. جهش‌های ارزی اوایل دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ و سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، نمونه‌هایی از این‌دست هستند. در ادواری که از نرخ ارز به‌عنوان لنگر اسمی

جهت کنترل انتظارات تورمی استفاده شده (دهه ۱۳۸۰)، اقتصاد کشور از ناحیه تقویت ارزش پول ملی، متحمل کاهش توان رقابت‌پذیری و به‌طریق اولی، فشار بر کاهش صادرات و رشد اقتصادی شده است و در ادواری که نرخ اسمی ارز به‌صورت جهشی افزایش پیدا کرده، رشد اقتصادی با اختلال مواجه گردیده است. اغلب مطالعات انجام‌شده درخصوص سیاست‌های ارزی کشور نیز بر ضرورت کنترل رشد نقدینگی، ثبات بخشی به نرخ حقیقی ارز و پذیرش سطحی از انعطاف‌پذیری نرخ اسمی ارز تأکید دارند.

تجربه کشورهای موفق از حیث دستیابی به نرخ‌های رشد بالا نشان می‌دهد که ورود به بازارهای جهانی، مهم‌ترین دلیل دستیابی به این موفقیت و گذار به مراحل بالاتر توسعه‌یافتگی بوده است. درخصوص ایران نیز باید خاطرنشان شود که شعار سال ۱۳۹۹ مبنی بر «جهش تولید» تنها با اشباع بازارهای داخلی محقق نمی‌شود؛ بلکه لازم است با جهش صادرات تکمیل شود. درواقع جهش تولید زمانی بیشتر مفید است که بتواند درآمدهای ارزی جدید برای کشور ایجاد کند یا لاقط بخشی از نیازهای وارداتی را پوشش دهد؛ از این‌رو یک حوزه مهم برای عملکرد مناسب سیاست جهش تولید، توسعه تجارت خارجی و بسترسازی برای جهش صادرات در سال جدید است.

❖ سیاست‌های تجاری

آثار تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی از ابعاد مختلفی از جمله عوامل تولید، اثر بر بازار، تخصیص مجدد منابع، انتقال تکنولوژی، صرفه‌های ناشی از مقیاس و ...

قابل تحلیل است. تجارت بین الملل، اختلاف قیمت عوامل تولید در کشورها را به حداقل ممکن کاهش می دهد و به تحرک بین المللی عوامل تولید منجر می شود.

به علاوه، بر اساس نظریات کلاسیک ها، توسعه تجارت بین الملل منجر به افزایش تخصص و کارایی در بخش های صادراتی شده و در نهایت، تخصیص مجدد منابع را در پی دارد و این امر، منتج به رشد تولید خواهد شد.

از دیرباز، کشورها با در نظر داشتن نقش محرکه و اساسی تجارت در رشد و توسعه اقتصادی، اقدامات قابل ملاحظه ای را در زمینه سیاست گذاری تجاری خود دنبال کرده اند که شواهد دنیای امروز، مؤید موفقیت کشورهای پیشرفته، صنعتی و نوظهور در زمینه بهره برداری از تجارت خارجی به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی است.

گروهی از اقتصاددانان معتقدند که توسعه تجارت خارجی، تخصص در تولید کالاها را افزایش داده و باعث افزایش سطح کارایی و رشد مهارت های عمومی می شود. از سوی دیگر، تجارت خارجی از طریق واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای که واردات فناوری خارجی را با خود به همراه دارد، تولید کالاها و خدمات را تسریع می کند و از این طریق، موجب افزایش رشد و بهره وری کشورهای در حال توسعه خواهد شد. علی رغم اختلاف نظرهای متعدد در مورد ماهیت تأثیرگذاری تجارت خارجی بر اقتصاد کشورها، اکثر اقتصاددانان بر اهمیت تجارت خارجی در اقتصاد کشورها تأکید کرده اند و نظریه های فراوانی از این دیدگاه حمایت می کنند؛ از جمله این نظریه ها می توان به نظریه های رشد سوداگرایی، کلاسیک ها، نئوکلاسیک ها و نظریه رشد درونزا اشاره کرد.

به علاوه، نتایج پژوهش‌های متعدد اقتصادی حکایت از این دارند که حضور فعال کشورها در عرصه تجارت بین‌الملل، نقش بسیار مؤثری در بهبود نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن‌ها دارد. تجارت، امکان دسترسی به بازارهای جدید و نهاده‌های تولید جدید را برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌سازد و از این طریق، نه تنها به متنوع‌سازی محصولات صادراتی آن‌ها کمک می‌کند؛ بلکه منحنی امکانات تولید آن‌ها را نیز بالاتر می‌برد؛ به تعبیری می‌توان عامل اصلی جهش تولید را در بسیاری از کشورهای نوظهور و صنعتی طی سال‌های گذشته، توسعه تجارت این کشورها دانست. کشورهای هند، چین و سنگاپور، موفق‌ترین نمونه‌های این رویکرد هستند. حال آنکه در بیشتر کشورهای در حال توسعه، صادرات فاقد تنوع است و به همین دلیل با کوچک‌ترین نوسانی در قیمت جهانی این کالاها، یک باره تراز پرداخت‌ها دچار عدم موازنه می‌شود و رشد اقتصادی آن‌ها را متأثر می‌سازد.

سابقه تاریخی رشد و توسعه اقتصادی کشورها حاکی از آن است که هیچ کشور موفق را نمی‌توان یافت که همراه با سیاست‌های مکمل، بدون گسترش تجارت از کانال دسترسی به بازارهای جهانی توسعه یافته باشد؛ البته نمونه‌های موفق در کشورهای مختلف با توجه به پتانسیل‌ها و مزیت‌های خود از مسیرهای مختلفی برای تحقق این هدف، اقدام کرده‌اند.

از ۱۳ کشور دارای مسیرهای رشد پایدار مورد بررسی در گزارش کمیسیون رشد^۶ ۲۰۰۹، هر کدام مسیرهای گوناگونی را طی کرده و ترکیبات گوناگونی از فعالیت‌های اقتصادی داشته‌اند. با این حال، اشتراکات کشورهای موفق در رشد، این است که آن‌ها از ظرفیت‌های ارائه شده از طریق دسترسی به بازار جهانی و ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی برای مردم خود استفاده کرده‌اند؛ اگرچه گسترش تجارت با ریسک‌ها و هزینه‌هایی همراه است؛ اما تجربه نشان می‌دهد وقتی آن ریسک‌ها به‌طور مؤثری مدیریت شوند، ضررهای احتمالی در کوتاه‌مدت به حداقل رسیده و در بلندمدت، دستاوردهای خوبی برای کشورها به همراه دارد. کشورها سعی کرده‌اند با ادغام در اقتصاد جهانی و ایجاد بازار بزرگ‌تر برای بنگاه‌های داخلی خود و همچنین ایجاد زنجیره‌های ارزش بالقوه که با آن‌ها بتوانند تولید خود را پیوند دهند، فرصت‌های اقتصادی جدیدی را ایجاد کنند و همچنین با قراردادن شرکت‌ها در معرض رقابت و استفاده از صرفه‌های مقیاس و تنوع، تخصص، انتقال دانش، بهره‌وری، کارایی و نوآوری را گسترش دهند. تجارت علاوه بر اینکه موتور رشد اقتصادی است، می‌تواند سهم به‌سزایی در کاهش فقر از طریق فعلیت‌بخشی ظرفیت بخش خصوصی برای ایجاد شغل، داشته باشد.

۶- کمیسیون رشد، کمیته‌ای زیر نظر بانک جهانی و کشورهای پیشرفته اقتصادی و جمعی از اقتصاددانان مطرح دنیا بوده است که تا سال ۲۰۱۰ فعالیت داشته و درخصوص مؤلفه‌های مؤثر بر رشد پایدار، مطالعه می‌نمود.

بررسی مدل اقتصادی کشورهای مختلف نشان می‌دهد؛ هرچه یک کشور از واردات کالاهای نهایی و صادرات مواد خام، به سمت واردات مواد خام و صادرات کالاهای نهایی با ارزش افزوده بالاتر حرکت کند، ثروت بیشتری تولید خواهد کرد و این حقیقت، همان تفاوت اصلی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای فقیر است.

حرکت از نظام اقتصادی مبتنی بر واردات به سمت اقتصاد تولیدمحور، مستلزم تقویت بخش تولید با استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌های ملی است. در این میان، مدیریت صحیح بازار و اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب، نقش پررنگی در توانمندسازی بخش تولید دارد؛ چراکه بازار مصرف بزرگ، فرصتی بی‌بدیل برای رونق تولید داخلی به عنوان بخش واقعی اقتصاد به‌شمار می‌رود. این امر، در گرو هماهنگی مؤثر بین بخش‌های تجاری و تولیدی در داخل کشور است و نبود چنین هماهنگی‌هایی باعث می‌شود تا واردات، به عنوان یک چالش جدی پیش روی تولیدکنندگان قرار گیرد. جلوگیری از واردات بی‌رویه کالا به کشور و مسئله حمایت از تولید ملی و نیز جهش تولید بدون تنظیم یکپارچه سیاست‌های تجاری و سیاست‌های صنعتی ناظر به توانمندسازی تولید، محقق نخواهد شد؛ بنابراین شناخت دقیق سیاست‌های تجاری و نقش و اثر آن‌ها در حمایت از تولید ملی، یک سرفصل مهم در جهش تولید محسوب می‌شود.

در این راستا، تعداد زیادی از مطالعات به موضوع سیاست تجاری پرداخته و سعی کرده‌اند تأثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی را بررسی کنند. بیشتر مطالعات تجربی

بین‌کشوری که به معیار شدت تجاری (نظیر صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) تکیه دارند، تأثیر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهند؛ اما در مطالعات خاص کشوری، تأثیر تجارت بر رشد اقتصادی، به موقعیت کشور و ترکیب فعالیت‌های تجاری آن بستگی دارد یا به عبارت دیگر، رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی، پیچیده است.

مطابق نظریه رشد درون‌زا، انتخاب نامناسب شرکای تجاری، دلالت بر تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای در کارکردهای تولید، فناوری و منابع طبیعی در کشورها دارد که ممکن است تجارت و بازبودن اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهایی که دارای فناوری پایین هستند تأثیر مثبتی نداشته باشد.

با وجود نظریه‌های تجارت معاصر (تأکید بر مزایای تجارت)، توانایی یک کشور برای بهره‌مندی از مزایای تجارت، منوط به ماهیت درون‌زای تحولات فناورانه و تنوع تولید صنعتی است. اساساً، چارچوب نظری (ادغام نظریه‌های نئوکلاسیک تجارت و رشد) فرض می‌کند که اختلاف در سطوح توسعه صنعتی و قابلیت‌های فناوری در کشور ممکن است با نتایج گوناگون از دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی همراه باشد.

تأثیر تجارت بر رشد اقتصادی به اندازه اقتصاد، مهارت فنی و میزان تنوع صنعتی هر اقتصادی بستگی دارد. پیچیدگی اقتصادی، دلالت بر تولید و صادرات کالاهایی دارد که مبتنی بر دانش و مهارت انباشته‌شده و در نتیجه تخصصی‌سازی کالایی در کشورها است. هاسمن و هیدالگو نشان دادند کالاهای صادراتی یک کشور هرچه پیچیده‌تر

باشد، آن کشور از رشد اقتصادی بالاتری نیز برخوردار خواهد شد؛ بنابراین فقط گسترش صادرات تعیین کننده رشد اقتصادی بالاتر نخواهد بود، بلکه ترکیب کالاهای صادر شده نیز در رشد اقتصادی عامل تعیین کننده است. اما درباره ایران، بررسی های انجام شده نشان می دهد درجه باز بودن و دسترسی به بازارهای جهانی (سهم صادرات و واردات از GDP) منجر به افزایش رشد اقتصادی می شود. به عبارت دیگر، بین آزادسازی تجاری (سهم صادرات به علاوه واردات از GDP) و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. درباره تولید و صادرات محصولات پیچیده اقتصادی، مطالعات انجام شده حاکی از آن است که سبد صادراتی کشور به دلیل تمرکز بر کالاهای با ارزش افزوده پایین (هر تن کالای غیرنفتی صادراتی کشور در سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۳۷۹ دلار بوده است) و کالاهای خام از سطح پیچیدگی بالایی برخوردار نبوده و اثر کمی بر رشد اقتصادی دارد؛ بنابراین به نظر می رسد هماهنگی با سیاست های تسهیل کننده صادرات و تجارت در کوتاه مدت، نیاز است تا سیاست های بلندمدتی در زمینه ترکیب کالاهای صادراتی تدوین شود و حرکت به سمت حمایت از تولید کالاهای با ارزش افزوده بیشتر و توسعه زنجیره ارزش تولید محصولات پیچیده آغاز شود.

❖ ترکیب کالاهای تجاری

ترکیب کالاهای تجاری یکی از مهم ترین مؤلفه های آگاهی دهنده در تولید جاری و آتی کشور خواهد بود. با توجه به اطلاعات آماری موجود، از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ کالاهای واسطه ای بیش ترین سهم را در تجارت ایران داشته است و البته بیشترین نوسانات در صادرات و واردات کشور طی سال های گذشته نیز به این کالاها اختصاص داشته است. از

سوی دیگر سهم پایین واردات کالاهای سرمایه‌ای بر میزان سرمایه‌گذاری و همچنین واردات تکنولوژی و درنهایت تولید داخلی تأثیرات منفی داشته است.

کشورهای در حال توسعه در مراحل انتقالی توسعه اقتصادی، به تأسیس زیربناهای سرمایه‌ای که واردات کالاهای سرمایه‌ای نقش بسیار مهمی در ایجاد آن دارد نیازمند هستند. طبق نظر هیرشمن، استراتژی جایگزینی واردات با تولید کالاهای مصرفی بادوام آغاز می‌شود. در این صورت، کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز باید از طریق واردات تأمین شوند و تولید با مونتاژ محصولات مصرفی بادوام صورت گیرد. سپس در مراحل بعدی، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از طریق آثار پیوندهای پسین تولید شوند. در غیر این صورت مراحل سیاست جایگزینی واردات به صورت کامل تکمیل نشده و این سیاست به رشد اقتصادی منجر نخواهد شد.

لازم به ذکر است که می‌توان با توسعه زنجیره ارزش تولید، صادرات محصولات مصرفی با ارزش افزوده بالاتر را ارتقا داد و با استفاده از مزایای دسترسی به بازارهای جهانی، جهش تولید را محقق کرد.

❖ سیاست‌های ارزی

اثرات سینوسی افزایش نرخ ارز روی تولید حقیقی به این دلیل است که تغییرات نرخ ارز روی تورم و افزایش قیمت کالاها سریع‌تر از تولید اثر می‌گذارد و لذا با افزایش قیمت‌ها و افزایش درآمد تولیدکنندگان، ابتدا تولید تشویق می‌شود؛ اما بعد از اینکه اثرات تغییر نرخ ارز با یک وقفه روی هزینه‌های تولید (که وابستگی بالایی به مواد اولیه

وارداتی نیز دارند) نمایان شود، می‌توان اثرات منفی چنین تغییری را در میان‌مدت ملاحظه کرد. نتایج فوق با یافته‌های جاوید و فاروق (۱۳۸۸)، پرهیزگار و دنمولا (۱۳۹۲) و بصیرت، نصیرپور و جرجرزاده (۱۳۹۳) سازگاری دارد.

بنابراین اغلب مطالعات، تأکید دارند که حفظ نرخ‌های باثبات ارز حقیقی ضمن شتاب‌بخشیدن به رشد اقتصادی، چارچوب باثباتی را برای تعدیل بازارهای مالی، نیروی کار و دارایی کشورها فراهم می‌کند؛ ازاین‌رو، باید علاوه بر کنترل رشد نقدینگی، سطحی از انعطاف‌پذیری نرخ اسمی ارز را به‌عنوان ابزاری برای حفظ قدرت رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی موردتوجه قرارداد.

چشم‌انداز اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۹ حاکی از کاهش درآمدهای نفتی، تأثیر صادرات غیرنفتی از همه‌گیری کرونا و تشدید محدودیت‌های تجارت منطقه‌ای، کسری بودجه دولت و تداوم تحریم‌های بین‌المللی است. تحت چنین شرایطی، خطوط کلی سیاست‌های ارزی کشور به‌طور اجمالی مشتمل بر برقراری ثبات در بازار ارز با پذیرش سطحی از انعطاف‌پذیری توأم با حرکت در جهت کاهش نرخ‌های چندگانه ارز، تداوم مدیریت بهینه منابع محدود ارزی با رویکرد اولویت‌بندی مصارف و تقویت مکانیزم‌های تشویقی بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور و همچنین اتخاذ تمهیداتی برای کاهش وابستگی تجارت خارجی به ارزهای جهان‌روا (به‌ویژه دلار) خواهد بود. در تفصیل خطوط کلی سیاست‌های ارزی موارد ذیل شایان توجه است:

۱- برقراری ثبات در بازار ارز با پذیرش سطحی از انعطاف پذیری

نوسانات شدید نرخ ارز، یک منشأ اصلی بی ثباتی و نااطمینانی در اقتصاد به شمار می رود که خود باهدف امسال که جهش تولید است، تناقض دارد؛ لذا هدف اصلی سیاست ارزی می باید حصول به درجه قابل قبولی از ثبات بازار ارز باشد؛ البته با توجه به نرخ تورم بالا در سال ۱۳۹۸ ثبات نرخ ارز نباید به مفهوم تثبیت نرخ ارز تفسیر شود؛ بلکه دامنه ای از انعطاف پذیری نرخ با توجه قراردادن نرخ حقیقی ارز و شرایط اقتصادی سال ۱۳۹۹ می تواند توسط سیاست گذار ارزی مورد توجه قرار گیرد.

۲- حرکت در جهت کاهش نرخ های چندگانه ارز

نرخ های چندگانه ارز، فارغ از اینکه خود معلول شرایط تحریمی هستند، از منظر اینکه با اهداف اقتصادی و اجتماعی دولت نظیر شفاف سازی و سلامت اداری تناسبی ندارند، نیازمند اصلاح هستند. در این زمینه، اصلاح روش تأمین کالاهای اساسی در کشور که تاکنون مبتنی بر ارز ترجیحی بوده، نیازمند توجه ویژه است.

۳- تداوم مدیریت بهینه منابع محدود ارزی با رویکرد اولویت بندی مصارف

با توجه به محدودیت منابع ارزی، گروه بندی کالاهای وارداتی با رویکرد تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه در کوتاه مدت، اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

۴- افزایش سهم سامانه نیما از تخصیص منابع ارزی و تقویت مکانیزم های تشویقی بازگشت ارز حاصل از صادرات

در سال ۱۳۹۸ با تعدیل رو به بالای نرخ‌های ارز و تقویت انگیزه صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات، سهم سامانه نیما در تخصیص ارز افزایش یافت؛ به‌طوری‌که در پایان این سال، سهم سامانه نیما در تأمین ارز، به بیش از ۴۰ درصد رسید؛ این در حالی است که انتظار می‌رود اصلاح دستورالعمل بازگشت ارز حاصل از صادرات در سال ۱۳۹۹ (با رویکردهایی نظیر افزایش زمان رفع تعهدات هر پروانه سبز صادراتی (کوتاژ)، اجازه واگذاری امتیاز پروانه صادراتی به غیر، در اولویت قراردادن صادرکنندگانی که سریع‌تر ارز ناشی از صادرات را به سامانه برگردانند برای تأمین نیازهای وارداتی خود و ...)، ضمن تقویت عملکرد سامانه نیما و ایجاد شفافیت در تخصیص ارز، در تقویت انگیزه صادرکنندگان به بازگشت ارز حاصل از صادرات، تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

۵- اتخاذ تمهیداتی برای کاهش وابستگی تجارت خارجی به ارزهای جهان‌روا

با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت در نقل‌وانتقالات ارزی که دسترسی به ارزهای جهان‌روا نظیر دلار و یورو را کاهش داده است، استفاده از ابزارهایی نظیر انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه با شرکای عمده تجاری کشور نظیر چین، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ این در حالی است که در سال گذشته، بانک مرکزی اقداماتی را در جهت انعقاد این پیمان‌ها با کشورهای مختلف انجام داده که در صورت عملیاتی‌شدن آن‌ها، نیاز به ارزهای جهان‌روا تا حدی کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، اصلاح ضوابط و مقررات مربوط به رمز ارزها در کنار به‌رسمیت‌شناختن این حوزه به‌عنوان صنعت در

سال ۱۳۹۸، استفاده از ظرفیت‌های رمز ارزها در تجارت خارجی را در سال پیش رو تسهیل خواهد کرد. همچنین به کارگیری فناوری‌های نوین مالی و به‌خصوص سامانه‌های مبتنی بر تهاتر، استفاده از رمز ارزها و ایجاد پلتفرم‌های تجاری برای جبران بخشی از محدودیت‌های نقل و انتقال ارز نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در سال ۱۳۹۹ به کارگیری فناوری‌های نوین از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و می‌تواند بخشی از محدودیت‌های ناشی از نقل و انتقال ارز را جبران کند.

مهم‌ترین سیاست‌های پیشنهادی در حوزه‌های ارزی و تجاری در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۸. سیاست‌های ارزی و تجاری

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۱	برنامه‌ریزی منابع و مصارف ارزی با توجه به کاهش درآمد ارزی ناشی از تحریم، رکود اقتصاد جهانی و کاهش قیمت نفت خام	مدیریت و تقویت تراز ارزی کشور	*برنامه منابع و مصارف ارزی سال ۱۳۹۹	بانک مرکزی ج.ا.ا	*سازمان برنامه‌بودجه کشور *وزارت امور اقتصادی و دارایی *وزارت نفت *وزارت صنعت، معدن و تجارت
۲	به کارگیری فناوری‌های نوین مالی و به‌خصوص راه‌اندازی سامانه‌های مبتنی بر تهاتر، استفاده از رمز ارزها و ایجاد پلتفرم‌های تجاری	*جبران بخشی از محدودیت‌های نقل و انتقال ارز *راه‌اندازی سامانه تهاتر در تجارت خارجی * ایجاد امکان استفاده از رمز ارزها در تجارت خارجی	*تحت پوشش قرارداد ۱۰ درصد از صادرات غیرنفتی، کشور در سال اول اجرا	وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی ج.ا.ا و وزارت صنعت، معدن و تجارت (کمپته مشترک)	*وزارت صنعت، معدن و تجارت *وزارت امور اقتصادی و دارایی

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
۳	تسهیل تجارت خارجی و توسعه سامانه‌های الکترونیکی برای دستیابی به تجارت آسان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی جهش صادرات	ایجاد جهش صادرات	کاهش ۳۰ درصدی زمان‌های صادرات و واردات	وزارت صنعت، معدن و تجارت گمرک ج.ا.ا	سازمان‌های ذی ربط در حوزه تجارت خارجی
۴	هدایت منابع صندوق توسعه ملی به سمت بستر سازی جهش صادرات	بهره‌گیری مناسب از منابع صندوق توسعه ملی	اعطای اعتبار خریدار به طرف- های تجاری ایران مشارکت صندوق توسعه ملی در تسهیم ریسک صادرات	صندوق توسعه ملی	بانک‌های عامل
۵	تکمیل زنجیره تولید در راستای سیاست‌های توسعه ساخت داخل با تأکید بر جایگزینی کالاهای وارداتی به ویژه جایگزینی واردات کالاهای راهبردی و استراتژیک	کاهش وابستگی محصولات داخلی به مواد اولیه وارداتی	ایجاد ظرفیت تولید داخل برای حداقل ۳ میلیارد دلار از واردات	وزارت صنعت، معدن و تجارت	معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور وزارتخانه‌های تخصصی
۶	ارتقای سامانه‌های تشخیص و نظارت گمرکی با رویکرد کنترل غیر ملموس و غیر مزاحم	تشدید مبارزه با قاچاق کالا در عین تسهیل فرایند	افزایش ۲۰ درصدی کشفیات قاچاق	گمرک ج.ا.ا	وزارت صنعت، معدن و تجارت
۷	راه اندازی دروازه مشترک مجازی با کشورهای هدف	توسعه روابط تجاری با کشورهای هدف صادراتی	راه اندازی حداقل دو درگاه تا پایان سال	گمرک ج.ا.ا	وزارت امور اقتصادی و دارایی
۸	پیگیری انعقاد پیمان های پولی و مالی دو و چند جانبه با کشورهای هدف به ویژه همسایه	توسعه و روان سازی تبادلات مالی و تجاری و سرمایه گذاری	انعقاد حداقل ۲ پیمان تا انتهای سال	وزارت امور اقتصادی و دارایی	بانک مرکزی، وزارت امور خارجه
۹	فعال سازی دیپلماسی	تسريع در رفع	تسريع در رفع	وزارت	وزارت بهداشت، درمان

ردیف	سیاست‌ها	اهداف کیفی	اهداف کمی	مجری	همکاران
	توأمان اقتصادی و بهداشتی با کشورهای پیرامونی و مقاصد صادراتی	مسدودی مرزها و استمرار صادرات و واردات *صادرات خدمات پزشکی و دارویی به کشورهای همسایه	صادرات اقلام بهداشتی * استمرار صادرات به مقاصد صادراتی	صنعت، معدن و تجارت *وزارت امور خارجه	و آموزش پزشکی

۵- جمع‌بندی

جهش تولید به‌عنوان شعار سال ۱۳۹۹ سرلوحه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی کشور قرار گرفته و تحقق آن در بستر محیط باثبات اقتصادی، فضای کسب‌وکار مناسب، نظام تأمین مالی کارآمد و چارچوب سیاست‌گذاری هوشمند میسر خواهد شد. برای دستیابی به جهش تولید باید سیاست‌های تقویت تولید، تشویق سرمایه‌گذاری، حمایت از نوآوری و رفع موانع تولید برای بخش‌های پیش‌ران اقتصادی مد نظر قرار گیرد. همچنین بایستی دارایی‌ها و منابع دولت به کاراترین شکل استفاده و اعتبارات بانکی در مسیر تولید هدایت شوند؛ نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و گمرکی در جهت خدمت تولید و تجارت مورد استفاده قرار گیرند و سیاست‌های مناسب در حوزه ارزی، تجاری و مالیاتی به کار گرفته شوند.

این در حالی است که سایه تنگناهای اقتصادی ناشی از وضعیت تحریم‌ها کماکان بر سر اقتصاد ایران است و دو چالش رکود جهانی و همه‌گیری ویروس کرونا نیز به آن اضافه شده است. در چنین شرایطی برای سیاست‌گذاری اقتصادی باید تمام ظرفیت‌های

ممکن در اقتصاد در نظر گرفته شود و درعین حال بر محورهایی تأکید شود که بیشترین اثرگذاری یا کمترین منابع موردنیاز را لازم دارند.

در این گزارش مجموعه سیاست‌های پیشنهادی در پنج محور برای این شرایط و با رویکرد تحقق جهش تولید ارائه شده است. این سیاست‌ها به‌طور مستقیم اثرگذاری بر فضای تولید و تحقق شعار جهش تولید را دنبال می‌کنند. ویژگی بارز این مجموعه سیاستی، تلاش برای لحاظ کردن تمام ظرفیت‌های اقتصادی کشور است و از این‌رو طیف گسترده و متنوعی از سیاست‌ها و اهداف را گرد هم آورده است. همچنین تلاش شده است برای سهولت هماهنگی و امکان ارزیابی عملکرد، اهداف کمی و کیفی برای هر سیاست ارائه شود و دستگاه‌های مجری و همکار در هر سیاست نیز تعیین شوند.

لازم به یادآوری است، در طراحی این مجموعه سیاستی، فضای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا و پیامدهای جهانی و داخلی آن مدنظر قرار گرفته است؛ لیکن اقدامات و برنامه‌های اقتصادی برای مواجهه با این شرایط خاص به‌ویژه با توجه به ماهیت آن، که نیازمند اقدامات عاجل و کوتاه‌مدت است در گزارش دیگری تهیه و ارائه شده است که مکمل این مجموعه سیاستی است. همچنین لازم است برای عبور از شرایط اقتصادی سال ۱۳۹۹، سیاست‌های متناسب در حوزه رفاه اجتماعی و معیشت مردم نیز طراحی و به اجرا گذاشته شود.

اولین محور در مجموعه حاضر، سیاست‌های حوزه بهبود محیط کسب‌وکار و اقتصاد هوشمند است. بهبود محیط کسب‌وکار یکی از کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین سیاست‌های

حمایت از تولید است. درواقع با صرف هزینه‌های ناچیز می‌توان محیط فعالیت کسب‌وکارها را به نحوی سامان داد که نه تنها آثار مثبتی برای تولید داشته باشند، بلکه برای دولت نیز صرفه‌جویی در برداشته باشد. بهبود محیط کسب‌وکار از طریق رفع موانع زائد، تسهیل در فرایندهای سرمایه‌گذاری‌های جدید و توسعه سرمایه‌گذاری‌های موجود، اصلاح و حذف مقررات مختل‌کننده تولید و بهبود و الکترونیکی‌شدن فرایندهای صدور مجوزها قابل‌انجام است.

همچنین طیف وسیعی از اقدامات اصلاحی در هر یک از دستگاه‌های اجرایی در رابطه با فرایندهای ارائه خدمات آن‌ها به مردم وجود دارد که انجام هر یک می‌تواند ارتباط بین مردم و حاکمیت را به میزان قابل‌توجهی بهبود بخشد. در این مسیر استفاده از ابزارهای هوشمند و به‌طور کلی حرکت به سمت اقتصاد هوشمند، به‌عنوان یک فرصت در پیش روی ما است. در واقع برای به جهش درآوردن تولید باید هوشمندانه عمل کرد. مفهوم اقتصاد هوشمند را امروز باید در همین ارتباط تعریف و اجرا کنیم. اقتصاد هوشمند ابزاری برای برداشتن گام‌های بزرگ با استفاده از منابع تحدیدشده و عبور از تنگناهای اقتصادی است.

محور دوم در رابطه با سیاست‌های تأمین مالی و هدایت اعتبار به سمت تولید طراحی شده است. برای دستیابی به هدف جهش تولید در سال ۱۳۹۹ سیاست‌های مرتبط با تأمین مالی واحدهای تولیدی و هدایت اعتبار می‌توانند عامل مهمی در این راستا محسوب شوند. با توجه به بانک‌محور بودن نظام تأمین مالی کشور در سال ۱۳۹۹

سیستم بانکی نقشی اساسی و بسیار مهمی را بر عهده دارد. کماکان بار اصلی تأمین مالی تولید به عهده بانک‌ها خواهد بود و با توجه به برنامه جهش تولید انتظار می‌رود بانک‌ها نقشی اساسی در این زمینه ایفا کنند؛ البته توجه سیستم بانکی به بخش‌های پیش‌ران اقتصادی و تأمین مالی این بخش‌ها می‌تواند اثربخشی تسهیلات اعطایی را دوچندان کند. همچنین بازار سرمایه با توجه به وضعیت مطلوبی که دارد می‌تواند نقش بیش‌تری در کمک به بخش واقعی اقتصاد و جهش تولید ایفا کند.

برای تأمین منابع لازم در جهت حمایت از برنامه جهش تولید، سطحی از رشد نقدینگی با مدیریت مقدار و چگونگی انبساط، ناگزیر است. رشد نقدینگی تا حدی که نیاز نقدینگی تولید را با توجه به کمبود نقدینگی ناشی از افزایش هزینه‌های مبادله برای بخش‌های تولیدی، کاهش درآمدهای ارزی و هزینه‌های ناشی از مجموع وقایع اخیر از جمله شیوع ویروس کرونا (با توجه به آثار آن بر کاهش تولید و اشتغال بر جای می‌گذارد) تأمین نماید، قابل چشم‌پوشی است. همچنین با توجه به کمبود منابع درآمدی دولت با توجه به تحریم‌های اقتصادی و کاهش قیمت نفت، خلق نقدینگی جدید برای حمایت از سیاست مذکور گریزناپذیر خواهد بود؛ لیکن خلق این بخش از نقدینگی در قالب عملیات بازار باز و با حداقل فشار به پایه پولی باید انجام شود؛ به عبارت دیگر سیاست پولی در هماهنگی با سیاست مالی و توأم با ابزارهایی خواهد بود که اثر تورمی آن را به حداقل برساند.

محور سوم از مجموعه حاضر به سیاست‌های تقویت سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری تولید پرداخته است. بررسی روند متغیر سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد این متغیر در طی یک‌دهه اخیر از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده است. کاهش ارزش واقعی سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه در بخش خصوصی روندی را طی می‌کند که ممکن است رشد تشکیل سرمایه ناخالص از استهلاک سالانه سرمایه کمتر شود که این به معنی کاهش موجودی سرمایه در اقتصاد خواهد بود. چنین روندی نه تنها برای شرایط حاضر مطلوب نیست؛ بلکه می‌تواند آینده رشد و توسعه اقتصادی کشور را تحت الشعاع قرار دهد؛ بنابراین یکی از حوزه‌های اصلی سیاست‌های جهش تولید باید با رویکرد تقویت سرمایه‌گذاری باشد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته می‌بایست بر پایه ارتقای فناوری در بخش تولیدی کشور باشد که بتواند به جهش آن کمک کند. همان‌طور که مشخص است افزایش سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی به همراه ارتقای فناوری تا حد زیادی موجودی سرمایه کشور را بهبود خواهد داد. اولویت تخصیص اعتبارات سیستم بانکی به پروژه‌های عمرانی بخش خصوصی که پیشرفت بالای ۸۰ درصد داشته‌اند از جمله سیاست‌های اقتصادی سال ۱۳۹۹ است که می‌تواند به تقویت سرمایه‌گذاری و افزایش سهم بخش خصوصی کمک کند و اشتغال پایدار برای اقتصاد ایران را فراهم آورد. همچنین حمایت از ارتقای فناوری تولید و روزآمد کردن آن در واحدهای تولیدی از طریق اعطای یارانه نرخ سود و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر در بازار سرمایه، ارتقای فناوری را در واحدهای تولیدی به همراه خواهد داشت.

محور چهارم در مجموعه سیاست‌های پیشنهادی، مبحث سیاست‌های مالی و بودجه‌ای است. در ادوار گذشته کاهش هزینه‌های دولت عمدتاً از محل کاهش هزینه‌های عمرانی دولت بوده است. در صورت تکرار این سیاست در سال ۱۳۹۹ با توجه به شرایط رکودی حاکم بر کشور و روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، کاهش شدیدتر در سرمایه‌گذاری کل کشور را به همراه خواهد داشت و نتیجه آن کاهش موجودی سرمایه و نرخ بلندمدت رشد اقتصادی کشور خواهد بود که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را در روند توسعه اقتصادی داشته باشد. بنابراین اولین و مهم‌ترین توصیه سیاستی در سال ۱۳۹۹، تخصیص کامل بودجه عمرانی و درعین حال افزایش انضباط مالی در بودجه سال ۱۳۹۹ است.

تخصیص کامل بودجه مصوب عمرانی و علاوه بر آن تأمین منابع مالی مناسب از طریق سایر ابزارهای سیاستی در دسترس برای بخش خصوصی، مهم‌ترین عامل موفقیت این برنامه سیاستی خواهد بود. همچنین توجه به مقوله شرکت‌های دولتی به عنوان یکی از اجزای اثرگذار اقتصادی حائز اهمیت است. این شرکت‌ها می‌توانند با اصلاحاتی که در نظام هزینه‌ای خود و افزایش بهره‌وری در فرآیندها انجام می‌دهند، نقش بسزایی در جهش تولید داشته باشند. بنابراین تجدید ساختار شرکت‌های دولتی و افزایش شفافیت مالی در برخی شرکت‌ها می‌تواند یکی دیگر از عوامل مؤثر در جهش تولید در سال ۱۳۹۹ محسوب شود. یکی از سیاست‌های بودجه‌ای که همواره در شرایط سخت اقتصادی توسط بسیاری از کشورها جهت تحکیم مالی دولت انجام می‌شود کاهش هزینه‌های غیرضروری است. در سال ۱۳۹۹ بر اساس برآوردهای صورت گرفته

این ظرفیت وجود دارد که با افزایش انضباط مالی و اعمال برخی اصلاحات در بودجه عمومی کشور به میزان ۵ درصد از هزینه‌های جاری دولت کاسته شود و این منابع مالی در صورت امکان به سمت پروژه‌های عمرانی سوق داده شود.

آخرین محور از مجموعه حاضر به سیاست‌های ارزی و تجاری پرداخته است. جهش تولید تنها با اشباع بازارهای داخلی محقق نمی‌شود، بلکه لازم است با جهش صادرات تکمیل شود. در واقع جهش تولید زمانی بیشتر مفید است که بتواند درآمدهای ارزی جدید برای کشور ایجاد کند یا لااقل بخشی از نیازهای وارداتی را پوشش دهد. ازاین‌رو یک حوزه مهم در سیاست جهش تولید، توسعه تجارت خارجی و بسترسازی برای جهش صادرات در سال جدید است.

کاهش درآمد ارزی کشور ناشی از کاهش قیمت نفت و به تبع آن کاهش قیمت کالاهای انرژی‌بر که سهم قابل توجهی در صادرات کشور دارند، کاملاً محتمل به نظر می‌رسد. ضمن اینکه در حوزه تحریم‌ها نیز باید فرض را بر اعمال محدودیت‌های بیشتر و افزایش فشار گذاشت. چنانچه همه گیری ویروس کرونا به زودی به پایان نرسد، تبعات بیشتری نیز در حوزه تجارت خارجی به دنبال خواهد داشت. درمجموع باید برای مواجهه با کاهش بیشتر منابع ارزی در سال ۱۳۹۹ آمادگی لازم وجود داشته باشد. سیاست ارزی در سال جدید باید به نحوی اجرا شود که باعث اختلال در فعالیت اقتصادی مطلوب نشود و فرآیندهای تخصیص ارز در سامانه‌های بانک مرکزی با شفافیت و سهولت بیشتری انجام شود. قاعده‌تاً نحوه و مقدار تخصیص ارز به کالاهای اساسی و اولویت‌های کالاهای مشمول ارز نیمایی نیز

با توجه به شرایط جدید نیاز به بازنگری دارد. همچنین به کارگیری فناوری‌های نوین مالی و به خصوص سامانه‌های مبتنی بر تهاتر، استفاده از رمز ارزها و ایجاد پلتفرم‌های تجاری برای جبران بخشی از محدودیت‌های نقل و انتقال ارز نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

شایان ذکر است مجموعه سیاست‌ها و اهدافی که در این گزارش ارائه شده است، پس از بحث و بررسی در سطح دولت و ممزوج شدن با سایر سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در این باره توسط سایر دستگاه‌ها ارائه می‌شود، نیازمند تصویب در سطح دولت است و قاعدتاً پس از آن لازم است برنامه‌های عملیاتی مشخص با گام‌های اجرایی و معیارهای ارزیابی عملکرد دقیق توسط هر یک از مجریان تعیین شده، آماده و به اجرا گذاشته شود. انتظار می‌رود که اجرای این مجموعه سیاستی نقش مؤثری در تحقق جهش تولید داشته باشد.



۱ بهبود محیط کسب و کار و اقتصاد هوشمند

امسال سال جشن تولید است.

این شد شعار امسال؛

کسانی که دست اندر کار هستند

جوری عمل کنند که تولید

ان شاء الله به جشن پیدا کند

و یک تغییر محسوس

در زندگی مردم

ان شاء الله به وجود بیاورد.

۲ سیاست های تامین مالی و هدایت اعتبار به سمت واحدهای تولیدی

۳ تقویت سرمایه گذاری و ارتقای فناوری تولید

۴ سیاستهای مالی و بودجه ای

۵ سیاستهای ارزی و تجاری

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱۳۹۹/۱/۱



مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی



www.mefa.gov.ir